هفت صبح

H A F T - E - S L Y

ویژه آخر هفته

روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری واقتصادی ایران
پنجشنبه | ۲۲ آذر ۱۴۰۳
۱۶ صفحه
شماره ۳۹۳۸
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان

دیپورت برخی از تازه‌واردها توسط بازار

دلایل شکست برخی خودروهای وارداتی در بازار ایران به لحاظ قیمتی صفحه ۰۵ رابخوانید

قسر در رفتن مقتول از نقشه جنایت

خیلی وقت‌ها با زنده ماندن قربانی جنایت، دست جنایتکاران رو می‌شود

● بازار داغ اُرگانیک‌ها/ وقتی عسل طبیعی و مرغ سبز، دوستداران سلامتی را در گیر خود کردند ● اندر حکایت لذت «شاورما» خوردن!/ بشار اسد، قانون حجاب، شام آخر، گرانی بنزین، شهرک گلبهار، بثینه شعبان، متروی تهران، هلدینگ خوشپوشان و تمساح خونی... ● نقض حکم پس از مرگ وکیل /حدود ۱۵ ماه پس از فوت نعمت احمدی، رای ابطال پروانه وکالت او باطل شد ● این مطالب را در صفحات مختلف امروز دنبال کنید

بنشینیم پای خاطرات مسعود

قصه های گمشده

صفر تا صد اخوان‌المسلمین

از حسن البنا تا اردوغان

در بسته آخر هفته بخوانید:

● آرزوهای بربادرفته یک بازیگر
داستان صدف همان داستان سینماست

● به قربان پیراهن طلسماتت بروم
کتابخانه‌های فراموش ناشدنی با یادداشت‌هایی از ابراهیم افشار، احد بابایی منیر، مهدی افخمی و ...

● توی شبانه روز فقط ۸ ساعت اخلاقم خوبه که اونم خوابم
طنازی‌های شبکه‌های اجتماعی

● ده سال پیش همین روزها
وقتی آماده ترحیم سینما بودیم

ایران بهشت بخش خدمات

گزارش جدید مرکز آمار از سهم بخش‌های مختلف صنعت و ساختمان، کشاورزی و خدمات در اقتصاد ایران و میزان وام بانکی که به هر کدام از این سه بخش تعلق گرفته است

فاطمه رجبی | مرکز آمار طبق برنامه از پیش اعلام شده، هر ماه گزارش آماری مربوط به وضعیت شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی را به‌روز می‌کند. دیروز هم تازه‌ترین نسخه این آمارها منتشر شده که می‌توان از دل آن نکته‌هایی بیرون کشید که جالب به نظر می‌رسد.

سهم بیشتر، وام کمتر

براساس گزارش جدید مرکز آمار، میزان کل ارزش‌افزوده خلق شده در اقتصاد ایران مربوط به بهار و تابستان سال‌جاری برابر با ۵۰۶۸ هزار میلیارد بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در نیمه اول امسال حجم بزرگترین بخش اقتصاد ایران که صنعت، معدن و ساختمان(با احتساب نفت) است، ۲۷۶۵ هزار میلیارد تومان برآورد شده و این یعنی سهم این بخش از کل اقتصاد در این مدت ۵۵ درصد بوده است. شاید مقایسه این بخش از گزارش مرکز آمار با گزارشی که درباره تخصیص تسهیلات بانکی منتشر شده جالب به نظر برسد. چراکه وقتی به تسهیلات بانکی که به بخش صنعت، معدن و ساختمان تعلق گرفته نگاهی بیندازیم، سهم آن از کل تسهیلات ۴۳ درصد بوده است. بنابراین تفاوت سهم صنعت از اقتصاد و تسهیلات بانکی ۱۲ درصد است. در واقع می‌توان گفت به اندازه‌ای که صنعت و معدن در تولید کل اقتصاد نقش ایفا می‌کند به همان اندازه در بازار تسهیلات بانکی مورد بی‌توجهی قرار گرفته. در بخش کشاورزی هم اوضاع چندان تفاوتی ندارد. در گزارش می‌بینیم که میزان کل ارزش‌افزوده بخش کشاورزی در بهار و تابستان امسال معادل ۳۹۹ هزار میلیارد تومان بوده است و این یعنی سهم این بخش از کل حجم اقتصاد معادل ۸ درصد بوده است. با این وجود سهم این بخش از کل تسهیلات بانکی حدود ۵ درصد بوده و این یعنی تسهیلات بانکی کمتری در مقایسه با سهم بخش کشاورزی از تولید اقتصاد به این بخش اختصاص داده شده است. پس وام‌ها بیشتر نصیب کدام بخش اقتصاد ایران می‌شوند؟

براساس آمارها حجم ارزش‌افزوده خلق شده بخش خدمات در نیمه اول امسال ۱۹۰۱ هزار میلیارد تومان اعلام شده است. اگر نسبت این عدد با کل حجم اقتصاد محاسبه شود، سهم خدمات از کیک اقتصاد معادل با ۳۸ درصد خواهد بود که این بخش را به دومین بخش بزرگ اقتصاد ایران بعد از صنعت، معدن و ساختمان تبدیل می‌کند. با این حال ارقام بانک مرکزی از تسهیلات بانکی شش ماهه اول سال‌جاری نشان می‌دهد که سهم خدمات از حجم کل تسهیلات بانکی معادل ۴۱ درصد بوده است، همه اینها یعنی دسترسی خدماتی‌ها به تسهیلات ۳ درصد بالاتر از سهم آن‌ها از کل ارزش‌افزوده تولیدشده در اقتصاد کشور است.

خدماتی‌ها آب می‌روند

جالب اینکه با وجود هزینه‌کردی که از طریق تسهیلات در حال انجام‌شدن است، خدمات در بخش اشتغال به نظر در حال کوچک‌شدن می‌رسد. با بررسی نمودارهای این بخش می‌بینیم در حالی که انتظار می‌رود سهم مشاغل خدماتی از بازار اشتغال در سال‌های کرونایی کاهش یافته باشد، از سال ۹۵ تا ۱۴۰۲ این بخش به رشد خودش ادامه داده اما از سال گذشته تا امسال این سهم از نزدیک به ۵۴ درصد به ۵۲ درصد رسیده است که اگر ادامه دار باشد می‌تواند از بعد قدرت خرید خانوار قابل بررسی باشد به این معنی که هرچه قدرت خرید خانواده کمتر شود و منابع اصلی خانواده‌ها مخصوصا در طبقه متوسط به سمت تامین کالاها و نیازهای اساسی پیش برود از سهم خرید خدمات کمتر شده و این بخش کم‌رونق‌تر خواهد شد.

به سوی ترمیم ضریب‌جینی

یکی از مهم‌ترین آمارهای مربوط به وضعیت اقتصادی، ضریب‌جینی است که میزان عدالت اقتصادی را نشان می‌دهد در خیلی از کشورها به عنوان معیاری برای اختلاف طبقاتی استفاده می‌شود. این ضریب هرچه به عدد یک نزدیک‌تر باشد بهتر است. وقتی آمارهای اقتصادی منتهی به پایان سال ۱۴۰۲ را مرور می‌کنیم می‌بینیم که این شاخص در نزدیک‌ترین زمانش به سال ۹۷ قرار گرفته است. به طور کلی نمودار مربوط به ضریب‌جینی نشان می‌دهد که از سال ۸۷ یعنی سال آخر دور اول ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد که این عدد کمی بیشتراز ۰/۴۲ بوده، شروع به کم‌شدن کرده در سال ۹۲ که پایان ریاست‌جمهوری محمود احمدی نژاد بوده به پایین‌ترین سطح خودش یعنی نزدیک ۰/۳۶ رسیده، بعد از همین سال شروع به بالا رفتن کرده تا سال ۹۷ که به ۰/۴۱ رسیده است اما بعد از شروع دوباره تحریم‌ها و خروج آمریکا از برجام در سال ۹۷ دوباره شروع به پایین آمدن کرده و به ۰/۳ رسیده، این وضعیت تا سال ۱۴۰۱ ادامه داشته اما حد فاصل سال ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۱ رشد کرده دوباره اندکی صعودی شده و ۰/۴ را لمس کرده است.

شکاف بین درآمد و هزینه

بخش دیگری از گزارش مرکز آمار مربوط به متوسط هزینه و درآمد خانوار شهری است که تغییرات فاصله‌ای که بین این دو عدد در طول سال‌های گذشته رخ داده می‌تواند جالب باشد. می‌بینیم که در سال ۸۹ متوسط هزینه خانواده ایرانی (هر خانواده ۳/۷ نفر در نظر گرفته شده) نزدیک به یک‌میلیون و ۱۴۰ هزار تومان بوده و متوسط درآمد یک خانواده هم نزدیک به یک میلیون ۶۰ هزار تومان بوده این یعنی اختلاف کمتر از ۱۰ درصدی بین متوسط هزینه و متوسط درآمد اما می‌بینیم که در این اختلاف شروع به بیشتر شدن کرده و حتی افزایش حقوق‌های کارگری چشمگیر مثل افزایش ۵۷ درصدی حقوق حداقلی‌بگیرها در سال ۱۴۰۰ هم نتوانسته به کاهش این اختلاف کمک کند. حالا آمارهای سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد که متوسط هزینه خانواده‌ای که حالا کوچک‌تر هم هست (۳/۱ نفر) به نزدیک ۲۶ میلیون تومان در ماه رسیده در حالی که متوسط درآمد کمی بیشتر از ۲۰ میلیون تومان است یعنی اختلافی ۲۰ درصدی.

جهش هزینه مسکن

وقتی بخش مربوط به جزئیات هزینه‌کرد خانواده‌ها را نگاه می‌کنیم می‌بینیم که از سال ۹۶ به این طرف تقریبا نسبت هزینه کالاها و خدمات مختلف تغییر چندانی نکرده و دست‌کم در طول هشت سال گذشته همیشه مسکن با اختلافی بسیار زیاد بیشترین سهم را از هزینه‌های خانواده شهری داشته و تفریح، سرگرمی و خدمات فرهنگی کمترین سهم. در سال ۱۴۰۲ اما ناگهان سهم مسکن به شکل معناداری باز هم بیشتر شده و مرز ۴۰ درصد هزینه‌ها را رد کردهو به بیشتر از ۴۲ درصد رسیده است. همانطور که انتظار می‌رود تهرانی‌ها بیشتر از همه پول برای مسکن می‌دهند و نزدیک به ۵۶ درصد هزینه‌های یک خانواده تهرانی را هزینه مسکن تشکیل می‌دهد. بعد از تهران، شیراز و البرز قرار دارند. جالب اینکه تنها این سه استان بالاتر از میانگین کشوری هستند و بقیه استان‌ها همگی از میانگین کشوری پایین‌تر قرار دارند و این یعنی شکل نمودار هزینه مسکن در کل ایران اصلا متعادل نیست و سه استان تهران، فارس و البرز عدد کلی را به شدت بالا برده‌اند. در آن سوی نمودار هم به ترتیب کهگیلویه و بویراحمد، کرمان و لرستان را می‌بینیم که شهروندانشان با حدود ۲۰ درصد کمترین هزینه را برای مسکن می‌پردازند.

ستون پنجشنبه
دکتر امیررضا مافی

تحلیلگری بی تحلیل

ما در یکی از پیچیده‌ترین مقاطع تاریخی خود قرار داریم؛ شرایطی که جامعه را در بهت و حیرت فرو برده است. مردم با سیلی از وقایع روبه‌رو هستند که هر یک، معنای تازه‌ای به زندگی روزمره‌شان تحمیل می‌کند. اما آنچه این شرایط را بحرانی‌تر کرده، نبود آگاهی فراگیر و تحلیل‌های قابل اتکا برای فهم درست این وقایع است. در غیاب چنین آگاهی‌ای، جامعه دچار تکثر بی‌پشتوانه تحلیل‌ها می‌شود؛ تکثری که نه‌تنها راهگشا نیست، بلکه به تقلیل معنا و گسترش سردرگمی می‌انجامد.

یکی از دلایل عمده این وضعیت، فراگیر شدن پدیده «تحلیلگری بی‌تحلیل» است. امروز، همه خود را تحلیلگر می‌دانند؛ اما در واقع، این گستردگی به‌دلیل خلأ تحلیل‌های یکپارچه و عمیق ایجاد شده است. وقتی تحلیل‌های روشن و جامع وجود نداشته باشد، افراد به‌طور طبیعی برای پر کردن این خلأ به روایت‌های پراکنده و ناقص روی می‌آورند. این روایت‌ها، هرچند گاه درست به‌نظر می‌رسند، اما به‌دلیل فقدان انسجام، نه‌تنها کمکی به روشنگری نمی‌کنند، بلکه بر ابهامات می‌افزایند.

برای خروج از این وضعیت، باید مسئولیت تحلیل‌های جامع و متقن را بر عهده گرفت. ما نیازمند روایت‌هایی هستیم که ضمن دربرگیری تمامی زوایا، بتوانند به جامعه جهت ببخشند. این روایت‌ها نباید در سطح بمانند؛ بلکه باید به عمق مسائل نفوذ کنند و تمامی ابعاد آن‌ها را با دقت و شفافیت توضیح دهند. تنها در این صورت است که می‌توان از گسترش تحلیل‌های سطحی و تکثر بی‌هدف جلوگیری کرد. اما چرا این مسئله این‌قدر اهمیت دارد؟ جامعه‌ای که دچار تکثر آرا و تحلیل‌های ناپایدار باشد، نه‌تنها درک روشنی از وضعیت خود پیدا نمی‌کند، بلکه در مواجهه با بحران‌ها به کنش‌های کم‌منطق و سطحی روی می‌آورد. این کنش‌ها، اگرچه ممکن است در نگاه اول طبیعی به‌نظر برسند، اما در بلندمدت به گسست اجتماعی و از بین رفتن سرمایه‌های جمعی منجر می‌شوند. در چنین شرایطی، به جای آنکه جامعه با همبستگی و انسجام به‌دنبال حل مسائل باشد، به‌تدریج به قطعاتی پراکنده تبدیل می‌شود که هر یک، روایت و مسیری جداگانه را دنبال می‌کنند.

ما در یکی از حساس‌ترین مقاطع سی‌وپنج سال اخیر خود قرار داریم؛ دورانی که هر تصمیم و کنش اشتباهی می‌تواند پیامدهایی جبران‌ناپذیر به‌دنبال داشته باشد. در این شرایط، مسئولیت سنگینی بر دوش همه ماست. باید از طرح موضوعاتی که موجب تشتت آرا و سردرگمی بیشتر می‌شوند، خودداری کرد. این به معنای محدود کردن آزادی بیان یا سرکوب اختلاف نظرها نیست؛ بلکه تأکیدی بر ضرورت اولویت‌بندی مسائل و تمرکز بر ایجاد درکی مشترک از وضعیت کنونی است.

انسجام فهم اجتماعی، به معنای ارائه روایت‌هایی است که نه‌تنها واقعیات را به‌خوبی بازتاب، بلکه بتوانند به نیازهای احساسی و فکری جامعه نیز پاسخ دهند. این روایت‌ها باید به‌گونه‌ای باشند که هر فرد، صرف‌نظر از پیش‌زمینه فکری یا اجتماعی خود، بتواند در آن‌ها جایگاه خود را بیابد. این مهم، تنها با تحلیل‌های دقیق و جامع امکان‌پذیر است؛ تحلیل‌هایی که تمامی زوایای مسئله را در نظر بگیرند و از بازتولید پیش‌داوری‌ها و تعصبات خودداری کنند. ادامه در صفحه ۰۳

گریه نکن استانبول

تفاوت و شباهت‌های نسخه ترکیه با شهرزاد مشهور ایرانی

نگین باقری | بالاخره بعد از وعده‌ها و تبلیغ‌های زیاد، سریال شهرزاد در ترکیه پخش شد. البته نه شهرزادی که حسن فتحی با بازی ترانه علیدوستی و شهاب حسینی ومصطفی زمانی وپریناز ایزدیار و دیگر ستاره‌ها در ایران ساخته بود. حرف بر سر شهرزاد تلویزیون ترکیه است. هر سه‌شنبه ساعت ۸ شب به وقت این کشور، سریال شهرزاد از شبکه استار تی وی ترکیه پخش می‌شود. مشاهده این سریال و مقایسه آن با نسخه ایرانی نشان می‌دهد که نه فقط کل قصه و حتی نه فقط اسامی افراد بلکه این دو در جزئیات هم شبیه هم هستند. البته قرار بود عنوان این سریال هم همان «شهرزاد» باقی بماند ولی به دلایل نامشخصی به نام «تو گریه نکن استانبول» تغییر کرد. بین این دو سریال تا اینجای کار چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بوده است:

● شباهت اول دو سریال همانطور که قابل حدس است برمی‌گردد به موضوع «شهرزاد». ماجرا مربوط به عشق شهرزاد و فرهاد است که در کودتای ۲۸ مرداد ایران، فرهاد ناخواسته منجر به قتل فردی دیگر می‌شود و به همین خاطر در خطر اعدام قرار می‌گیرد. شهرزاد تلاش می‌کند تا فرهاد را نجات دهد. برای این کار مجبور است شرط بزرگ بیگ یا همان بزرگ آقا را قبول کند.

● تفاوت بزرگ این دو قصه تا اینجا سرعت اتفاق‌هاست. «شهرزاد» نسخه ترکی فشرده‌تر است و نسبتا سرعت بیشتری دارد. مثلا در حال‌حاضر در «آنچه خواهید دید» پایان قسمت اول ترکیه، تماشاچیان متوجه پیشنهاد بزرگ‌آقا به شهرزاد برای ازدواج با قباد شده‌اند اما در نسخه ایرانی این ماجرا در پایان اپیزود دوم اتفاق افتاد. داستان قسمت اول در شهرزاد ترکی تا نجات فرهاد به دست بزرگ‌آقا ادامه پیدا می‌کند اما پایان قسمت اول نسخه فارسی هنوز مشخص نیست که فرهاد تیرباران می‌شود یا نه.

● یک نقطه درخشان در سریال «شهرزاد» آهنگ رفیقم کجایی محسن چاوشی بود. البته قسمت اول تا چهارم هنوز موزیک تیتراژ با صدای علیرضا قربانی پخش می‌شد و از قسمت پنجم آهنگ معروف محسن چاوشی رونمایی شد که سر و صدای زیادی به پا کرد و تا مدت‌ها آهنگ ترند بازار موسیقی ایران بود. در سریال ترکی چه آهنگ‌هایی می‌شنویم؟ تیتراژ آغازین سریال ترکیه تصویری از استانبول در عصر آتاتورک است که با مونولوگ فرهاد شروع می‌شود.

● برخی از کاربران در شبکه‌های اجتماعی نوشته بودند که شهرزاد ترکیه هر چقدر هم خوب باشد باز هم اگر چاوشی آهنگ آن را نخواند حق‌مطلب ادا نمی‌شود. اما واقعا حق‌مطلب ادا شده یا نه؟ تیتراژ آخر آن را زنی به نام «سیمگه» خوانده که از خواننده‌های تحسین‌شده ترکیه است. خانم سیمگه هم مانند محسن چاوشی پاپ می‌خواند. نام آهنگ «شهرزاد» ترکیه این است: Sevda Koydum Adını (اسمش را گذاشتم عشق) و معنی متن ترانه این است: «اسمش را عشق گذاشتم/فریاد درونم را ساکت کردم/ دعایش را مهر و موم کردم/ بی تو در خانه چه کنم؟ / شاید مردن بهتر باشد.» این آهنگ آنقدرها که چاوشی توانست مخاطبان را میخکوب کند موفق نبوده. به غیر از این بار غمی که «رفیقم کجایی؟» به دوش می‌کشید، به مخاطب منتقل نمی‌کند. در عوض در سریال از آهنگ دیگری برای این کار استفاده شده. آهنگ قدیمی Selda Bağcan به نام Öyle Bir Yerdeyim ki همان آهنگ غمگینی است که به‌خوبی با پس زمینه داستان هم‌قدم می‌شود. این قطعه اولین بار سال ۱۹۸۶ منتشر شد و آهنگ‌ساز آن هم موزیسین معروف ترک، احمد کایا بوده. البته این آهنگ را یک سال قبل از این خود احمد کایا خوانده بود و بعد سلدا باغجان آن را بازخوانی کرد و از اثر اول هم معروف‌تر شد. متن بخشی از ترانه این است: «رفیق من، ای دوست عزیز/این چه مرز جدایی‌افکن بدی‌ست/یک سوی وجودمان در حال برگ‌ریزان است و/آن سوی دگرمان همچو باغی بهاری»

● قصه از آماده شدن شهرزاد برای خارج شدن از خانه شروع می‌شود. درست مثل شهرزاد ایرانی. باز هم درست مثل شهرزاد ایرانی شهرزاد رادیو گوش می‌کند که پدر آن را خاموش می‌کند. بعد از این شهرزاد ترکی هم مانند نسخه ایرانی یک سر به خانه بزرگ آقا می‌زند و پس از آن با فرهاد همدیگر را در یک کافه ملاقات می‌کنند. تفاوت از کجا شروع می‌شود؟ از صحنه بعد از کافه. در نسخه ایرانی سکانس بعدی، قباد وارد می‌شود که در خانه مشغول یکی به دو با همسرش، دختر بزرگ‌آقاست. اما در نسخه ترکی فرهاد و شهرزاد با هم سوار بر دوچرخه شروع به گشت‌زنی در شهر می‌کنند، با هم عکس می‌گیرند و صحنه‌های عاطفی. ادامه در صفحه ۰۳

@newspaper7sobh

کانال تلگرام هفت صبح طعم دیگری دارد

به تلگرام هفت صبح بپیوندید.

زود باشید

گستره مقاومت گسترش خواهد یافت

رهبر انقلاب: قضایای سوریه محصول اتاق‌فرمان مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی است

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی صبح چهارشنبه در دیدار هزاران نفر از اقشار مردم با اشاره به وقایع سوریه گفتند: این حوادث محصول یک نقشه آمریکایی-صهیونیستی است.

◆ با اشاره به نقش آشکار یک دولت همسایه سوریه در حوادث سوریه، با وجود این، قرائن متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد توطئه‌گر، نقشه‌کش و اتاق‌فرمان اصلی، آمریکا و رژیم صهیونیستی هستند.

◆ اگر ایرانیها نقشه‌کش حوادث سوریه نبودند، چرا برخلاف دیگر کشورها ساکت ننشستند و با بمباران صدها مرکز زیرساختی، فرودگاه، مراکز تحقیقاتی، مراکز تربیت دانشمند و نقاط دیگر سوریه، عملا در حوادث جاری دخالت کردند؟

◆ در روزهای آخر قرار بود برخی کمک‌ها و امکانات برای مردم یک منطقه سوریه –به خصوص زنبیه– ارسال شود اما صهیونیست‌ها همه مسیرهای زمینی را مسدود کردند و هواپیماهای آمریکایی و رژیم صهیونی با پروازهای گسترده، نگذاشتند این کمک‌ها از راه‌ها هم منتقل شود.

◆ آمریکا دنبال محکم کردن جای پای خود است اما زمان نشان خواهد داد که هیچ یک، به اهداف خود نمی‌رسند و بدون شک مناطق تصرف‌شده سوریه به‌دست جوانان غیور سوری آزاد خواهد شد.

◆ عوامل استکبار خیال می‌کنند جبهه مقاومت بعد از سقوط دولت سوریه که طرفدار مقاومت بود، ضعیف شده اما سخت در اشتباهند؛ چراکه اصولا درک درستی از مقاومت و جبهه مقاومت ندارند.

◆ با تأکید بر اینکه فراگیرشدن گستره مقاومت در همه منطقه، نتیجه قطعی فشارها و جنایات دشمنان خواهد بود: آن تحلیلگر نادان و بی‌خبر که این حوادث را باعث ضعیف‌شدن ایران می‌داند، بفهمد که ایران قوی و مقتدر است و مقتدرتر نیز خواهد شد.

◆ قبل از کمک ما به دولت سوریه، یعنی در مقطع حساس دفاع مقدس و در شرایطی که همه به نفع صدام و علیه ما کار می‌کردند، دولت سوریه با کمکی حیاتی به ایران و در حرکتی بزرگ و تعیین‌کننده، خط لوله انتقال نفت از عراق به مدیترانه را مسدود و صدام را از درآمد آن محروم کرد.

◆ داعش بمب ناامنی بود و آنها به دنبال ناامن کردن سوریه، عراق و سپس حضور در ایران و ناامن کردن کشور ما به عنوان هدف اصلی و نهایی بودند.

◆ جلوگیری از سرایت ناامنی به ایران علت مهم عزم جمهوری اسلامی برای مقابله با داعش بود.

◆ در مقابل دشمنی آنها با اعتاب مقدسه، معلوم بود که جوانان مؤمن، غیور و محبّ اهل‌بیت اجازه تعرّض نمی‌دهند و بی‌تفاوت نمی‌مانند.

◆ نوع حضور نظامی جمهوری اسلامی در سوریه و عراق عنوان «مستشاری» بود. حضور ما در سوریه و عراق به معنی اعزام لشکرهایی از ارتش و سپاه برای جنگیدن به جای ارتش آنها نبود؛ چراکه این کار نه منطقی است و نه افکار عمومی آن را قبول می‌کند.

◆ عمده حضور نیروهای ما در آن مناطق، مستشاری و در مواقع اندک و ضروری به شکل حضور نیروهای غالبا داوطلب و بسیجی بود.

◆ بعد از خاموش شدن فتنه داعش، نیروهای ما عمدتاً از سوریه بازگشتند.

◆ جنگ اصلی باید به وسیله ارتش سوریه انجام می‌شد. در کنار ارتش نیروهای بسیجی دیگر کشورها امکان جنگ دارند اما اگر ارتش، ضعف و بی‌همتی نشان دهد، کاری از نیروهای بسیجی برنمی‌آید که متأسفانه همین اتفاق در سوریه رخ داد.

◆ در بیان چند نکته در خصوص حوادث سوریه و جبهه مقاومت؛ همه بدانند قضایا اینگونه باقی نخواهد ماند که گروهی بیایند در دمشق و به خانه‌های مردم تعرض کنند و رژیم صهیونی هم با بمباران و توپ و تانک پیشتروی کند.

◆ قطعاً جوانان غیور سوری به‌پا خواهند خاست و با ایستادگی و حتی دادن تلفات، به این وضع فائق خواهند آمد، همچنان که جوانان غیور عراقی پس از اشغال آن به دست آمریکا، با کمک و سازماندهی و فرماندهی شهید عزیز ما توانستند دشمن را از خانه و خیابان‌های خود بیرون کنند. البته این کار در سوریه ممکن است زمان طولانی ببرد اما نتیجه، حتمی و قطعی است.

◆ در بیان درس‌ها و عبرت‌هایی از حادثه سوریه برای مسئولان و احاد ملت: درس اول، غفلت نکردن از دشمن است. در سوریه دشمن با سرعت، عمل کرد اما آنها باید از قبل پیش‌بینی و جلوگیری می‌کردند همچنان که دستگاه اطلاعاتی ما از چند ماه قبل گزارش‌های هشداردهنده‌ای به مسئولان مربوط منتقل کرده بودند.

◆ با اشاره به عده‌ای که کارشان خالی‌کردن دل مردم و ترساندن آنهاست: برخی در خارج از کشور و با رسانه‌های فارسی‌زبان این کار را می‌کنند که چوب دیگری بایـد با آنها برخورد کرد اما در داخل کسی نباید این کار را بکند و اگر کسی در تحلیل یا بیان خود به گونه‌ای سخن بگوید که معنای آن خالی کردن دل مردم باشد، جرم است و باید با آن برخورد شود.

۲۰۰ کلمه

ترور مرد پنج میلیون دلاری

مهسا مژدهی | هر چند در کابل کمتر از سه سال قبل، خبر انفجار، مرگ و ترور منتشر می‌شود، اما دیروز خبر ترور وزیر مهاجرت افغانستان مثل بمب در رسانه‌ها صدا کرد.

خلیل الرحمن حقانی که روز چهارشنبه طی انفجار ساختمانی در کابل کشته شد، متولد سلب ۱۹۶۶ در استان پکتیا افغانستان بود و یکی از چهره‌های برجسته طالبان و شبکه حقانی محسوب می‌شد. او به قبیله زدران از قوم پشتون تعلق داشت و در واقع عموی رهبر فعلی گروه طالبان به حساب می‌آمد.

خلیل حقانی برادر جلال‌الدین حقانی، بنیانگذار شبکه حقانی بود. این شبکه در اواسط دهه ۱۹۹۰ به طالبان، تحت رهبری ملاعمحد عمر پیوست. خلیل‌الله در طول جنگ افغانستان به جمع‌آوری کمک‌های مالی بین‌المللی برای طالبان پرداخت و از عملیات‌های آنها در افغانستان حمایت کرد. در سال ۲۰۰۲، خلیل نیروهایی را برای تقویت القاعده در استان پکتیا اعزام کرد. در ۹ فوریه ۲۰۱۱، وزارت خزانه‌داری ایالات‌متحده طبق فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴، خلیل حقانی را یک تروریست جهانی ویژه نامید و جایزه‌ای پنج میلیون دلاری برای او به عنوان یکی از تروریست‌های تحت تعقیب خود تعیین کرد. همچنین سازمان ملل‌متحد او را به دلیل ارتباط با القاعده، اسامه بن لادن یا طالبان به فهرست تحریم‌های ۱۹۸۸ اضافه کرد. پس از سقوط کابل در سال ۲۰۲۱، حقانی مسئول امنیت کابل در دوره انتقال قدرت شد. در هفت سپتامبر ۲۰۲۱، او به عنوان وزیر امور پناهندگان در دولت طالبان منصوب شد که از سوی جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده است. خلیل حقانی به جمع‌آوری کمک‌های مالی برای طالبان و شبکه حقانی کمک‌آن ادامه می‌داد و اغلب برای ملاقات با حامیان مالی به سفرهای بین‌المللی می‌رفت. طبق ادعاهای غربی‌ها از سیتامبر ۲۰۰۹، او به کشورهای خلیج‌فارس سفر کرده و از منابع آنجا و همچنین از منابعی در جنوب و شرق آسیا کمک مالی جمع‌آوری کرده بود. او در یک که قبلا انجام داده، گفته بود که در سال ۲۰۰۱ نیروهای آمریکا خانه او را در کابل بمباران کردند و در حالی که شماری از بستگانش در آن کشته شدند او توانست از این شهر فرار کند. او در یک عملیات مشترک بین آمریکا و پاکستان در گذشته بازداشت شده بود.

خانواده حقانی دو چهره مهم دیگر هم دارد. موسین این گروه برادر خلیل‌الدین، جلال‌الدین بود که در سال ۱۳۹۷ خبر مرگ او پس از شایعات بسیار تایید شد. جلال‌الدین حقانی علاقه زیادی به خارج شدن از سایه نداشت اما سیستمی را طراحی کرد که ضربه‌های اساسی به اتتلاف آمریکایی در افغانستان زد. او از دهه ۹۰ میلادی در میان جنگجویان در افغانستان یک چهره افسانه‌ای محسوب می‌شد. پسر او سراج‌الدین حتی پیش از اعلام خبر مرگ پدر، سازوکار گروه حقانی را به دست گرفته بود. او حالا وزیر داخله افغانستان و رهبر شبکه حقانی محسوب می‌شود و تا سال ۲۰۲۲ تصویر واضحی از سراج‌الدین وجود نداشت. این روزها حقانی در بین شبکه‌های خبری و تحلیل‌گران، از چهره خشن قبلی فاصله گرفته و دلیل این فاصله اختلاف او با بدنه اصلی طالبان و حلقه قندهار است. او هفته قبل انتقادات تندی را به دولت طالبان وارد کرده بود و بعید نیست که ترور عمویی تهدید علیه شخص سراج‌الدین باشد.

خبر

گزارش بلومبرگ از نحوه خروج اسد از سوریه

رسانه آمریکایی بلومبرگ گزارش داد ماموران اطلاعاتی روسیه خروج بشار اسد از سوریه را سازماندهی کردند.

یک منبـع مطلع نزدیک به کرملین گفته است ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه خواسـتار توضیح مقامـات شـده درباره اینکه چرا سـرویس اطلاعاتی کشـورش تهدید فزاینده علیه حکومت بشـار اسـد، رئیس‌جمهور سابق سـوریه را تا زمانی که دیگر خیلی دیر شده بود تشخیص نداد.

در این گزارش تصریح شده سه منبع مطلع به وضعیت که خواستار فاش نشدن نامشان به خاطر حساسـیت موضوع شدند گفته‌اند روسیه بشار اسد را متقاعد کرد که در جنگ با گروه‌های مسـلح رهبری شـده توسـط شـبه‌نظامیان هیات تحریرالشـام شکست خواهد خورد و به او و خانواده‌اش پیشـنهاد کرد که فورا سوریه را ترک کنند.

گفت روسـیه در ابتدای عملیات‌های اخیر شبه‌نظامیان در نقاط مختلف سوریه مواضع آنها را بمباران کرده تا پیشـروی‌های آنها را دفع و نیروهای ارتش سوریه را تقویت کند اما بعد از آنکه شـبه‌نظامیان مخالف بشار اسد در مواجهه با مقاومتی کم ابتدا شهر حلب و بعد شهرهای حماه و حمص را تصرف کردند روسیه نتیجه گرفت که نمی‌تواند از حکومت سوریه محافظت کند.

وزارت امور خارجه روسـیه روز یکشـنبه گذشـته اعلام کرد بشـار اسـد از ریاست جمهوری کناره‌گیری و کشورش را به مقصد روسـیه ترک کرده و اضافه کرد که مسکو با همه گروه‌های مخالف سوری در تماس است.

آسیب» و «بسیار منطقی» بود.

یکی از منابع مورد اسـتناد رسانه آمریکایی گفت روسـیه در ابتدای عملیات‌های اخیر شبه‌نظامیان در نقاط مختلف سوریه مواضع آنها را بمباران کرده تا پیشـروی‌های آنها را دفع و نیروهای ارتش سوریه را تقویت کند اما بعد از آنکه شبه‌نظامیان مخالف بشار اسد در مواجهه با مقاومتی کم ابتدا شهر حلب و بعد شهرهای حماه و حمص را تصرف کردند روسیه نتیجه گرفت که نمی‌تواند از حکومت سوریه محافظت کند.

وزارت امور خارجه روسـیه روز یکشـنبه گذشـته اعلام کرد بشـار اسـد از ریاست جمهوری کناره‌گیری و کشورش را به مقصد روسـیه ترک کرده و اضافه کرد که مسکو با همه گروه‌های مخالف سوری در تماس است.

خبر هسته‌ای

ادعای جدید درمورد توافق ایران و آژانس انرژی‌اتمی

یک خبرنگار شناخته‌شده رسانه آمریکایی به نقـل از منابع دیپلماتیـک مدعی توافق تازه ایران و آژانـس بین‌المللی انرژی اتمی برای افزایش سطح نظارت آژانس در جهت پیشگیری از انحراف مواد شکافت‌پذیر شد.

لارنس نورمن، خبرنـگار روزنامه آمریکایی وال‌اسـتریت‌ژورنال در پیامـی در صفحه شـخصی خود در شـبکه اجتماعی ایکس به نقل از چنـد منبع دیپلماتیک نوشـت: ایران بـا تمـام تلفنی نظارتی اضافی آژانس موافقت کرده است تا اطمینان حاصل شـود که افزایش تولید اورانیوم غنی‌شـده با این وجود، خبرنگار وال‌اسـتریت‌ژورنال نوشـت: «تصمیم ایران، یک اهرم فشار در اختیار تهران قرار می‌دهد تا در مقابل هرگونه فشار از آن استفاده کند. ایران می‌تواند تهدید به لغو نظـارت اضافی کند، امـا در صورت تصمیم ایران برای استفاده از چنین تهدیدی، تهران موارد یادمانـی برجام را نقض نکرده، بلکه نقض یادمان‌های نظارتی است.

اخیرا «رافائل گروسـی» مدیـرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تمامی تلفنی خود با «سـید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران خبر داد.

گزارش روز

سکاندار سابق اینترنت از فیلترینگ می گوید

چه کسی نمی‌خواهد تلگرام و اپلیکیشن‌های دیگر رفع فیلتر شود؟

معمولا تصـور می‌شـود که حکم فیلترینگ تلگرام را یک قاضی صادر کرد اما فرایند مسـدود کردن یک سایت یا اپلیکیشـن از این مسیر نمی‌گذرد. روز پیش دبیر پیشـین شورای عالی فضای مجازی ماجرای فیلترینگ این اپلیکیشن را توضیح داده که حکم، خواسـته وقت قوه قضاییه بوده است. سید ابوالحسن فیروزآبادی در مصاحبه‌ای که با خبرآنلاین داشـته گفته‌اند این اتفاق چطور افتاده است. جالب اینکه در این مصاحبه او بر خلاف همیشـه مخالف فیلترینگ بوده. حتی گفته یک فیلترشکن وی توری (VPN) هـم روی یکـی از گوشـی‌های موبایلش دارد. بخش زیـادی از مصاحبه درباره سـابقه اطلاعاتی و امنیتی کاری خودش اسـت اما از آنها که فاصله می‌گیریم، بقیه مصاحبه درباره مسدودسـازی اینترنت با همان فیلترینگ است. او آب پاکی را روی دسـت مصاحبه شـونده ریخته و گفته فکـر نمی‌کند این دولت هم موفق بـه رفع فیلترینگ شود. نکته مهم دیگر در حرف‌های او بررسـی ایـن گمانه‌زنی کاهش سرعت اینترنت به جای فیلترینگ اسـت. برخی از افـراد می‌گویند اینترنت‌های اطلاعاتی در کشور ممکن است به این مسیر حرکت کنند که به جای فیلترینگ، سرعت اینترنت را کاهش دهند تا عملا اسـتفاده از برخی پلتفرم‌ها غیرممکن شـوند. با این حال ابوالحسـن فیروزآبادی گفته چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. چرا که انجام دادن این یکی چیزی نیسـت که در حد اختیارات قاضی باشد و دولت باید آن را عملی کند. دولت کنونی هم نظـرش بر انجام این کار نیست.

برای مطالعه بخش‌های دیگری از این مصاحبه را به شکل خلاصه می‌خوانید:

■■■

◆ در آن زمان (بعد از اعتراض‌های سال ۱۳۹۶) به دلیل حوادثی که در کشور اتفاق افتاد، حاکمیت به این سمت رفت که پلتفرم تلگرام بسته شود. در حقیقت نقشی که شورای عالی فضای مجـازی در این حوزه داشت این بود که مخالفتی با بستن تلگرام نکند.

◆ تلگرام با حکم قضایی بسته شد اما خواسـته قوه قضاییه بـود. با هماهنگی‌هایـی که بـه عمل آمد شـورای عالی و دبیرخانه که بنده دبیر دبیرخانه بـودم، و همچنین مرکز ملی فضای مجـازی که من رئیس آن بـودم، با بسـتن تلگرام مخالفتی نکنیم.

◆ البته تلگرام هم در آن زمان با ما ناسازگاری کرد. یعنی صاحب تلگرام خط و نشان کشید که من می‌خواهم آزادی را در ایران گسترش دهم، من رسالت تاریخی دارم، من دژ آزادی هسـتم و از ایـن حرف‌هـا زد که نمی‌دانم هدایت شده بود یا در یک روال عـادی رخ داده بـود و آن همکاری‌هایی که متعارف هستند را قطع کرد.

روحانی مخالف بود

◆ پروسه بسته شـدن تلگرام یک پروسـه طولانی بود. چالش‌های داشت صورت می‌گرفـت هم در شورای عالی و هم در جاهای دیگر. مخالفت‌هایی وجود داشـت، آقای روحانی رئیس جمهور وقت شخصا با بستن تلگرام مخالف بود. ولی در مجموع تحـرکات خـود تلگرام و تلاش‌هـای جریان‌های سیاسـی مخالف فعالیت تلگرام، کار را به این جا رساند.

◆ البته تلگرام در آن زمان هم یک حرکتی را شروع کرد و می‌خواست پولی را به عنوان گـرام راه اندازی کند کـه در آن ماجرا هـم باز ما احسـاس کردیم که اگر این پول با توجه به ضریب نفوذی که تلگرام در کشور داشـت راه اندازی شود یک خطر اسـت. ایـن خطـر را خود آمریکایی‌ها هم حـس کردند در نهایـت اجازه ندادند کـه این پول توزیع شـود اما ما این قـدرت را نداشتیم که به تلگرام بگوییم تو در داخل کشور ما گرام را تکثیر و توزیع نکنید. لذا یک نگرانی وجود داشت که گرام نه تنها مداخلات سیاسی داشـته باشـد بلکـه مداخلات اقتصادی هم داشته باشد. که بنده در دفاع از بسـتن تلگرام بیشتر بر روی جنبـه اقتصادی گـرام تکیه کردم تا مسـئله امنیتی یا مسئله سیاسـی. در طرح توجیهی که در مورد بسته شدن تلگرام آوردم گفتم ما مخالفتی با بستن آن نداریم چرا که تلگرام این خطـر را دارد که در حوزه های آموزشی، پولی، فرهنگی و سیاسی و در همه حوزه ها بخواهد دخالت داشته باشد.

◆ من از اول هم طرفدار فیلترینگ نبودم. بارها صحبت می شود که می گویند سران سـه قوه یا فیلترینگ قانونگذاری کنند.

قم موافق فیلترینگ نیست

◆ من به عنوان رییـس مرکز ملی فضای مجازی به قم زیاد می رفتم و ارتباط زیادی با روحانیت داشـتم. من فکر نمی کنم نسبت مخالفین در حوزه علمیه قم با نسبتی که در جامعه وجـود دارد تفاوت چشـم گیری داشته باشد.

وزیر ارتباطات اختیاری ندارد

◆ وزیـر ارتباطـات در کیفیت و سرعت، قطعا کارهای است. در رابطه با بازکردن و نه فیلترینگ، ایشـان هیچ اختیاری نـدارد. بایـد به او دستور دهند. یعنی یکی از مراجع معتبر باید این دستور را بدهد.

گلری

۷ قاب‌هایی از مراسم ختم برادر وزیر نفت و مادر سردار کوثری که نماینده تهران است. یک مقداری فوت اطرافیان مسئولان مثل زمان اوایل کرونا شده است. عکس‌ها از حامد ملک پور، تسنیم و محمدرضا علیمحمدی، ایرنا

۷ پهنوش بختیاری با انتشار این عکس به استقبال شب یلدا رفت.

۸ کوچو خرید جدید استقلال از فوتبال قرقیزستان دیروز به تهران رسید.

۶ قالی از دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی هوایی و فضایی ایران کیش در حال برگزاری است. عکس از ایوب قادری، مهر

در ایران وزیر راه مسئول کمیسیون مشترک اقتصادی با ترکیه است که بیست و نهمین نشست آن دیروز به ریاست «فرزانه صادق» و «عمر بولات» وزیر تجارت ترکیه در هتل اسپیناس پالاس تهران برگزار شد. عکس از حسن شیروانی، ایرنا

بهترین کاری که این خانم و بغل دستی او در جشن روز دانشجوی دانشگاه زنجان توانستند انجام دهند. عکس از حسن ارغا، تسنیم

سایت نگار سیاسی / گزیده‌ای از تحلیل‌های جناح‌های سیاسی

» دروغ است؛ چرا باید ۴۲ میلیون دلار پول در سفارت خود در دمشق نگه می‌داشتیم؟ کریده سخنان حسین اکبری، سفیر ایران در سوریه در گفت‌وگو با تسنیم را بخوانید:

۱. ارتباط مستقیم ایران با سرکرده گروه‌های مخالفین مسلح در سـوریه گفت: معمولا این طور مواقع هنوز دولتی مستقر نشده تا بشود با آن ارتباط مستقیم برقرار کرد. دولت انتقالی از امروز و فردا کار خودش را آغاز می‌کند تا بعد وزرا بیایند و در چارچوبی که بخواهد روابط بین کشورها تعریف شود و از آن طرف سـازمان ملل بخواهد این‌ها را به رسمیت بشناسد، مباحثی است که در امتداد این مسیر وجود دارد.

درباره اینکه گفته می‌شود مذاکرات مستقیمی شده کسـی باید بگویم که اینها هنوز هویت دولت ندارند که کسـی بخواهد با آنان تماس بگیرد. معمولا در اینطور مواقع همانطور که آقای عراقچی اشـاره کردند به طور طبیعی با واسطه‌های متعدد مواردی تبادل می‌شود. همین که اینها اعلام کردند که برای اقلیت‌هـا مزاحمتی ایجاد نمی‌کنیم، حرف مـرا هم را تأکید می‌دارم نکات مهمی اسـت که برای ما این موارد خط‌قرمز است. آنها تاکنون مزاحمتی برای حرم‌ها ایجاد نکردند بلکه تلاش کردند به طریقی افـرادی را بگذارند که به نام اینها در برخورد با اقلیت‌ها؛ شـیعیان و ایرانیان مقیم سوریه و هم در برخورد با حرم‌های مطهر اختلافی ایجاد نشـود. این نتیجه خوبی اسـت اما هنوز اینها دولتشان و هویتشان شکل نگرفته اسـت که بتوان بر اساس آن گفت سطح روابط شکل بگیرد؛ لذا اینها مسائل بعدی است.

۲. آیا ممکن برقراری رابطه هست؟ ما هنوز سفارتمان در آنجا خیلی دارد. آنها خودشان هم با سفارتخانه‌ها جلسه گذاشتند و اصرار دارند که همه سفارتخانه‌ها فعالیتشان را ادامه دهند. آنها نمی‌خواهند هم اکنون با کسـی درچار مشـکل شوند و ما منتظرایم بعد از اینکه وزارت خارجـه‌شـان شکل بگیرد ما کارهای کنسولی خود را طبق روال معمول در سوریه شروع کنیم. ما به طور طبیعی بخش کنسولی‌مان باید ارائه خدمات دهد. مهمترین بخش کاری ما بخش کنسولی اسـت. بخش‌های دیگر هم به طور طبیعی بستگی دارد به فضایی که وجود دارد. معمولا همه کشورها اینطور هسـتند یک سطح حداقلی از شروع می‌کنند تا کاملا تصویر حکومت مشخص شود.

حدود ۱۰ هزار ایرانی در سـوریه داریم. تعـداد خیلی کمی دانشجو هسـتند و هم اکنون ۱۰ هزار ایرانی حضور دارند و زندگی و شغلشان در سوریه ایران هست. فقط هم هویت ایرانی دارند.

۳. خسارت وارده به سفارت ایران و دزدیده شدن ۴۲ میلیون دلار از پول ایران: آن خبر را منافقین منتشر کردند و متاسفانه برخی رسانه‌های ما قدرت تشـخیص ندارند و به جای اینکه مصاحبه بنده را با شـبکه خبر دیدند و بـه آن بپردازند همه رسانه‌ها به جعل خبر منافقین پرداختند. جالب اسـت بعد از مصاحبه من این ادعا تولید شد. اینها همان‌هایی هسـتند که گفتند آقای امانی سـفیر ما در لبنان جاسوس اسـت و گرای حزب‌الله را به اسرائیل دادند. در مصاحبه خودم گفتم که مسائل پیش‌بینی شده و دقیقا اطلاع داشتیم که با این روند وارد دمشق می‌شوند و به‌شـدت احتمال دارد به سفارت ما حمله شود. پیش‌بینی ما دقیقا درست درآمد. وقتی کسـی چنین پیش‌بینی‌ای دارد نمی‌آید کسـی درچار مشـکل شوند و ما منتظرنیم بعد از اینکه وزارت خارجـه‌شـان شکل بگیرد ما کارهای کنسولی خود را طبق روال معمول در سوریه شروع کنیم. ما به طور طبیعی بخش کنسولی‌مان باید ارائه خدمات دهد. مهمترین بخش کاری ما بخش کنسولی اسـت. بخش‌های دیگر هم به طور طبیعی بستگی دارد به فضایی که وجود دارد. معمولا همه کشورها اینطور هسـتند یک سطح حداقلی از شروع می‌کنند تا کاملا تصویر حکومت مشخص شود.

حدود ۱۰ هزار ایرانی در سـوریه داریم. تعـداد خیلی کمی دانشجو هسـتند و هم اکنون ۱۰ هزار ایرانی حضور دارند و زندگی و شغلشان در سوریه ایران هست. فقط هم هویت ایرانی دارند.

۳. خسارت وارده به سفارت ایران و دزدیده شدن ۴۲ میلیون دلار از پول ایران: آن خبر را منافقین منتشر کردند و متاسفانه برخی رسانه‌های ما قدرت تشـخیص ندارند و به جای اینکه مصاحبه بنده را با شـبکه خبر دیدند و بـه آن بپردازند همه رسانه‌ها به جعل خبر منافقین پرداختند. جالب اسـت بعد از مصاحبه من این ادعا تولید شد. اینها همان‌هایی هسـتند که نداشت آقای امانی سـفیر ما در لبنان جاسوس اسـت و گرای حزب‌الله را به اسرائیل دادند. در مصاحبه خودم گفتم که مسائل پیش‌بینی شده و دقیقا اطلاع داشتیم که با این روند وارد دمشق می‌شوند و به‌شـدت احتمال دارد به سفارت ما حمله شود. پیش‌بینی ما دقیقا درست درآمد. وقتی کسـی چنین پیش‌بینی‌ای دارد نمی‌آید کسـی درچار مشـکل شوند و ما منتظرنیم بعد از اینکه وزارت خارجـه‌شـان شکل بگیرد ما کارهای کنسولی خود را طبق روال معمول در سوریه شروع کنیم. ما هنوز سفارتمان در آنجا دارد. آنها خودشان هم با سفارتخانه‌ها جلسه گذاشتند و اصرار دارند که همه سفارتخانه‌ها فعالیتشان را ادامه دهند. آنها نمی‌خواهند هم اکنون با کسـی درچار مشـکل شوند و ما منتظرنیم بعد از اینکه وزارت خارجـه‌شـان شکل بگیرد ما کارهای کنسولی خود را طبق روال معمول در سوریه شروع کنیم. ما به طور طبیعی بخش کنسولی‌مان باید ارائه خدمات دهد. مهمترین بخش کاری ما بخش کنسولی اسـت. بخش‌های دیگر هم به طور طبیعی بستگی دارد به فضایی که وجود دارد. معمولا همه کشورها اینطور هسـتند یک سطح حداقلی از شروع می‌کنند تا کاملا تصویر حکومت مشخص شود.

حدود ۱۰ هزار ایرانی در سـوریه داریم. تعـداد خیلی کمی دانشجو هسـتند و هم اکنون ۱۰ هزار ایرانی حضور دارند و زندگی و شغلشان در سوریه ایران هست. فقط هم هویت ایرانی دارند.

۳. خسارت وارده به سفارت ایران و دزدیده شدن ۴۲ میلیون دلار از پول ایران: آن خبر را منافقین منتشر کردند و متاسفانه برخی رسانه‌های ما قدرت تشـخیص ندارند و به جای اینکه مصاحبه بنده را با شـبکه خبر دیدند و بـه آن بپردازند همه رسانه‌ها به جعل خبر منافقین پرداختند. جالب اسـت بعد از مصاحبه من این ادعا تولید شد. اینها همان‌هایی هسـتند که

دبیرکل جامعه اسـلامی مهندسین در نشسـت «احزاب و جناح‌ها کجای سیاست ایران هستند؟»، گفت: فقط حدود ۱۰، ۱۵ درصد مسـئولین بار خود را بسـته و رفته‌اند، ۱۵ تا ۲۰ درصد مسئولان وضعشـان بعد از مسئولیت بدتر شده است. واقعیت‌های ما از تصورات افکار عمومی بهتر است.

باهنر افزود: اگر افـکار عمومی فکر کند مسـئولین آمدند، خوردند و بردند، بی‌مروتی در حق مسئولان نظام جمهوری اسـلامی اسـت. تعداد وزرای فاسـد از ابتـدای انقلاب به انگشت‌های دست هم نمی‌رسد، اما همه ما متهم هستیم.

او ادامه داد: ذائقه‌ها عوض شـده، خانواده حاضر است چهار سـاله تخرب، اما فرزندش موبایل داشته باشد. (انتخاب)

آخرین مواضع آملی لاریجانی در مورد اف‌ای تی اف: ایت‌الله آملی لاریجانی رئیس جمهوری در دیدار با جمعی از دانشجویان و نمایندگان تشـکل‌های دانشگاه‌های کشـور در خصوص پیوستن ایران به FATF و بررسی آن در مجمع گفت: موضوع پیوستن به FATF بحث فنی اسـت. اگر به مجمع بیاید، بررسی می‌کنیم. وی تصریح کرد: در شرایط تحریم که برای تاجران ایرانی مشـکلات متعددی از جمله در نقل و انتقال از پدید می‌آورند، آیا باید پذیرفت FATF آمریکا محدودیت‌های خود را برمی‌دارد؟ چندی پیش به فعالان اقتصادی گفتم اگر FATF پذیرفته شود، چقدر مورد اسـت، یک نفر گفت ۴۰ درصد! باید مشخص شود چقدر فایده می‌برم؟ (ایرنا)

» ضـرورتا بـاز هـم به اصولگراهـا تاخـت؛ حجت‌الاسلام‌والمسـلمین عبدالحسـین خسـروپناه، دبیر شورایعالی انقلاب فرهنگی، در یادداشتی با عنوان «به رفتارهای سیاسی و دوگانه برخی نمایندگان مجلس، نوشت:

بنده به‌صراحت بر قانون‌گرایی و به‌ویژه قانون دوتابعیت تاکید دارم و از تخصیص دادن قانون توسط غیر قانون گذار مخالفم. همه قوانین باید برای همگان اجرا شـود. اما عده‌ای با قانون برخورد سیاسـی می‌کنند. هر گاه رفیقانشان، خلاف قانون عمل کند؛ صدای «اسلام‌شان بلند می‌شود و هر گاه دوسـتان خودشان مخالفت کنند؛ به چشمشان حاضر است ببینند و نه گوششان بشنود و نه اینکه زبانشان به‌حق سخن می‌گوید. عموم مردم این رفتار دوگانه را می‌بینند شاید چیزی نگویند؛ اما این طایفه سیاسـت‌زده بدانند همین مردم در انتخابات با رای اندکـی وکیلتـان می‌کنند و عده زیادی مشـارکت نمی‌کنند و به برکت همین عدم مشارکت، بر کرسی مجلس مدعی‌العموم می‌شـوید. برادران و خواهرانـی که در تجزب مستعرفید، انصاف و عدالت را در جامعه بیش از این ذبح نکنید. اعتماد ملی مردم رابیش از این، کاهش ندهید. (ایسنا)

» باهنر: وضع ما در افکار عمومی بدتر از واقعیت است!

قسد در رفتن مقتول از نقشه جنایت

عروز بروده

اجرای نقشه‌ای جنایی برای کشتن یک انسان همیشه هم منجر به مرگ قربانی نمی‌شود و خیلی وقت‌ها با زنده ماندن قربانی جنایت، دست جنایتکاران رو می‌شود

فاطمه شیخ‌علیزاده
هفت صبح

◆ چهار بار سماجت مرگبار برای کشتن شوهر

دی‌ماه سـال ۱۴۰۱ زمانی کـه کارمند یکی از دانشـگاه‌های پایتخت از خـاطر خارج شد تا سوار بـر سـرویس اداره به محل کارش برود ناگهـان مردی کـه صورتش را پوشـانده بود به سمت او رفته و با شـلیک یک گلوله به سرش متوازی شـد. مرد جوان به نام بهنام به بیمارسـتان منتقل و تحت عمل جراحی قرار گرفت. با تلاش کادر درمـان او از مرگ نجات یافت و پس از چند روزی از کما بیرون آمد اما به‌دلیل وخامت حالش در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان بستری شد.

شهریور ماه امسـال نیز بهنام هدف شلیک ۳ گلوله از سوی فردی ناشناس قرار گرفته و روانه بیمارسـتان شـده بود. با اینکه یکی از تیرها به قفسه سینه او اصابت کرده اما در این حادثه نیز او جان سالم به در برده بود.

ادامه تحقیقات نشان می‌داد همسر بهنام در این ماجرا‌ها نقش دارد و ادامه بررسی‌ها ماموران را به ضربه زدم و اصل ماجرا رساند که با همسر بهنام ارتباط پنهانی داشته و روز حادثه نیز با او در تماس بوده است.

شایان در تحقیقات گفت: با همسر این مرد در ایستگاه‌ام آشنا شـدم. او خیلی از همسرش شاکی بود و تصمیم گرفت داخل غذای او سم بریزد که دو بار این کار را کرد اما شوهرش زنده ماند. بعد نقشه قتل با اسلحه را کشیدیم.

مرد جوان ادامه داد: یک بار به سـمت قلبش شـلیک کردم اما زنده ماند. بعد از مدتی نقشه سوءقصد چهارم را پیاده کردیم.

◆ رهایی از مرگ بعد از حمله خونین شوهر

چندی پیش ماموران گشت پلیس در یک جاده فرعی حاشیه تهران با پیکر خونین زنی مواجه شدند که نفس‌های آخر را می‌کشید.

با انتقال این زن به نزدیک‌ترین بیمارسـتان، پزشکان از نجات او قطع امید کردند اما با وجود اینکه برخی از اعضای بدن آناهیتا از بین رفته بود او به‌طرز معجزه‌آسایی از مرگ نجات یافت. آناهیتا وقتی به‌هوش آمـد از اینکه زنده مانده اسـت شـوکه شـد و در بازجویی‌ها پرده از سرنوشت خود برداشـت. آناهیتا با گریه و درد زیاد گفت که از سوی مردی به نام یونس مورد حمله ضربات چاقو قرار گرفته‌است. زن جوان گفت: یونس پیش‌تر شوهر صیغه‌ای من بوده و روز حادثه در حالی کـه بینمان همه چیز تمام شده، یونس در خیابان قصد ربودن من را داشته که من جیغ‌زنان فرار کردم و یونس که می‌دید نمی‌تواند به خواسته‌اش برسـید با عصبانیت چاقویش را از کمرم در من را ساخاجی زمی‌زد.

سرپال شـهرزاد ترکی و ایرانی هر دو محصول بخش خصوصی هسـتند. شـهرزاد ترکیه در استار تی‌وی پخش می‌شود که آن را به عنوان اولین کانال تلویزیونی خصوصی این کشور می‌شناسند و از ۳۵ سال پیش تا امروز به یک شـبکه محبوب تلویزیونی این کشور تبدیل شده است. این شبکه را به صورت آنلاین هم می‌شـود تماشـا کرد. سـریال باید با سریال‌

دستور زبان عشق

دوستت دارم
و پنهان کردن آسمان
پشت میله‌های قفس / آسان نیست...

شمس لنگرودی

حضرت زهرا سلام‌الله علیها

فَجَعَلَ اللهُ...طاعَتَنا نظاماً لِلمِلَّةِ وَاِمامَتَنا أماناً لِلفِرقَةِ.
خدا...اطاعت(و پیروی از) ما(اهل بیت) را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی و امامت(و رهبری) ما را(عامل وحدت) و درامان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است.

احتجاج(طبرسی) ص۹۹

واگویه‌های انتظار

مشنوای دوست که غیر از تو مرا یاری هست
یا شب و روز به جز فکر توام کاری هست
به کمند سر زلفت نه من افتادم و بس / که به هر حلقه مویت گرفتاری هست

سعدی

اوقات شرعی تهران: اذان صبح ۰۵:۳۳ | طلوع خورشید ۰۷:۰۴ | اذان ظهر ۱۱:۵۹ | غروب خورشید ۱۶:۵۱ | اذان مغرب ۱۷:۱۱

هفت صبح | روزنامه فرهنگی، اجتماعی، شهری و اقتصادی
سال چهاردهم | شماره ۳۹۳۸ | پنجشنبه | ۲۲ آذر ۱۴۰۳
صاحب امتیاز: شرکت هفت صبح ماندگار
مدیر عامل: علی مزینانی

مدیر مسئول و سردبیر: آرش خوشخو
دبیر آنلاین: صدرا بکتاش
مدیر هنری: وحید غفاری

هفت صبح

بازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

نشانی: تهران، خیابان سهروردی جنوبی، خیابان اقلیمی، کوچه شازاد، پلاک ۳
کد پستی ۱۵۶۶۷-۶۵۳۵۱
تلفن و نمابر: ۸۸۴۰۳۸۵۴ | شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۳۱۹۸۸-۰۲۱ توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: پیام همشهری - جام جم
اشتراک اینترنتی: www.jaaar.com

این هالیوود آن هالیوود قدیم نیست

درباره مجمع کاردینال‌ها و مهدی طارمی و آقای مومن نسب

۱ فیلمی دیدم به نام مجمع یا conclave داستانی دارد درباره انتخاب پاپ و آن ماجرای دود سفید و رای گیری رقابت میان کاردینال‌ها. فیلم از مدعیان اسکار و گلدن گلوب است و رالف فاینس هم بازی چشمگیری در فیلم ارائه کرده اما مثل تقریبا همه فیلم‌های مهم آمریکایی و اروپایی در این سال‌های اخیر در انتها تبدیل می‌شود به یک بیانیه درباره ارزش‌های جامعه غرب. درباره ایده‌هایی که لیبرال‌ها و گلوبالیست‌ها دوستشان دارند. در مورد مبارزه با نژاد پرستی و توجه به حقوق همجنسگراها و مسئله سقط جنین و مبارزه با یهودی ستیزی و این طور چیزها و الان نمی‌خواهم در این موارد عقیده شخصی‌ام را بیان کنم اما این که همه فیلم‌های خاص در اروپا و آمریکا به تبلیغ این ایده‌ها می‌پردازند خسته کننده شده است. حتی در روایتی از انتخاب پاپ در واتیکان هم نویسندگان فیلمنامه داستان را به این سمت می‌برند. هالیوود هیچ وقت این گونه اسیر و زندانی پیام نبوده است. برده و بیچاره پیام!

۲ مهدی قایدی دیروز در بازی الاتحاد کلبا با العین همه کار کرد. او یک گل زیبا زد و دوتا پاس گل خوب هم برای سامان قدوس و شهریار مغانلو برید. طفلی مهدی طارمی که در مقابل کار اسشان لژیونرهای مقیم امارات و قطر پریشب با جاناتان تاه و آلدریش دست و پنجه نرم می‌کرد و دست آخر هم مورد انتقاد از سوی طرفداران اینتر میلان قرار گرفت. طارمی عنقریب است که عازم امارات شود. این پیش‌بینی ماست. ماجراجویی‌های این بوشهری ۳۳ ساله در اروپا به آخر خط رسیده است.

۳ هیچ نکته سیاسی و دیپلماتیک هم امروز مطرح نمی‌کنم هرچند از خواندن اظهار نظر آقای مومن نسب درباره خطرات رفع فیلتر به شدت عصبانی شده بودم. اما بی‌خیال...

دنده عقب

اشکان عقیلی‌پور

رفقا ببینین... قبول کنین که مصیبت در جامعه، همچین بفهمی نفهمی، یه خورده از استاندارد جهانی بالاتره و بنابراین هزاران هزار خبر واویلا و ناامید کننده و افسرده کن وجود داره که انسان‌ها می‌تونن وقتی به هم میرسن درباره اون صحبت کنن و کِیف کنن و نچ نچ کنن و هی برای همدیگه مثال بیارن از مصیبت‌های زندگیشون و مسابقه بذارن که کی بدبخت‌تره و در نهایت هم برای خالی نبودن عریضه، آرزوی عاقبت بخیری کنن و این داستان ها... منظورم اینه که این که سوژه صحبت، خدارو شکر خیلی زیاده. ولی عجیبه که وقتی من امروز دوستم رو دیدم و بعد از چاق سلامتی، استارتِ ناله کردن از روزگار رو زدم، یهو گفت:

- «شنیدی میگن میمون‌های ماده به میمون‌های نری که دماغشون بزرگتره بیشتر علاقه نشون می‌دن؟...»

خب بعد از شنیدن این خبر خوشحال کننده، چند ثانیه‌ای گیج بودم که الان این خبر رو کجای دلم بذارم و اساسا چه جوابی باید بدم. من به بینی میمون‌ها چیکار دارم آخه؟ تنها کاری که موفق به انجامش شدم این بود که پشت گردنم رو بخارونم و یه بار دیگه به جمله‌ای که گفته بود فکر کنم و دهانم رو باز کنم و بگم: «ها؟...»

دوباره خبر رو با آب و تاب گفت و توضیحات مربوط رو هم با شرح و تفصیل ارائه کرد.

اون لحظه احساس کردم می‌خواد نکته‌ای رو به من بگه و روش نشده و تصمیم گرفته در لفافه بگه و به من بفهمونه که در میان میمون‌ها بیشتر بهم خوش می‌گذره و اونجا مدلی هستم برای خودم...

- «مرسی که اطلاعاتم رو بالا بردی. حالا چی شد وسط این همه بدبختی، وسط خیابون یاد میمون‌ها افتادی؟» / «الان یادشون نیفتادم... از صبح به یادشونم.»

یه نفس راحتی کشیدم که حداقل بعد از دیدن من یاد دماغ میمون‌ها نیفتاده...

- «خیلی هم خوب... حالا می‌تونم بدونم چرا از صبح به یاد میمون‌هایی؟» / «همینجوری... یه جایی خوندم و از صبح به فکرشونم که چقدر دنیاشون با ما فرق داره و چقدر بهشون خوش میگذره...»

اقا مگه ول می‌کرد حالا این میمون‌ها رو... هر چی می‌خواستم کلام رو قیچی کنم و صحبت رو به همون بدبختی‌هایی که نمونه‌اش رو عرض کردم بکشونم، نمی‌تونستم و بر می‌گشتیم سر دماغ میمون‌ها...

- «خب حالا ول کن این بحث رو دیگه... چیکار می‌کنی این روزها؟» / «بیشتر درگیرِ دکتر رفتن و این چیزام... خونه هم که معمولا خوابم.» / «دکتر چرا؟» / «بابت گرفتنِ قرص‌ها دیگه...» / «چه قرصی؟» / «قرص‌هایی که دکترم میگه دیگه...» / «قرص برای چی آخه؟» / «که بخوابم.» / «آخه چرا؟» / «آخه قرص‌ها خواب آوره...»

عرضم خدمتتون که خواستم از همین جا اعلام کنم امروز یکی از دوستانم رو دیدم که تا همین چند وقت پیش، معقول آدمی بود برای خودش و کلی سوژه بدبختی برای تعریف کردن داشت. ولی ظاهرا رد داده... دلیلش رو نمی‌دونم البته... در جامعه که مشکل خاصی به نظر من نمی‌رسه. شاید مشکل شخصی داره. بگذریم... بعد از تمام شدن بحث بینی میمون‌ها، شماره دکترش رو گرفتم... یه حسی بهم میگه دور نیست اون روزی که مزاحم دکترش بشم و از اون قرص‌های مورد اشاره ازش بگیرم و در خانه، فقط بخوابم.

راستی، شما شنیده بودین این موضوع میمون‌ها رو که میمون‌های ماده به دماغ بزرگِ میمون‌های نر علاقه‌مندن؟

قصه های گمشده - ۹۴ (این پاورقی روزهای فرد منتشر می‌شود)

آرش خوشخو

بنشینیم پای خاطرات مسعود

نشستن پای صحبت‌های مسعود کیمیایی از جالب‌ترین تجربه‌های هر کسی است. لازم هم نیست به سینما علاقه‌مند باشید همان لحن و فراز و فرودهای بیانش تو را مسحور می‌کند. روایت‌هایش حتی از فیلم‌هایش سینمایی‌تر هستند. با نقطه برش تغییر زاویه دید و برخی اوقات با دیزالو و فید اوت.

حالا شما می‌توانید به مسئله واقعیت در این روایت‌های مستندگونه و خاطره‌وار شک کنید. میل خودتان است اما در مورد جذابیت آن‌ها شک نکنید. مثلا خاطره‌ای که در مورد روز مرگ فروغ گفته و این که در غیاب غسال زن در غسالخانه قلهک او و دوستانش این وظیفه را در مورد پیکر فروغ انجام داده‌اند. و تو فکر می‌کنی آخر موقع درگذشت فروغ تو مسعود کیمیایی عزیز یک جوان ۲۵ ساله ناشناس بوده‌ای. هنوز حتی بیگانه بیا را هم نساخته بودی چرا باید این وظیفه به تو محول شود آن هم در مورد مهم‌ترین زن هنرمند ایران معاصر؟ اوضاع وقتی بدتر می‌شود که خود کیمیایی در نقل این خاطره خود را یک جوان نوزده ساله می‌نامد! در حالیکه در سال ۱۳۴۵ یعنی سال درگذشت فروغ، کیمیایی ۲۵ ساله بوده.

به هرحال می‌خواهم امروز را و این ستون را به روایت‌های شیرین کیمیایی از زندگی‌اش اختصاص بدهیم. با همان ردیف کلمات و توصیفات مسحور کننده که شاید بعضی وقت‌ها با واقعیات و مستندات همخوانی نداشته باشند:

«در کارخانه‌ای کار می‌کردم به نام «آسیای گندمکار» در جاده تهران- شاه‌عبدالعظیم. چند وقتی می‌شد که پدرم ورشکست شده بود و در آن کارخانه آردسازی شریک شده بود. پیمانکار شرکت نفت بود که ورشکست شد. من هم رفته بودم همان کارخانه وردست او تا کار کنم. در آنجا خیلی به ادبیات فکر کردم. به سینما خیلی فکر کردم. در کارخانه، گونی‌های آرد با تسمه نقاله بار گاری‌ها می‌شد. پشت همه گاری‌ها نقاشی بود. نقاشی‌هایی از شاهنامه... من ۱۰ ساله بودم. کارم شمارش کیسه‌هایی بود که بار گاری‌ها می‌شد. در ۱۸ سالگی تجربه اداره یک کمپ را در یک شرکت کسب کردم. شرکت «نوکار» در جاده قزوین — زنجان...

من در جایی زندگی کرده‌ام که بوی مقابله در آن به مشام می‌رسید. مقابله هم بوی باروت می‌داد. بوی جنگ. خیاط محل در مغازه‌اش را باز می‌گذاشت. صدای رادیوی بزرگ لامپی‌اش را بلند می‌کرد تا همه محل بشنوند. مردم جلو خیاطی جمع می‌شدند. تا اخبار بشنوند. یا نطق نمایندگان مجلس. دو روحانی جوان از آن سر خیابان رد می‌شوند که یکی از آنها شال سبزی به گردن دارد. هر دو اسلحه به دست دارند. می‌شوند سه نفر، می‌شوند پنج نفر. یکی از آنها دیوار به دیوار خانه ماست. همسایه است - «خلیل طهماسبی» - آن‌سوتر گروهی در حال ظهورند؛ که می‌گویند خدا را قبول ندارند- اینها کمونیست‌ها هستند - من ۱۰ ساله‌ام و همه این وقایع دارد پیرامون من رخ می‌دهد. همه این صداها را می‌شنوم و همه این تصاویر را می‌بینم. در همان سال‌هاست که صدای گلوله در شهر می‌پیچد. می‌گویند سی‌ام تیر است. دارد اتفاقی در شهر می‌افتد. به یکباره کرکره مغازه‌ها پایین می‌آید. گروهی از این‌سو و گروهی از آن‌سو به خیابان می‌آیند تا با دشنام و چماق به جان هم بیفتند. خون‌ها که ریخته می‌شود، غائله هم ختم می‌شود. کرکره مغازه‌ها بالا می‌رود. در میانه این هیاهو، مراقبی نانی که در بغل گرفته‌ای، آسیب نبیند. سالم به خانه برسد. از سینه‌کش دیوار که می‌گذری همه چیز را می‌بینی.

در گوشه‌ای دیگر از همین شهر هیاهوزده «گری کوپر» هم هست که می‌توانی بروی آن را روی پرده ببینی. مرد آرام و بلندقدی که با شیاطین می‌جنگد. در همان گوشه آرام شهر، «صادق هدایت» هست یا «صادق چوبک»، «بهرام صادقی»، «ابراهیم گلستان»، «احمد محمود» و «غلامحسین ساعدی» که گاه با آنها دیدار می‌کنی. داری قدم می‌کشی. در همان شهر تب‌آلود دوست هم‌سن و سالی دارم که شعر می‌گوید. سیزده چهارده ساله‌ایم. «احمدرضا احمدی» است. دوست دیگری دارم - «نصرت رحمانی» - که جور دیگری شعر می‌گوید. یا دوست دیگر - «بیژن الهی» - که با حلقه بزرگی از شاعران در ارتباط است.

«فروغ فرخزاد» در حادثه رانندگی سرش به جدول می‌خورد و کشته می‌شود. باید فردا برویم از پزشکی قانونی جنازه‌اش را تحویل بگیریم و تشییع کنیم. اتومبیل خواهرم را می‌گیرم. ۱۹ ساله‌ام. تصدیق رانندگی ندارم. همه سوار می‌شوند. «محمدعلی سپانلو»، «مهرداد صمدی»، «اسماعیل نوری‌علا» و «احمدرضا احمدی». راه می‌افتیم به سمت پزشکی قانونی. جنازه را با آمبولانس حمل می‌کنند. تند می‌رود. همه جا می‌مانند. جا مانده‌ها می‌روند ظهیرالدوله. ما به‌دنبال آمبولانس می‌پیچیم زرگنده، آنجا یک غسالخانه هست. مردی از غسالخانه بیرون می‌آید. می‌گوید: غسال زن نداریم. باید به مرحوم محرم شوید. خطبه‌ای خوانده می‌شود. دو نفر از ما به فروغ محرم می‌شویم. می‌شویم برادران او. روی او آب می‌ریزیم.

مگر می‌شود کسی این حوادث را دیده باشد و دروغ بگوید؟ مگر می‌تواند به خود اجازه دهد چیز دیگری بگوید؟ فیلمساز آینده این سرزمین است. اصلا مگر می‌تواند از اینها خلاص شود؟ مگر می‌شود از مصدق خلاص شد؟ از آن دادگاهش؟ مگر می‌توانم از ورشکستگی پدرم خلاص شوم؟ پس راست می‌گویی. وقتی راست می‌گویی، راست می‌گویی.

من «بیگانه بیا» را ساخته بودم. بدون آقای وثوقی در ساخت آن. من در «خداحافظ تهران» که دستیار «ساموئل خاچیکیان» بودم، آقای «وثوقی» در آن بازی می‌کرد. ابتدا آقای وثوقی با دیدن من تصور کرد که برای بازی در فیلم آمده‌ام. به من نزدیک نمی‌شد. بعد که فهمید من دستیارم، رفاقت کرد. آنجا به بهروز گفتم تو بازیگر خوبی هستی اما بازیگر این سینما نیستی. با تو می‌شود یک کار دیگری کرد. یک کار اساسی. به او گفتم یک سناریو دارم. اینطوری و اینطوری است. بعد او را بردم نزد برادران «اخوان» که پیش‌تر سر صحنه «خداحافظ تهران» از من برای ساخت فیلم دعوت کرده بودند. موقعی نزد آنها رفتیم که استودیوی فیلمسازی‌شان تعطیل شده بود. استودیویی هم بود به نام «آریانا فیلم» که به شکل تعاونی اداره می‌شد. جلال مقدم و چند فیلمساز دیگر در آن سهم داشتند. بهروز هم آنجا رفت و آمد می‌کرد. از دوستان «عباس شباویز» بود. با شباویز من را آشنا کرد. من سناریوی «قیصر» را برای او تعریف کردم. او که تهیه‌کننده بود هیچ دخالتی در فیلم نکرد و این فیلم ساخته شد.

روز نخست اکران «قیصر» همه در «آریانا فیلم» بودیم. آقای «بهروز وثوقی» هم آنجا بود. تا ساعت سه بعدازظهر خلوت بود. از ساعت چهار، «عباس شباویز» که گوشی را گذاشت، گفت: «یک چیزی اتفاق افتاده. می‌گویند همه از سینما که می‌آیند بیرون دوباره می‌روند توی صف!» آقای شباویز همه اینها را در مصاحبه‌هایش گفته که با بهروز و دیگران ذوق کردیم و توی سر و کول هم زدیم. از فردای آن روز فروش فیلم رفت بالا. آن زمان اگر فیلمی فروشش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بالاتر می‌رفت، می‌گفتند فروش بسیار بالایی داشته است. فروش «قیصر» بالای آن بود...»

سایت‌نگار

پرونده بلوار هدایت، ساعت شش صبح و ماجرای قهوه پدری

محمدعلی اشرف واقفی، نایب رئیس سابق جامعه تورگردانان ایران، فعال صنعت گردشگری و مدیر یک شرکت تورگردانی، در گفت‌وگو با خبرآنلاین به بررسی وضعیت فعلی گردشگری ورودی به ایران می‌پردازد و می‌گوید: «گردشگری ورودی ایران در شرایط بسیار دشواری قرار دارد و عملاً متوقف شده است. در حال حاضر، تقریباً هیچ گروه گردشگر اروپایی یا آمریکایی به ایران سفر نمی‌کند و بازار گردشگران محدود به روس‌ها و چینی‌ها شده که آن‌ها نیز به تعداد بسیار محدودی نسبت به گذشته سفر می‌کنند. این رکود تا جایی پیش رفته که حتی فصل بهار آینده، که همواره به‌عنوان اوج گردشگرپذیری ایران شناخته می‌شود و بسیار از تور اپراتورهای بزرگ از چندین ماه قبل نسبت به خرید تورهای ایران اقدام می‌کردند، تمایلی به فعالیت در بازار ایران ندارند و از این رو ما فصل بهار را نیز از دست داده‌ایم. در واقع، می‌توان گفت گردشگری ورودی ایران به جز ورود گردشگرانی از کشورهای همسایه تقریباً تعطیل شده است.»

او با اشاره به دلایل این رکود اضافه می‌کند: «در حال حاضر، تنها گردشگرانی از کشورهای عربی، به‌ویژه عراق، به ایران سفر می‌کنند اما گردشگران اروپایی، که بازار اصلی شرکت ما و بسیاری از تورگردانان محسوب می‌شد، تقریباً به‌طور کامل غایب هستند. در این شرایط تنها اروپایی‌هایی به ایران می‌آیند که عمدتاً برای مقاصد کاری سفر می‌کنند و نمی‌توان آنها را در دسته گردشگران فرهنگی و گروهی محسوب کرد. برای مثال، اخیراً مسافری از یونان برای امور کاری به ایران سفر کرده است، اما این نوع سفرهای محدود باسفرهای گروهی گردشگران تفاوت اساسی دارد.»

این ماجرای تکان‌دهنده بامداد ۲۲ دی سال گذشته در بلوار هدایت مشهد هنگامی رخ داد که چند جوان با انگیزه‌های نامعلوم به سوی راننده یک دستگاه پراید هجوم بردند و با او درگیر شدند.

بنابر روایت روزنامه خراسان، آنها خودروی پراید حسین جاذب (راننده) را در اختیار گرفتند و او به صورت پیاده در نزدیکی پارک محلی به حرکت خود ادامه داد، ولی مهاجمان قمه‌کش دوباره به سوی او حمله‌ور شدند و راننده ۲۶ ساله را هدف تیغه قمه قرار دادند و از صحنه درگیری خونین گریختند.

تلاش کادر درمانی بی‌نتیجه ماند و جوان پرایدسوار بر اثر اصابت ضربه کارد به ناحیه سفیدران جان خود را از دست داد.

بررسی‌های مقدماتی بیانگر آن بود که مهاجمان ناشناس خودروی پراید مقتول را در محل حادثه رها کرده‌اند. ساعتی بعد، با انتقال پراید به پارکینگ، کنکاش‌های تخصصی با تشکیل جلسه تحلیل جرم زیر نظر مستقیم سرهنگ کارآگاه جواد شفیع‌زاده (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) برگزار شد و سرنخ‌های مهمی از عامل اصلی جنایت (ضارب) به دست آمد. طولی نکشید که چند گروه اطلاعاتی و عملیاتی از کارآگاهان به ردزنی‌های پلیسی پرداختند و در اولین مرحله از اقدامات جنایی دوربین‌های مداربسته را مورد واکاوی قرار دادند و بدین ترتیب برخی دیگر از عاملان این نزاع مرگبار چهره‌زنی شدند، اما هر کدام از مهاجمان به نقطه نامعلومی گریخته بودند.

تا اینکه سرنخ‌هایی از محل اختفای جوان ۳۲ ساله‌ای به نام حامد در اطراف روستای زشک به دست آمد که سوار بر یک دستگاه خودرو به سوی مشهد در حرکت بود.

بنابراین ۳ گروه ویژه از کارآگاهان عملیات دستگیری را آغاز کردند و در نهایت خودروی متهم را در خیابان خیام مشهد به محاصره درآوردند و او را دوم آذر جاری به دام انداختند. این متهم جوان که به مقر انتظامی منتقل شده بود در بازجویی‌های مقدماتی به شرکت در نزاع خونین با مشارکت جوانی به نام «علی-س» اعتراف کرد.

در ادامه این عملیات ۳ متهم دیگر پرونده نیز که در کنار مقتول حضور داشتند، با تدابیر خاص پلیسی به دام افتادند و روانه زندان شدند اما تحقیقات گسترده و نامحسوس کارآگاهان برای دستگیری عامل اصلی جنایت ادامه یافت.

طولی نکشید که مخفیگاه وی شناسایی شد و این جوان ۳۵ ساله زیر چتر اطلاعاتی پلیس قرار گرفت اما هنوز عملیات وارد مرحله جدید نشده بود که «علی-س» خود را در آخرین حلقه محاصره نامحسوس دید و تصمیم گرفت خود را تسلیم قانون کند.

این بود که وی روز گذشته راهی دادسرا شد و در حضور قاضی خاکشور به وارد آوردن ضربه قمه به ناحیه سفیدران پرایدسوار ۲۶ ساله اعتراف کرد.

سینمای سوریه، شاهد ظهور و فعالیت بسیاری از کارگردانان با استعداد بوده است که از میان آنها می‌توان به مصطفی العقاد اشاره کرد. مصطفی العقاد از پیشگامان سینمای سوریه و از شناخته‌شده‌ترین کارگردان‌های جهان عرب بود و به گفته منتقدان فیلم «الارض» او یکی از آثار ماندگار سینمای عربی است. اما آنچه عقاد را در میان مسلمانان محبوب کرد ساخت فیلم حماسی «محمد رسول الله» بود.

این فیلم در سال‌های ابتدایی حکومت حزب بعث در سوریه و با تامین مالی معمر قذافی حاکم وقت لیبی، در مراکش و لیبی ساخته شد. به این ترتیب که مصطفی عقاد برای ساخت این فیلم با مشکل تأمین هزینه‌ها مواجه بود و تا آستانه تعطیلی تولید پیش رفت؛ تا این که در نهایت معمر قذافی رهبر لیبی در تامین سرمایه و حمایت مالی عقاد را همراهی کرد و فیلمبرداری این فیلم در کشورهای لیبی و مراکش در لوکیشین‌هایی مشابه مکه و مدینه آغاز شد. بعد از اکران این فیلم در سال ۱۹۷۶، جایزه اسکار بهترین موسیقی متن را از آن خود کند. البته همکاری قذافی با مصطفی عقاد به فیلم «محمد رسول الله» ختم نشد و آنها در سال ۱۹۸۱ فیلم «عمر مختار» یکی از شخصیت‌های ملی لیبی را کارگردانی کرد.(ایسنا)

عصر ایران به انتقاد از علی اوجی تهیه کننده فیلم ساعت شش صبح ساخته مهران مدیری پرداخته که در جشنواره دریای سرخ عربستان به نمایش درآمده است:

روز سه‌شنبه (۲۰ آذر) علی اوجی تهیه کننده فیلم سینمایی «ساعت ۶ صبح» ساخته مهران مدیری در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا گفته است: «با تمام نکاتی که برای جذب سرمایه، تبلیغات، ارائه و پخش فیلم سینمایی در بخش مستقل عرض کردم، بخش غم‌انگیزتر ماجرا آنجاست که با تمام سختی‌های مضاعف، فیلم‌هایی از این دست را تولید می‌کنی و تازه وقتی فیلمی به جشنواره‌ای راه پیدا می‌کند تیتر می‌زنند که پول فیلم یا مثلا سرمایه فیلم را همین جشنواره و یا این کشور داده است!

این حرف‌ها چه چیزی را دنبال می‌کند؟ چرا برای یک تیتر دروغ می‌نویسند؟ برای ما عجیب است که چرا باید چنین اکاذیبی بعضا در رسانه‌های رسمی منتشر شود! مثلا مورد اخیر جشنواره دریای سرخ. تمام فیلم‌های ما هم مثل فیلم‌های دیگری که از ایران متقاضی حضور در جشنواره‌های خارجی می‌شوند، براساس نظر کمیته انتخابِ یک فستیوال پذیرفته یا رد می‌شود.»

در تاریخ اول آذر ماه ۱۴۰۳ در یادداشتی تحت عنوان «مهران مدیری در جشنواره دریای سرخ عربستان؛ چه سیاستی پشت این انتخاب است؟» اشاره شد که انتخاب فیلم مهران مدیری حاصل استراتژی عربستان برای ترویج فعالیت‌های سینمایی در منطقه و جهان است. در آن یادداشت بر تایید یا رد چنین همکاری هیچ اشاره‌ای نشده است و جان کلام این است که سیاست عربستان در جهان سینما چیست.

حال نکته اصلی این است که خبر حضور فیلم «ساعت ۶ صبح» در جشنواره دریای سرخ عربستان را بسیاری از خبرگزاری‌ها و سایت‌های رسمی کشور من جمله خبرگزاری ایسنا منتشر کردند و در همان خبر به صراحت اشاره شده است که فیلم محصول مشترک ایران و عربستان است. پرسش این است اگر این خبر صحت ندارد آقای اوجی چرا در همین مصاحبه با ایسنا به نادرستی آن اشاره‌ای نکرده‌اند؟! چرا هیچ گله‌ای یا اعتراضی در همین مصاحبه مطرح نشد که به قول خود ایشان «چرا باید چنین اکاذیبی بعضا در رسانه‌های رسمی منتشر شود»؟!

سید محمد موسوی درباره پیروزی بزرگ فولاد سیرجان بر حریف قدرتمند ایتالیایی در مسابقات باشگاهی جهان مقابل لوبه اظهار داشت: همانطور که می‌دانید تیم‌های باشگاهی در دنیا از یک سری تیم‌های ملی هم بهتر هستند. لوبه هم جزو این تیم‌هاست که امسال بزرگ‌ترین استعدادهای دنیا را جمع کرده و نتایج خیلی خوبی در لیگ ایتالیا گرفته است. هفته گذشته تیم ترنتینو، یکی از پرافتخارترین تیم‌های والیبال دنیا را شکست داده بود. می‌دانستیم بازی خیلی سختی داریم ولی ما چیزی برای از دست دادن نداشتیم و باید می‌جنگیدیم که والیبال ایران را دوباره به دنیا نشان دهیم.

وی ادامه داد: در دو، سه سال گذشته ما زیاد برد قابل توجهی مقابل تیم‌های بزرگ دنیا نداشتیم ولی این بازی را به فال نیک می‌گیریم. امیدواریم این بردها ادامه‌دار باشد و به روحیه‌ای برای تیم ملی کشورمان باشد که ببینند بردن این تیم‌ها غیرممکن نیست. تفاوت بچه‌های ما با بازیکنان دنیا فنی نیست و در بحث جنگندگی و ریزه‌کاری‌های والیبال است که امیدوارم با مربی جدید، تیم ملی بتواند این نقاط ضعف را بپوشاند و بتوانیم در آینده در والیبال بین‌المللی حرف‌هایی برای گفتن داشته باشیم.

کاپیتان فولاد سیرجان در پایان تصریح کرد: می‌توان از این جمله استفاده کرد که بزرگ‌ترین برد تاریخ باشگاهی والیبال کشور اتفاق افتاد. من چندین سال باشگاه‌های جهان بازی کردم و مدال سومی این رقابت‌ها را با پیکان دارم ولی جلوی چنین تیم بزرگی پیروز نشده بودیم. برابر زاکسا و ترنتینو ۳-۲ کردیم ولی در نهایت همیشه بازنده بودیم ولی این بار توانستیم ببریم. ما حتی می‌توانستیم ۳-۱ برنده شویم چون ست سوم ۲۳-۲۰ جلو بودیم.

سینماهای کشور طی روز سه‌شنبه ۲۰ آذر، یک عملکرد چشمگیر داشتند و توانستند با ۳۳۲ هزار مخاطبی که طی سه هزار و ۷۱۰ سانس به تماشای فیلم‌ها نشستند، بهترین عملکرد پنج سال اخیر را به ثبت برسانند.

گیشه روز سهشنبه نیز به ۱۱ میلیارد و ۷۴۰ میلیون تومان رسید که رکوردی قابل‌قبول برای یک سه‌شنبه نیم‌بها به حساب می‌آید. سینما با این عملکرد، بهترین آمار مخاطب روزانه خود را پس از سال ۹۸ به ثبت رساند. هرچند با توجه به نبود آمار فروش روزانه سینماها تا قبل از سال ۹۹، احتمالا این میزان مخاطب، پس از سال ۷۹ سینماها به ثبت نرسیده است که در این‌صورت، باید این آمار را یک رکوردشکنی پس از ۲۳ سال تصور کرد. قطعا اصلی‌ترین دلیل این رکوردشکنی را باید در اکران سه‌قطبی سینماها تلقی کرد. نمایش همزمان سه کمدی پرمخاطب «۷۰سی»، «زودپز» و «صبحانه با زرافه‌ها»، حجم بالایی از مخاطبان این گونه سینمایی را به سینماها کشانده است. البته که اکران کنونی، یک سه‌قطبی جذاب کودکانه و نوجوانانه نیز دارد: همزمانی نمایش سه فیلم «باغ کیانوش»، «ببعی قهرمان» و «شنگول و منگول» نیز باعث شد تا مخاطبان هدف خوبی را روانه سینماها کرده و تلاقی این ۲ سه‌قطبی، زمینه‌ساز این استقبال خوب باشد.

طی اکران روز سه‌شنبه، نخستین فیلم بلند سینمایی بهرام افشاری (۷۰سی)، بهترین عملکرد را در میان فیلم‌های اکران داشت و توانست با جذب ۲۲۷ هزار مخاطب، ضمن رکوردشکنی جذب مخاطبان روزانه سینما، به گیشه هشت میلیارد تومانی برسد. «زودپز»، پس از ۲ ماه، همچنان مخاطب دارد. کمدی رامبد جوان با ۳۸ هزار مخاطب، یک میلیارد و ۳۳۰ میلیون تومان فروخت. دومین ساخته سینمایی سروش صحت (صبحانه با زرافه‌ها)، کمی بیش از ۲۸ هزار مخاطب داشت و توانست به گیشه یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومانی برسد.

سعید لطفی، عضو هیات مدیره اتحادیه مشاوران املاک تهران:

تا زمانی که خانه اولی‌ها وارد چرخه خرید مسکن نشوند، نمی‌توان رونق را در بازار مسکن مشاهده کرد و یکی از موانع اصلی برای ورود خانه اولی‌ها به بازار مسکن، بانک‌ها هستند. عضو هیات مدیره اتحادیه مشاوران املاک تهران با بیان اینکه بانک‌ها به تعهدات خود عمل نمی‌کنند، گفت: بانک‌ها حتی در حوزه نهضت ملی مسکن هم به تعهدات خود عمل نکردند و از دلایل کُندی این پروژه، توقف تسهیلات‌دهی در شبکه بانکی است.

لطفی با اشاره به محدودیت منابع بانکی برای افزایش سقف تسهیلات بانکی اظهار داشت: اگر سیاست دولت خانه‌دار کردن مردم است باید بخشی از منابع شبکه بانکی را به این سمت هدایت کند. اما در حال حاضر موضع این است که خود بانک‌ها عامل افزایش قیمت مسکن هستند چراکه نه تنها ارایه تسهیلات به این بخش را محدود کرده‌اند بلکه منابع را متوجه پروژه‌های ساخت و ساز مسکن شرکت‌های ساختمانی زیر مجموعه بانک‌ها می‌کنند.

وی افزود: بانک‌ها هم سازنده مسکن شده‌اند و هم مسکن را خرید و فروش می‌کنند و در واقع به قیمت‌گذار مسکن در بازار تبدیل شده‌اند و بعضا عامل افزایش قیمت مسکن در بازار هستند. اگر امروز بانک‌ها می‌گویند که منابعی در اختیار ندارند به این دلیل است که با منابع خود ملک و مستغلات خریده‌اند تا از تورم آن استفاده کنند و ارزش بهای دارایی خود را افزایش داده‌اند بنابراین هر چه ملک گران‌تر شود به نفع بانک‌ها خواهد بود و با خرید ملک، ناترازی خود را جبران می‌کنند.

طبق آماری که از بررسی کنداکتور شبکه‌های یک، دو، سه، چهار، پنج و شبکه نمایش به‌دست آوردیم از تاریخ ۱ آبان ۱۴۰۲ تا ۱ آبان ۱۴۰۳ تعداد ۱۸۶۲ فیلم سینمایی بدون درنظر گرفتن آثار تکراری از تلویزیون پخش شده، یعنی آثار سینمایی را که به تناوب از شبکه‌های مختلف بازپخش شدند در محاسبه دخالت ندادیم.

بر این اساس فیلم‌های پخش‌شده از ۵۲ کشور بودند که آمریکا، ایران، هند، فرانسه، انگلیس و ایتالیا به ترتیب آثار بیشتری داشتند. ۸۷.۳ درصد از فیلم‌های پخش‌شده از تلویزیون مربوط به ۶ کشور نامبرده و ۱۲.۷ درصد مربوط به ۴۶ کشور دیگر است، یعنی آمریکا با ۳۷، ایران با ۲۶، هند و فرانسه با ۸ درصد بیشترین آثار را در رسانه ملی دارند.

مشرق نیوز در مذمت سریال جدید مهران مدیری نوشت: زمانی مهران مدیری برای بسیاری از مخاطبان ایرانی، نمادی از کمدی بود؛ نامی که به‌تنهایی می‌توانست انتظارات را به سقف برساند. از «پاورچین» و «شب‌های برره» گرفته تا «قهوه تلخ»، او موفق شد موقعیت‌های بکر و شخصیت‌هایی فراموش‌نشدنی خلق کند اما پس از «قهوه تلخ»، نه‌تنها روند رو به افول مدیری آغاز شد، بلکه تغییر تیم بازیگری و نویسندگی به وضوح در افت کیفیت آثارش تاثیر گذاشت. «قهوه پدری»، آخرین سریال او، شاید یکی از ضعیف‌ترین نقاط کارنامه مدیری باشد؛ اثری که نه‌تنها در روایت و اجرای یک سریال به اصطلاح کمدی موفق نیست، بلکه اساسا در تکوین یک جهان فانتزی نیز عاجز است. در این تحلیل به ۵ محور اصلی مشکلات این سریال می‌پردازیم.

داستان «قهوه پدری» بر محور بحران مالی خانواده ادیب می‌چرخد. این خانواده به امید حل مشکلات‌شان، به شخصیتی به نام «اون» (با بازی مدیری) متوسل می‌شوند؛ کسی که پیش‌تر با پیشنهادهای بی‌پایه و واهی، سرمایه آنها را بر باد داده است. خرید و فروش قهوه، بحران‌های اقتصادی و رابطه پیچیده این شخصیت‌ها، دستمایه‌ای برای پیشبرد قصه شده است. اما این روایت، بیش از آنکه تماشاگر را درگیر کند، فرسوده و خسته‌کننده به نظر می‌رسد. بحران مالی و فلاکت خانوادگی موضوع جدیدی در آثار نمایشی نیست. در واقع، عدم وجود ریتم مناسب و روایت جذاب، باعث شده داستان این سریال نه‌تنها تازگی نداشته باشد، بلکه حتی در اجرا هم نتواند توجه مخاطب را جلب کند. «قهوه پدری» در مقایسه با آثاری چون «قهوه تلخ»، از همان ابتدا فاقد قدرت کشش داستانی است؛ داستانی که به جای ایجاد هیجان، بیشتر شبیه یک تکرار ضعیف و فاقد خلاقیت است. یکی از دلایل اصلی انتقادات سنگین به «قهوه پدری»، نام بزرگ مهران م

دیپورت برخی از تازه‌واردها توسط بازار

دلایل شکست برخی خودروهای وارداتی در بازار ایران به لحاظ قیمتی

متین شیری | با آغاز دور جدید واردات خودرو به ایران، انتظار می‌رفت برندهای مطرح جهانی بتوانند در کنار خودروهای داخلی و چینی، سهم قابل توجهی از بازار را تصاحب کنند. اما نتایج نشان داد که برخی خودروهای وارداتی نتوانستند مطابق با انتظارات، عملکرد موفقی داشته باشند و دلایل متعددی موجب کاهش استقبال از این محصولات شده است. یکی از مهم‌ترین عوامل، قیمت‌های بسیار بالای خودروهای وارداتی است که به دلیل تعرفه‌های سنگین گمرکی، نوسانات نرخ ارز و هزینه‌های جانبی به بازار تحمیل شده است. برای مثال، خودروهایی که در بازارهای جهانی با قیمتی معادل ۲۰ تا ۳۰ هزار دلار عرضه می‌شوند، در ایران با قیمتی چندین برابر بالاتر به فروش می‌رسند. این اختلاف قیمت، خودروهای وارداتی را از دسترس بخش بزرگی از مردم طبقه متوسط خارج کرده است.

محدودیت‌های خدمات پس از فروش نیز یکی دیگر از دلایل عدم موفقیت برخی برندهاست. نبود شبکه گسترده نمایندگی و دسترسی محدود به قطعات یدکی، مصرف‌کنندگان را به سمت خودروهای داخلی یا برندهای چینی که خدمات گسترده‌تری دارند، سوق داده است.

از سوی دیگر، رقابت سنگین با خودروهای چینی که با قیمت مناسب‌تر و امکانات بیشتر عرضه می‌شوند، توانسته موقعیت خودروهای وارداتی را به چالش بکشد. مصرف‌کنندگان ایرانی تمایل دارند با پرداخت هزینه کمتر، به خودروهایی با امکانات رفاهی بالا و فناوری‌های جدید دسترسی داشته باشند.

در نهایت، عدم تناسب برخی مدل‌ها با نیازهای بازار ایران که بارزترین آن‌ها را می‌توان استفاده از متریال هارد تاچ یا خشک در داشبورد دانست، در انتخاب مردم ایران بسیار موثر است، در سوی دیگر مدل‌هایی که در حال حاضر در بازار ایران وارد شدند از نظر امکانات با مدل‌های قبلی خود به هیچ‌وجه قابل مقایسه نیستند.

هیوندای اکسنت ۲۰۲۳ — قیمت: بین ۱۴ تا ۱۵ هزار دلار

قیمت وارداتی در ایران: حدود ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان

هیوندای اکسنت ۲۰۲۳ یک سدان کامپکت اقتصادی از شرکت کره‌ای هیوندای است. این خودرو به پیشرانه ۱/۶ لیتری ۴ سیلندر با توان ۱۲۳ اسب بخار و گشتاور ۱۵۱ نیوتن‌متر مجهز شده است. گیربکس ۶ سرعته اتوماتیک این خودرو، تجربه رانندگی روان و مصرف سوخت اقتصادی (حدود ۷ لیتر در هر ۱۰۰ کیلومتر) را فراهم می‌کند. طراحی داخلی این خودرو ساده و کاربردی بوده و فضایی مناسب برای خانواده‌های کوچک دارد. اکسنت با ابعاد جمع‌وجور خود، برای استفاده در شهر مناسب است. با این حال، نسخه وارداتی این خودرو با کمترین امکانات رفاهی و ایمنی مانند فقدان کروز کنترل و دوربین دید عقب عرضه شده است.

دلایل ضعف و عدم استقبال: هیوندای اکسنت ۲۰۲۳ به دلیل قیمت بالا در مقایسه با امکانات ارائه شده، در بازار ایران مورد استقبال قرار نگرفت. گزینه‌های چینی با قیمتی مشابه، امکانات بیشتری همچون سیستم‌های ایمنی پیشرفته و طراحی مدرن‌تر دارند. علاوه بر این، طراحی ساده اکسنت و نبود آپشن‌های جذاب، آن را در رقابت با سایر خودروهای این کلاس عقب نگه داشت، چرا که متریال کابین این خودرو حس خودروی وارداتی را به مردم نمی‌دهد.

کیا سید ۲۰۲۳ — قیمت: بین ۱۹ تا ۲۰ هزار دلار

قیمت وارداتی در ایران: حدود ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان

کیا سید ۲۰۲۳ یک هاچ‌بک خانوادگی از برند کیا است که با طراحی ساده اما باکیفیت وارد بازار ایران شد. این خودرو از پیشرانه ۱/۶ لیتری ۴ سیلندر بهره می‌برد که توان تولید ۱۲۸ اسب بخار و گشتاور ۱۵۵ نیوتن‌متر را دارد که این توان را به واسطه یک گیربکس ۶ سرعته اتوماتیک به چرخ‌های جلو انتقال می‌دهد تا در کنار یک سیستم تعلیق مناسب، تجربه رانندگی قابل قبولی را به شخص راننده ارائه دهد. فضای داخل سید، برای استفاده روزمره مناسب بوده و دوام قطعات آن تضمین‌شده است. با این حال، در مقایسه با رقبا، امکانات رفاهی و تکنولوژی‌های کمتری در آن دیده می‌شود.

دلایل ضعف و عدم استقبال: کیا سید ۲۰۲۳ به دلیل طراحی خارجی و داخلی ساده، نتوانست نظر خریداران جوان را جلب کند. در کنار این، امکانات محدود آن مانند نبود سیستم‌های هوشمند پیشرفته و قیمت بالا در مقایسه با خودروهای چینی مجهزتر، این مدل را در بازار ایران چندان جذاب نکرد. فارغ از این مسائل این اولین حضور سید در بازار ایران است، شاید بتوان گفت این خودرو به فرصت بیشتری برای نمایش خود نیاز دارد.

نیسان سنترا — قیمت: بین ۲۱ تا ۲۲ هزار دلار

قیمت وارداتی در ایران: حدود ۳ میلیارد تومان

نیسان سنترا یک سدان ژاپنی متوسط با طراحی کلاسیک است که به پیشرانه ۲/۰ لیتری تنفس طبیعی مجهز شده است. این موتور توانایی تولید ۱۴۹ اسب بخار و گشتاور ۱۹۸ نیوتن‌متر را دارد. گیربکس CVT این خودرو رانندگی روان و مصرف سوخت بهینه‌ای را به مالک و راننده خود ارائه می‌دهد. طراحی کابین این خودرو ارگونومیک و مناسب برای خانواده‌ها است و امکانات استانداردی مانند سیستم تهویه مطبوع و کنترل صوتی را نیز در کابین خود دارد. نیسان سنترا در بازار جهانی به دلیل کیفیت ساخت و دوام فنی شناخته شده است.

دلایل ضعف و عدم استقبال: با قیمت بالای وارداتی، نیسان سنترا از دسترس بسیاری از خریداران ایرانی خارج شده است. نبود خدمات پس از فروش گسترده و قیمت قطعات یدکی بالا، جذابیت این خودرو را کاهش داده است. همچنین، طراحی سنتی و کمتر جذاب آن در مقایسه با خودروهای چینی با امکانات بیشتر، باعث شده که استقبال از این مدل محدود باشد، هرچند برخلاف نظرات عده‌ای خاص در مورد طراحی این خودرو می‌توانم بگویم که این خودرو از طراحی معقول و جذابی برخوردار است که اصالت ژاپنی خود را نیز همچنان دارد.

رنو کولئوس ۲۰۲۳ — قیمت: بین ۲۸ تا ۳۰ هزار دلار

قیمت وارداتی در ایران: حدود ۴ میلیارد تومان

رنو کولئوس ۲۰۲۳ یک شاسی‌بلند لوکس از برند فرانسوی رنو است که با طراحی مدرن و پیشرفته وارد بازار شده است. این خودرو به پیشرانه ۲/۵ لیتری ۴ سیلندر با توان ۱۷۰ اسب بخار و گیربکس CVT مجهز است که انتقال نیرو کارآمد را تضمین می‌کند. کولئوس با امکانات رفاهی متعددی همچون نمایشگر لمسی، سیستم تهویه خودکار دوگانه، صندلی‌های چرمی و تنظیم برقی، تجربه‌ای راحت و لوکس برای سرنشینان فراهم می‌کند. در طراحی خارجی نیز با خطوط دینامیک و جلوپنجره کرومی، در کنار چراغ‌های LED، با ظاهری خیره‌کننده مواجه‌ایم. کولئوس ۲۰۲۳ از نظر ایمنی نیز با استفاده از سیستم هشدار برخورد، ترمز اضطراری و سیستم کمکی پارک، امنیت بیشتری را به راننده می‌دهد. با این حال، این شاسی‌بلند لوکس در ایران با چالش‌هایی مواجه است. قیمت بالای این خودرو یکی از عوامل اصلی استقبال محدود از آن محسوب می‌شود. علاوه بر این، نبود خدمات پس از فروش مناسب و هزینه‌های بالای نگهداری، جذابیت این خودرو را برای خریداران کاهش داده است. در مقایسه با خودروهای شاسی‌بلند چینی که امکانات مشابه یا بیشتری ارائه می‌دهند، کولئوس به‌عنوان گزینه‌ای گران‌تر به نظر می‌رسد.

میتسوبیشی اوتلندر — قیمت: بین ۲۵ تا ۲۶ هزار دلار

قیمت وارداتی در ایران: حدود ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان

میتسوبیشی اوتلندر یک شاسی‌بلند ژاپنی با طراحی اسپرت و کابینی جادار است که توجه خانواده‌ها و علاقه‌مندان به خودروهای چندمنظوره را جلب می‌کند. این خودرو مجهز به پیشرانه ۲/۴ لیتری ۴ سیلندر با توان تولید ۱۶۶ اسب بخار و گشتاور ۲۲۰ نیوتن‌متر است. استفاده از گیربکس CVT و سیستم تعلیق مستقل برای چهار چرخ، تجربه‌ای نرم و مطمئن از رانندگی را فراهم می‌سازد. طراحی خارجی اوتلندر با خطوط تیز، جلوپنجره کرومی و چراغ‌های LED ظاهری مدرن و جذاب به آن بخشیده است. داخل کابین نیز امکاناتی نظیر سیستم تهویه خودکار، نمایشگر لمسی، صندلی‌های قابل تنظیم و فضای بار گسترده، راحتی و کاربردی بودن را تضمین می‌کند.

دلایل ضعف و عدم استقبال در ایران: با وجود کیفیت ساخت بالا و سواری مطمئن، قیمت وارداتی حدود ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان، این خودرو را در ایران به گزینه‌ای گران‌قیمت تبدیل کرده است. علاوه بر این، محدودیت خدمات پس از فروش در مقایسه با شاسی‌بلندهای چینی، مانع از رقابت‌پذیری اوتلندر شده است. خودروهای چینی با قیمت مناسب‌تر و امکانات بیشتر، سهم بیشتری از بازار را به خود اختصاص داده‌اند.

MG RX5 — قیمت: بین ۱۷ تا ۱۸ هزار دلار

قیمت وارداتی در ایران: حدود ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان

MG RX5 یک شاسی‌بلند مدرن از برند چینی-بریتانیایی MG است که با طراحی جذاب و امکانات پیشرفته عرضه می‌شود. این خودرو به پیشرانه ۱/۵ لیتری توربوشارژ با توان ۱۶۹ اسب بخار و گشتاور ۲۵۰ نیوتن‌متر مجهز است و با گیربکس ۷ سرعته اتوماتیک، تجربه‌ای روان در رانندگی شهری و بین‌شهری ارائه می‌دهد.

طراحی خارجی RX5 با خطوط پویا، چراغ‌های LED و جلوپنجره کرومی مدرن، حس لوکس بودن را القا می‌کند. در داخل کابین نیز امکاناتی چون سیستم سرگرمی پیشرفته با نمایشگر لمسی، دوربین ۳۶۰ درجه، صندلی‌های برقی و تهویه مطبوع دوگانه، راحتی و فناوری روز را به سرنشینان ارائه می‌دهد.

با وجود این مزایا، MG RX5 در بازار ایران با چالش‌هایی روبه‌رو است. یکی از مشکلات اصلی، قیمت بالای این خودرو است که در ایران حدود ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان تعیین شده است. علاوه بر این، نگرانی خریداران نسبت به خدمات پس از فروش و عدم شناخت کافی از برند MG در میان مصرف‌کنندگان ایرانی، منجر به استقبال محدود از این خودرو شده است، البته تبلیغات فردا موتور را شاید بتوان تا حدودی در آینده خودروهای ام‌جی موثر دانست.

داشبورد

ثبت سفارش خودروی جانبازان انجام شد؛ منتظر تخصیص ارز باشید!

شرکت پرشیاخودرو اعلام می‌کند که در راستای ارائه خدمات به جانبازان گرامی، روند ثبت سفارش خودروهای جانبازان با موفقیت به پایان رسیده است. این خودروها شامل مدل‌های منتخب ب.ام.و و مینی کوپر هستند که در قالب برنامه‌های ویژه برای جانبازان تخصیص یافته‌اند. با توجه به اهمیت و حساسیت این موضوع، تمام مراحل ثبت سفارش به دقت و با هماهنگی کامل انجام شده است. شایان ذکر است که تأمین ارز مورد نیاز برای تکمیل این سفارش‌ها در دستور کار قرار دارد و پس از تخصیص ارز، فرایند تکمیل و تحویل خودروها آغاز خواهد شد. در همین راستا، شرکت پرشیاخودرو متعهد است که پس از تخصیص ارز به هر یک از خودروها، مراتب را از طریق اطلاع‌رسانی رسمی به شما جانبازان اعلام کند. این روند در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با رعایت تمامی استانداردهای لازم انجام خواهد شد. همچنین، شرکت به طور مداوم پیگیر مراحل اداری و اجرایی مرتبط با تخصیص ارز و تحویل خودروها است تا این فرایند به بهترین شکل ممکن به نتیجه برسد. شرکت پرشیاخودرو به عنوان عرضه‌کننده خودروهای ب.ام.و، مینی در ایران، همواره در تلاش است تا خدماتی شایسته جانبازان ارائه دهد. این گروه از مشتریان ارزشمند، سهم ویژه‌ای در برنامه‌های حمایتی شرکت داشته و اقدامات صورت گرفته گواه بر عزم جدی ما برای خدمت‌رسانی به این عزیزان است. از تمامی جانبازان که در این طرح ثبت‌نام کرده‌اند، تقاضا می‌شود تا اطلاعیه‌های رسمی شرکت پرشیاخودرو از کانال‌های ارتباطی معتبر این شرکت دنبال کنند. هرگونه اطلاع‌رسانی در خصوص تخصیص ارز و زمان تحویل خودروها، صرفاً از طریق کانال‌های رسمی شرکت اعلام خواهد شد. در پایان، شرکت پرشیاخودرو ضمن قدردانی از صبر و شکیبایی جانبازان گرانقدر، از تمامی تلاش‌های انجام‌شده توسط مسئولین محترم در وزارت صمت و سایر بخش‌های مرتبط سپاسگزاری کرده و امیدوار است این اقدام بتواند گامی مؤثر در جهت رفاه و آرامش این عزیزان باشد.

نیم‌کلاچ

آستون مارتین والهالا ۲۰۲۶: قدرت، فناوری و آیرودینامیک در اوج

پس از مدت‌ها انتظار، آستون مارتین آماده تولید سوپراسپرت موتور وسط خود، والهالا شده است. این خودرو با یک پیشرانه پلاگین هیبریدی V-۸ و آیرودینامیک بسیار پیشرفته عرضه خواهد شد.

آستون مارتین والهالا ۲۰۲۶ به یک پیشرانه پلاگین هیبریدی V-۸ توئین توربو مجهز شده است که در مجموع ۱۰۶۴ اسب بخار قدرت و ۸۱۱ پوند-فوت گشتاور تولید می‌کند.

ویژگی‌های برجسته

آیرودینامیک فعال و ساختار فیبر کربنی: والهالا از آیرودینامیک فعال و استفاده گسترده از فیبر کربن بهره می‌برد و وزن خشک آن ۳۶۴۹ پوند اعلام شده است.

تولید محدود: تنها ۹۹۹ دستگاه از این خودرو ساخته خواهد شد و تحویل‌ها از نیمه دوم سال ۲۰۲۵ آغاز می‌شود که نسبت به برنامه اولیه در سال ۲۰۲۳ تأخیر داشته است.

تحولات مهم از ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۶

والهالا که برای اولین بار در سال ۲۰۱۹ رونمایی شد، ابتدا به‌عنوان یک سوپراسپرت موتور وسط با پیشرانه هیبریدی V-۶ و قیمتی بیش از ۱ میلیون دلار معرفی شد. اما در سال ۲۰۲۱، این خودرو با طراحی جدید، پیشرانه هیبریدی V-۸ و قیمت تقریبی ۸۰۰ هزار دلار بازگشت. اکنون، با پیشرفت‌های بزرگ در توسعه، جزئیات کامل آن منتشر شده است.

اولین پلاگین هیبریدی آستون مارتین

پیشرانه پلاگین هیبریدی والهالا شامل یک موتور V-۸ توئین توربوی ۴ لیتری و موتورهای الکتریکی است. این موتور تخت (flat-plane crank) که بر اساس واحدی از مرسدس-AMG ساخته شده، اکنون ۸۱۷ اسب بخار قدرت تولید می‌کند (بیش از ۷۴۰ اسب بخاری که در سال ۲۰۲۱ وعده داده شده بود) و این نیرو به‌طور انحصاری به محور عقب منتقل می‌شود.

جزئیات فنی

این موتور V-۸، برخلاف موتورهای ۴ لیتری استفاده شده در مدل‌های Vantage، DB۱۲ و DBX ۷۰۷، دارای طراحی کارتر خشک است تا تأمین روغن مناسب در شرایط فشار جانبی بالا روی پیست را تضمین کند. آستون مارتین همچنین میل بادامک‌ها، منیفولدهای اگزوز، توربوشارژرها و پیستون‌های این موتور را نسبت به موتورهای cross-plane-crank در سایر خودروهای خود بازطراحی کرده است. والهالا نه‌تنها نمایشی از مهندسی پیشرفته آستون مارتین است، بلکه نویدبخش آینده‌ای پرقدرت و دوستدار محیط زیست برای این برند لوکس بریتانیایی است.

تکامل والهالا قدرت هیبریدی سه‌موتوره و عملکردی خیره‌کننده

در حالی که مشخصات ۲۰۲۱ دارای دو موتور الکتریکی بود، والهالا اکنون یک موتور الکتریکی سوم نیز دارد. دو موتور رادیال فلاکس (radial flux) محور جلو را به حرکت درمی‌آورند و یک موتور درون گیربکس روی محور عقب یکپارچه شده است. این موتورها انرژی خود را از یک باتری ۶۰ کیلووات‌ساعتی تأمین می‌کنند که برای تخلیه سریع و شارژ مجدد سریع هنگام کاهش سرعت طراحی شده است. این بسته خنک‌شونده با مایع شامل ۵۶۰ سلول مستقل است.

وبگردی

پژو آردی؛ خودرویی بین کلاسیک و عادی

پژو آردی (Peugeot RD) یکی از خودروهای منحصربه‌فرد بازار ایران است که از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ توسط ایران‌خودرو تولید شد. این خودرو ترکیبی از طراحی بدنه پژو ۴۰۵ و پلتفرم فنی خودروی پیکان است. گرچه اکنون بسیاری از علاقه‌مندان به خودرو، آن را در دسته خودروهای کلاسیک قرار می‌دهند اما همچنان به عنوان یک وسیله نقلیه روزمره در خیابان‌ها دیده می‌شود.

طراحی و مشخصات فنی

از نظر طراحی، پژو آردی شباهت زیادی به پژو ۴۰۵ دارد. این شباهت به دلیل استفاده از بدنه مشترک با ۴۰۵ است که در دهه ۱۳۷۰ یکی از خودروهای مدرن بازار ایران بود. با این حال، طراحی داخلی آردی از نظر کیفیت مواد و امکانات، بسیار ساده‌تر و اقتصادی‌تر بود. در بخش فنی، آردی از موتور چهار سیلندر خطی پیکان با حجم ۱۶۰۰ سی‌سی بهره می‌برد که توانایی تولید حدود ۷۸ اسب بخار قدرت و ۱۲۷ نیوتن‌متر گشتاور را داشت. این خودرو دیفرانسیل عقب بود که باعث می‌شد عملکرد متفاوتی نسبت به خودروهای هم‌رده دیفرانسیل جلو داشته باشد. گیربکس ۴ دنده دستی، تعلیق نسبتاً ساده و فرمان‌پذیری اقتصادی، آن را برای استفاده روزانه و مصرف سوخت پایین مناسب می‌کرد.

چرا پژو آردی کلاسیک به نظر نمی‌آید؟

یکی از دلایلی که پژو آردی هنوز در دسته خودروهای کاملاً کلاسیک قرار نگرفته، حضور مداوم آن در خیابان‌ها به عنوان یک خودروی عادی است. برخلاف بسیاری از خودروهای کلاسیک که تنها در نمایشگاه‌ها یا گردهمایی‌های خاص دیده می‌شوند، آردی هنوز به دلیل قیمت پایین، هزینه تعمیر مناسب و فراوانی قطعات، انتخاب بسیاری از خانواده‌هاست.

از سوی دیگر، طراحی آردی هرچند متعلق به دو دهه گذشته است، اما به اندازه خودروهای دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی نوستالژیک نیست. همچنین، کیفیت پایین‌تر ساخت نسبت به خودروهای وارداتی و حتی برخی تولیدات داخلی، جایگاه آن را در میان خودروهای کلاسیک کمرنگ‌تر کرده است.

پژو آردی یک خودروی خاص در تاریخ خودروسازی ایران است که توانسته ترکیبی از طراحی پژو و پلتفرم پیکان را به نمایش بگذارد. اگرچه اکنون به عنوان یک خودروی قدیمی شناخته می‌شود، اما استفاده روزمره از آن باعث شده هنوز در ذهن مردم به‌طور کامل وارد عرصه کلاسیک‌ها نشود. این خودرو، نمایانگر دورانی است که خودروسازی ایران تلاش داشت با کمترین هزینه، پاسخگوی نیاز مصرف‌کنندگان باشد.

اقتصاد خانواده

پر کردن یک ظرف آجیل چقدر خرج دارد؟

سنت آجیل‌خوردن در بعضی از خانواده‌های ایرانی به خوردن تخمه آفتاب‌گردان، نخود و کشمش نزول پیدا کرده. چون اگر بخواهید حداقل نیم‌کیلو از هر کدام از مغزهای برطرفدار بخرید و یک ظرف آجیل را پر کنید، حداقل باید بالای سه میلیون تومان خرج کنید. متلاً اگر بخواهید یک کیلو مغز فندق سفید ایرانی خریداری کنید، باید بین ۹۹۰هزار تومان تا یک میلیون و ۱۰۰هزار تومان هزینه کنید. قیمت بادام درختی خام نیز از ۸۵۰هزار تومان تا ۹۵۰هزار تومان است. حالا اگر این بادام شور باشد برای خرید یک کیلو از آن باید بین ۹۸۰هزار تومان تا یک میلیون و ۲۰۰هزار تومان بپردازید. بادام بوست کاغذی خام هم با قیمت ۵۹۰هزار تومان تا ۶۵۰هزار تومان فروخته می‌شود و یک کیلو نمکی آن با قیمت ۶۵۰هزار تومان تا ۷۲۰هزار تومان به فروش می‌رسد. مغز گردوی سفید فوق‌العاد تویسرکان بین ۸۵۰هزار تومان تا ۹۰۰هزار تومان قیمت دارد و برای خرید یک کیلو گردوی خام باید بین ۵۶۰هزار تومان تا ۶۵۰هزار تومان هزینه کنید. یک کیلو آجیل چهارمغز شور که شامل مغز پسته، بادام درختی، بادام هندی و فندق می‌شود بین ۷۵۰هزار تومان تا ۹۰۰هزار تومان قیمت دارد. یک کیلو پسته اکبری خام ممتاز با قیمت ۸۸۰هزار تومان تا ۹۵۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. آجیل بدلاسی که شامل کشمش سبز، پسته خام، توت، انجیر، مغز گردو، بادام هندی، برگه زردآلو، انجیر دالاهو، بادام‌زمینی، بادام هندی و مغز بادام ایرانی می‌شود، حداقل باید بین ۶۵۰هزار تومان تا ۸۵۰هزار تومان کنار بگذارید. یک کیلو پسته احمد آقایی خام ممتاز دست‌چین هم با قیمت ۸۷۰هزار تومان تا ۹۰۰هزار تومان فروخته می‌شود و قیمت یک کیلو پسته فندقی خام از ۶۵۰هزار تومان تا ۷۰۰هزار تومان است. کسانی که طرفدار بادام هندی هستند برای خرید یک کیلو خام درشت آن باید بین یک میلیون تومان تا یک میلیون و ۱۵۰هزار تومان هزینه کنند. بادام هندی خام خردشده هم بین ۵۵۰هزار تومان تا ۶۵۰هزار تومان قیمت دارد. بادام هندی درشت بوداده و شور هم با قیمت یک میلیون و ۱۰۰هزار تومان تا یک میلیون و ۲۰۰هزار تومان به فروش می‌رسد. ارزان‌ترین آجیل موجود در بازار در حال حاضر بادام زمینی ایرانی است که از آستانه اشرفیه می‌آید. هر کیلو بادام‌زمینی خام بین ۲۲۰هزار تومان تا ۵۲۰هزار تومان قیمت دارد و کسانی که می‌خواهند بادام‌زمینی شور بخرند برای هر کیلو از آن باید بین ۲۸۰هزار تومان تا ۳۰۰هزار تومان هزینه کنند. یک کیلو آجیل شیرین اقتصادی که بیشتر خود مغازه‌دارها با هم ترکیب می‌کنند و دارای مغزپخت پسته، بادام هندی، کشمش سبز، مویز، بادام‌زمینی آسانه، مغز گردو، انجیر، توت، مغز بادام است با قیمت ۶۰۰هزار تومان تا ۷۰۰هزار تومان به فروش می‌رسد. چند روز دیگر هم که شب یلداست برای خرید یک کیلو آجیل بدلاسی که شامل کشمش سبز، پسته خام، توت، انجیر، مغز گردو، بادام هندی، برگه زردآلو، انجیر دالاهو، بادام‌زمینی، بادام هندی و مغز بادام ایرانی می‌شود، حداقل باید بین ۶۵۰هزار تومان تا ۸۵۰هزار تومان کنار بگذارید.

بازار داغ اُرگانیک‌ها

وقتی عسل طبیعی و مرغ سبز، دوستداران سلامتی را درگیر خود کردند

گروه بازار | محصولات ارگانیک نام دلفریبی دارند. بسیاری از ما فکر می‌کنیم کلید سلامتی و طول عمرمان در دست همین محصولاتی است که در کارخانه به صورت انبوه تولید نشده‌اند یا در تولیدشان از محصولات طبیعی و غیرشیمیایی به کار رفته است. خیلی از افراد به این تز اعتقاد دارند و بسیاری هم این مسئله را عاملی برای فروش بیشتر محصولات خانگی و نوعی بازار یابی موفق می‌دانند. این روزها در بازار از مرغ سبز تا عسل کوهی وحشی و انواع میوه خشک یا شیره، طرفداران زیادی دارند و قیمتشان هم اغلب گم نیست. اما گران‌ترین محصولات ارگانیک روغن‌های حیوانی و گوشت محسوب می‌شوند.

مرغ و گوشت ارگانیک

مرغ سبز ارگانیک یکی از مشهورترین گزینه‌ها برای کسانی است که دنبال خوراکی طبیعی می‌گردند. هر کیلو مرغ سبز ۱۰۹ هزار تومان قیمت دارد. شما می‌توانید یک کیلو ران مرغ سبز بدون پوست را با قیمت نزدیک به ۲۳۴ هزار تومان بخرید. قیمت یک کیلو فیله مرغ ارگانیک ۲۸۰ هزار تومان است. گوشت ارگانیک به گوشتی گفته می‌شود که از دام‌هایی به دست می‌آید که در شرایط طبیعی پرورش داشته‌اند. یک کیلو فیله گوساله ارگانیک و رزبیفی یک میلیون و ۳۸۰ هزار تومان است. برای خرید یک کیلو راسته با شرایط مشابه به نزدیک ۶۰۰ هزار تومان پول نیاز خواهید داشت. با ۹۵۹ هزار تومان می‌توانید نیم‌کیلو بیف‌استراگانف ارگانیک تهیه کنید.

عسل و مربا طبیعی

برند مارجان که برندی نسبتا لوکس و گران است یک شیشه ۶۰۰ گرمی مربا کماکوات را با قیمت ۲۱۳ هزار تومان می‌فروشد. اگر اسم کماکوات ممکن است شما را هم مانند ما گیج کند! این میوه ژاپنی از خانواده مرکبات است و به برتقال‌های کوچک شبیه است. مربای بهارنارنج ۵۳۲ هزار تومان و ۴۸۸ هزار تومانی رقیب‌های متفاوتی از سود سهام عدالت تعلق می‌گیرد که محاسبات آن باید از سوی سپرده‌گذاری مرکزی محاسبه و اعلام شود.

● رئیس انجمن پرورش دهندگان قارچ از رشد ۳۰ تا ۴۰ درصدی تولید قارچ نسبت به ۶ ماهه نخست سال خبر داد. نیما باغبانی دبیر انجمن پرورش دهندگان قارچ از تولید روزانه ۸۰۰ تا ۹۰۰ تن قارچ در سطح کشور خبر داد و گفت، میزان صادرات به کشور عراق نسبت به ۶ ماهه ابتدای سال ۳ برابر شده است به طوری که در ۶ ماهه دوم سال ماهانه هزار تا هزار و ۲۰۰ تن قارچ به کشورهای همجوار صادر می‌شود باغبانی با بیان اینکه عرضه و تقاضا از تعادل نسبی برخوردار است، اعلام کرد، قیمت کنونی هر کیلو قارچ درب مزرعه برمبنای کیفیت ۹۵ تا ۱۱۰ هزار تومان برمبنای کیفیت و در واحدهای صنفی ۱۱۰ تا ۱۴۰ هزار تومان و فروش با نرخ بالاتر گرانفروشی است.

● مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن از ارسال پیامک به ۴۰۰ هزار مالک برای تعیین تکلیف واحدهای مسکونی خبر داد. ابوالفضل نوروزی اعلام کرد، با توجه به ضرورت شناسایی و عرضه واحدهای مسکونی خالی در راستای تعادل‌بخشی به بازار مسکن، این وزارتخانه برای اشخاصی که تاکنون در سامانه املاک و اسکان اقدام به تعیین وضعیت مالکیت و سکونت واحدهای تحت مالکیت‌شان نکرده‌اند پیامک اخطار ارسال کرده است. به گفته او با توجه به ارسال پیامک با سرشماره اختصاصی این وزارتخانه (V.Maskan)، مالکان این املاک، می‌توانند با اطمینان وارد آدرس سامانه املاک و اسکان کشور مندرج در متن پیامک شوند و نسبت به خوداظهاری اقدام کنند. همچنین مردم می‌توانند برای راهنمایی با مرکز پشتیبانی سامانه املاک و اسکان به شماره ۰۲۱۹۱۰۰۲۰۶۸ تماس بگیرند و سایر شماره‌های منتشر شده در فضای مجازی مورد تایید این وزارتخانه نیست و با شرکت‌های سودجو برخورد خواهد شد. مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن درباره مهلت زمانی خوداظهاری گفت، همان طور که در پیامک‌ها تصریح شده است اشخاص هفت روز فرصت دارند با مراجعه به سامانه نسبت به تعیین تکلیف و خوداظهاری واحدهای خود اقدام کنند.

● نایب رئیس اول اتحادیه مشاوران املاک تهران اعلام کرد، ۴هزار و ۵۰۰ مشاور املاک غیرمجاز در تهران شناسایی شده که البته بسیاری از مشاوران املاک غیرمجاز هنوز کشف و شناسایی نشده‌اند. دادبیگی‌نژاد توضیح داد، بسیاری از مشاور املاک هستند که بدون جواز کسب فعالیت می‌کنند و هنوز شناسایی نشده‌اند. متاسفانه گردش مالی که در مشاوران املاک غیرمجاز وجود دارد باعث شده که حق کسانی که مجوز دارند ضایع شود.

عسل طبیعی و مرغ سبز، دوستداران سلامتی را درگیر خود کردند

از همین برند با وزن ۲۸۰ گرم به قیمت ۱۱۰ هزار تومان فروخته می‌شود. برای خرید مربای انجیر خانگی از برندی چون مارجان با وزن ۲۸۰ گرم باید ۱۰۸ هزار تومان کارت بکشید. ۲۷۰ گرم از مربای گل گاو زبان، ۹۲ هزار تومان است. مربای به خانگی مارجان را می‌توانید با وزن ۵۷۵ گرم به قیمت ۱۷۵ هزار تومان تهیه کنید.

برند نگین دانه یک شیشه عسل روزانه ارگانیک با وزن یک کیلوگرم را ۱۸۵ هزار تومان می‌فروشد. البته شما بهتر از من می‌دانید طرفداران عسل ارگانیک گاهی ممکن است چه پول‌های زیادی را پای عسلی که به طبیعی بودن آن اطمینان دارند صرف کنند. برند روشنا عسل طبیعی کنار را با بسته‌بندی شیک با وزن یک کیلو و ۱۰۰ گرم، ۶۷۰ هزار تومان می‌فروشد. برند قدک ۹۰۰ گرم عسل کوهستان را با قیمت ۳۵۰ هزار تومان می‌فروشد. با همین میزان پول می‌توانید عسل گون گز را هم بخرید. فروشنده دیگری عسل کوهی طبیعی را که نام و نشانی ندارد با قیمت ۹۰۰ هزار تومان برای یک کیلو، عرضه کرده است. مارجان عسل اویشن هم دارد که قیمت ۴۷۰ گرمش ۲۳۸ هزار تومان تعیین شده. ۹۵۰ گرم از عسل اسطوخودوس این برند را می‌توانید با ۳۴۵ هزار تومان بخرید. برای خرید ۹۰۰ گرم عسل خارشتر ممتاز از برند هلن باید ۷۸۵ هزار تومان کارت بکشید و عسل ارگانیک از برند دست‌یافته که برنده جایزه است، با وزن ۲۵۰ گرم یک میلیون و ۳۰ هزار تومان قیمت دارد.

انواع شیره

طرفداران انواع شیره معتقدند که برای بهبود نقاهت پس از بیماری، قوت گرفتن و... شیره حسابی کمکشان می‌کند. یک فروشنده شیره انگور متفرقه را با وزن یک کیلوگرم ۹۰ هزار تومان قیمت زده. شیره خرما قیمت چندان بالایی ندارد. متلا شما می‌توانید با ۸۰ هزار تومان ۸۵۰ گرم از آن را از برند دهکده سبز سلامت با قیمت ۱۱۵ هزار تومان بخرید.

انواع ترشی

قیمت یک شیشه ۵۰۰ گرمی از ترشی کاموکات ۱۶۳ هزار و ۳۰۰ تومان است که آن را برند مارجان می‌فروشد. از انجایی که دست ما تا به حال به این ترشی جدید نرسیده، سخت است بگوییم با این قیمت ارزش خرید دارد یا بهتر است همان ترشی‌های سنتی خودمان را بچسبیم. همه ترشی‌ها از هزار عرضه کرده است. بسته ۲۵۰ گرمی از بادام زمینی روکش‌دار از برند دستچین کالا، ۷۸ هزار تومان است. برند پارگان هم ۲۵۰ گرم کره بادام‌زمینی را ۸۶ هزار تومان می‌فروشد. برند سرمد یک کیلو کره بادام‌زمینی خالص را ۳۳۰ هزار تومان عرضه کرده است. شاید باورتان نشود که کره بادام درختی هم طرفدارانی خودش را دارد. متلا مهیاس ۲۵۰ گرم از آن را ۴۴۰ هزار تومان قیمت زده است. برندی با نام نه الین، مغز پسته کوهی را با وزن ۱۰۰ گرم ۱۶۰ هزار تومان قیمت زده. برای خرید کنجد ممتاز نیم کیلویی باید ۱۳۵ هزار تومان کارت بکشید. اگر سختتان است تخمه افتابگردان پوست کنید، می‌توانید نیم کیلو مغز شیشه ۴۵۰ گرمی از این ترشک است. یک شیشه ۷۵۰ گرمی ترشی تاژخانون از برند مارجان ۱۳۵ هزار تومان است.

روغن و سرکه ارگانیک

بازار روغن‌های حیوانی ارگانیک حسابی داغ است. متلا خریداران برای روغن حیوانی گرمانشاهی از برندی مانند نیک‌منش با وزن ۹۰۰ گرم و قیمت ۹۳۰ هزار تومان مشتاق هستند. همین برند روغن حیوانی گاوی-گوسفندی را با وزن مشابه به قیمت ۸۴۵ هزار تومان می‌فروشد. برند پارسان روغن حیوانی را با وزن ۴۵۰ گرم، ۴۸۶ هزار تومان قیمت زده و همان را با وزن ۹۰۰ گرم باید به قیمت ۹۲۶ هزار تومان بخرید.

شما می‌توانید با ۲۶۸ هزار تومان روغن ساده‌دانه پاملکا را با وزن ۲۵۰ گرم تهیه کنید. کره نارگیل هم پرطرفدار شده است. برای خرید روغن نارگیل از برندی مانند بکلی با وزن یک کیلوگرم به ۹۵۰ هزار تومان پول نیاز خواهید داشت. شما می‌توانید نیم کیلوگرم از آن را از برند سرمد با قیمت ۳۵۰ هزار تومان بخرید. گزینه دیگر کره پسته است که با ۴۹۰ هزار تومان می‌توانید یک بسته ۳۵۰ گرمی از برند مهیاس را بخرید. برای خرید روغن زیتون بودار از برندی متفرقه با وزن ۴۸۰ گرم به ۱۳۰ هزار تومان نیاز دارید. فروشنده دیگری روغن زیتون بکر بدون بو را با وزن یک لیتر ۲۶۵ هزار تومان می‌فروشد.

اگر طرفدار آبغوره باشید، برند سالمین یک لیتر از آن را ۹۹ هزار تومان می‌فروشد. برای خرید ۹۰۰ میلی‌لیتر سرکه سیب از برندی متفرقه باید ۳۸ هزار تومان هزینه کنید.

زیتون

برند سمیرا زیتون شور بی‌هسته ارگانیک ترشی‌ها آنقدر هم گران نیستند. متلا شما با حدود ۱۷ هزار تومان می‌توانید سراغ خرید ترشی لیته قارچ با وزن ۲۰۰ گرم بروید. قیمت ترشی بندری دریان‌دشت با وزن ۷۰۰ گرم ۴۹ هزار تومان است. کره بادام‌زمینی را ۸۶ هزار تومان می‌فروشد. برند سرمد یک کیلو کره بادام‌زمینی خالص را ۳۳۰ هزار تومان عرضه کرده است. شاید باورتان نشود که کره بادام درختی هم طرفدارانی خودش را دارد. متلا مهیاس ۲۵۰ گرم از آن را ۴۴۰ هزار تومان قیمت زده است. برندی با نام نه الین، مغز پسته کوهی را با وزن ۱۰۰ گرم ۱۶۰ هزار تومان قیمت زده، برای خرید کنجد ممتاز نیم کیلویی باید ۱۳۵ هزار تومان کارت بکشید. اگر سختتان است تخمه افتابگردان پوست کنید، می‌توانید نیم کیلو مغز شیشه ۴۵۰ گرمی از این ترشک است. یک شیشه ۷۵۰ گرمی ترشی تاژخانون از برند مارجان ۱۳۵ هزار تومان است.

روغن و سرکه ارگانیک

بازار روغن‌های حیوانی ارگانیک حسابی داغ است. متلا خریداران برای روغن حیوانی گرمانشاهی از برندی مانند نیک‌منش با وزن ۹۰۰ گرم و قیمت ۹۳۰ هزار تومان مشتاق هستند. همین برند روغن حیوانی گاوی-گوسفندی را با وزن مشابه به قیمت ۸۴۵ هزار تومان می‌فروشد. برند پارسان روغن حیوانی را با وزن ۴۵۰ گرم، ۴۸۶ هزار تومان قیمت زده و همان را با وزن ۹۰۰ گرم باید به قیمت ۹۲۶ هزار تومان بخرید.

شما می‌توانید با ۲۶۸ هزار تومان روغن ساده‌دانه پاملکا را با وزن ۲۵۰ گرم تهیه کنید. کره نارگیل هم پرطرفدار شده است. برای خرید روغن نارگیل از برندی مانند بکلی با وزن یک کیلوگرم به ۹۵۰ هزار تومان پول نیاز خواهید داشت. شما می‌توانید نیم کیلوگرم از آن را از برند سرمد با قیمت ۳۵۰ هزار تومان بخرید. گزینه دیگر کره پسته است که با ۴۹۰ هزار تومان می‌توانید یک بسته ۳۵۰ گرمی از برند مهیاس را بخرید. برای خرید روغن زیتون بودار از برندی متفرقه با وزن ۴۸۰ گرم به ۱۳۰ هزار تومان نیاز دارید. فروشنده دیگری روغن زیتون بکر بدون بو را با وزن یک لیتر ۲۶۵ هزار تومان می‌فروشد.

اگر طرفدار آبغوره باشید، برند سالمین یک لیتر از آن را ۹۹ هزار تومان می‌فروشد. برای خرید ۹۰۰ میلی‌لیتر سرکه سیب از برندی متفرقه باید ۳۸ هزار تومان هزینه کنید.

زیتون

برند سمیرا زیتون شور بی‌هسته ارگانیک یک کیلو ۶۳۰ گرم به قیمت ۱۴۴ هزار تومان می‌فروشد. زیتون با مغز بادام گزینه جدیدی است که چندان هم فروش آن پیش از این مرسوم نبود. برند بابویست این مدل زیتون را با وزن نیم کیلو به قیمت ۱۹۸ هزار تومان عرضه کرده است. زیتون سیاه طرفداران خودش را دارد. شما برای خرید دو کیلو و ۲۵۰ گرم زیتون سیاه از برند لوراس به نزدیک ۹۳۰ هزار تومان پول نیاز خواهید داشت.

محصولات از کانیک صبحانه

اگر دوست دارید موقع میل کردن صبحانه، اره بخورید، یک فروشنده اره ارگانیک دو آتیشه را با وزن یک کیلوگرم ۲۶۰ هزار تومان می‌فروشد. برندی با نام سلامت‌آرا اره را با بسته‌بندی شیک و لوکس عرضه کرده و بابت ۶۷۰ گرم از شما ۲۷۰ هزار تومان دریافت می‌کند. کسانی که طرفدار حلوا اره هستند، می‌توانند نیم کیلو از آن را از برند ممتاز عادل با قیمت ۱۲۹ هزار تومان بخرند. برند بیست شو بسته ۶۰۰ گرمی این خوراکی را ۱۷۵ هزار تومان می‌فروشد و البته بسته‌بندی شیک‌تری دارد. برند بکلی اره کنجد سوبسدار را با وزن ۵۰۰ گرم به قیمت ۱۴۰ هزار تومان عرضه کرده است. کره بادام‌زمینی حسابی پرطرفدار است. متلا شما می‌توانید سراغ برندی مانند مسعود بروید که آن را با شکلات مخلوط کرده و یک ظرف ۲۵۰ گرمی را ۹۷ هزار تومان می‌فروشد.

شیرینی

کلمیه شیرینی سنتی کرمانی‌هاست که این روزها در شهرهای دیگر هم حسابی شناخته شده است و از شکل و شمایل سنتی هم خارج شده است. متلا برندی مانند بیجاری یک کیلوگرم کلمیه چهارطعم را ۳۵۰ هزار تومان می‌فروشد که به قیمت ۸۵ هزار تومان برای هدیه کلمیه بخرید، همین برند با بسته‌بندی مخصوص هدیه، ۵۰۰ گرم کلمیه را با طعم زعفران به قیمت ۲۲۰ هزار تومان می‌فروشد. کوکی میکس شش طعم از برند لاورز که شمایلی جذاب برای هدیه دادن هم دارد و ۳۳۵ گرم است را می‌توانید با قیمت ۱۶۸ هزار تومان بخرید. اگر شیرینی‌های سنتی را دوست دارید، می‌توانید با ۲۰۰ هزار تومان ۷۰۰ گرم قطاب و بقلوا را در کنار هم بخرید که سوغات یزد است. قیمت ۳۰۰ گرم باسلق شیره انگور و خرما ۱۰۵ هزار تومان است.

میوه خشک

برند رازیان ۴۰۰ گرم میوه خشک مخلوط را در بسته‌بندی به قیمت ۳۲۵ هزار تومان می‌فروشد. این برند بسته‌بندی ۳۵۰ گرمی هم دارد که برای خریدش باید ۱۹۷ هزار تومان هزینه کنید. زرنگران موز خشک‌شده را با وزن ۱۰۰ گرم به قیمت ۱۴۵ هزار و ۳۰۰ تومان عرضه کرده و ۱۵۰ گرم میوه خشک خرد شده را ۲۱۳ هزار و ۳۰۰ تومان می‌فروشد. برای خرید میوه خشک پرتقال با وزن ۱۰۰ گرم از برندی مانند آنیل باید نزدیک به ۷۶ هزار تومان پول بدهید. مائزن بسته نیم‌کیلویی میوه خشک مخلوط را ۴۹۰ هزار تومان می‌فروشد.

حتی میوه خشک شاتوت هم در بازار موجود است و شما با ۳۵۸ هزار تومان می‌توانید ۶۰ گرم از آن را بخرید. مقدار ۳۵۰ گرم برگه زردآلو ۱۶۵ هزار تومان قیمت دارد. فروشنده دیگری زردآلو خشک اسلایسی با وزن ۱۰۰ گرم را ۵۷ هزار و ۵۰۰ تومان قیمت زده.

تنقلات دیگر

یک بسته ۱۴ عددی آدامس طبیعی کاکائویی از برند ۲۰، ۶۰ هزار تومان فروخته می‌شود. کشک‌های قره‌قروتی خوراکی‌های جدیدی هستند که در بازار چشمتان ممکن است به آنها بخورد. یک بسته ۹۵۰ گرمی از چنین کشکی با قیمت ۱۲۵ هزار تومان عرضه می‌شود. قیمت ربانارترش و شیرین با ملس با وزن ۷۵۰ گرم بین ۷۵ هزار تومان تا ۱۰۰ هزار تومان تعیین می‌شود. البته گزینه‌هایی که چنین قیمتی دارند معمولا برند خاصی نیستند. قیمت رب زرشک طبیعی فدک با وزن ۴۸۰ گرم، ۸۵ هزار تومان است. اما فروشنده‌هایی هستند که ربانار را با قیمت‌های بالاتری بخرید. متلا یک فروشنده برای رب انار ارگانیکی که می‌فروشد قیمت ۳۳۶ هزار تومان را برای یک کیلوگرم در نظر گرفته است. اگر اهل جویدن سقز باشید، می‌توانید ۵۰ گرم از آن را از برند سالی یک به قیمت ۸۵ هزار تومان تهیه کنید. قیمت بسته ۲۰ عددی آدامس سقز ۲۰۴ هزار تومان تعیین شده است. همین می‌تواند کشک سنتی ممتاز سرمد با وزن ۴۴۰ گرم را ۱۱۹ هزار تومان بخرید. برای خرید قوتو نخودزار گیل از برند بیجاری که ۳۰۰ گرم وزن دارد، بایست ۱۵۰ هزار تومان پول بدهید. طرفداران سس انبه ارگانیک می‌توانند برای خرید ۲۷۰ گرم از این سس با برند طیبات، به ۹۵ هزار تومان نیاز خواهید داشت. قیمت یک کیلو قیمه سیاه که برای اردیبل ۱۶۵ هزار تومان است. این برداشته توانایی ارائه عملکرد مناسب در شرایط سنگین تلفن‌تو با زوم ۵ برابری اپتیکال و ۱۳ دیگیتالی فوق‌عریض، تصاویر باکیفیت و با جزئیات بالا ثبت می‌کند. یکی از نکاتی که همیشه طرفداران هواوی را نگران می‌کند، نصب برنامه‌های اندرویدی و سرویس‌های گوگل روی گوشی است. اما در این گوشی شرکت هواوی اعلام کرده، فقط باید یک اکانت بسازید و از فروشنده بخواهید برنامه‌های مورد نظر را برایتان نصب کند. از نظر خوش‌دستی که یکی از نکات مهم برای خرید گوشی است، کاربران می‌گویند مشکل گوشی هستند که ظاهر خاص و متفاوت داشته و رنگارنگ باشد، بیشتر به سمت این گوشی متمایل می‌شوند. چون هم طراحی ظاهری آن با گوشی‌های پرچمدار موجود در بازار متفاوت است و هم اینکه در رنگ‌های شاد عرضه شده تو ویترین کنار بقیه گوشی‌ها خودنمایی کند. کاربران معتقدند این گوشی پرچمدار هواوی علاوه‌بر ظاهر شیک و زیبا و طراحی متفاوت، امکانات فوق‌العاده‌ای هم دارد. مثلا یکی از این ویژگی‌ها نمایشگر ۶/۶ اینچی LTPO OLED با رزولوشن بالا و نرخ نوسازی ۱۲۰ هرتز است که باعث می‌شود وضوح و روشنایی تصاویر بسیار بالا باشد. همچنین این نمایشگر با استاندارد IP68 تولید شده و خیالتان را در برابر نفوذ آب و گردوغبار راحت می‌کند. دوربین گوشی هم برای کاربران خیلی اهمیت دارد. موضوعی که طرفداران این گوشی از آن راضی هستند چون در بخش طراحی، ماژول مثلثی هواوی عملکرد درخشانی داشته. این گوشی توانایی ارائه عملکرد مناسب در شرایط سنگین را دارد، اما گرانش شده درباره‌ی سنگین کمی افت عملکرد دارد که به چشم می‌آید. یکی از نکات منفی که شاید بعضی از خریداران را منصرف کند این است که این دستگاه از کارت حافظه microSD پشتیبانی نمی‌کند، اما از اتصال دستگاه‌های خارجی از طریق پورت USB Type-C با حالت OTG پشتیبانی می‌کند. قیمت این گوشی در بازار بین ۵۱ میلیون و ۶۰۰هزار تومان تا ۵۲ میلیون تومان است.

دیجیتال

پشت سر گوشی هواوی Pura 70 چه می‌گویند؟

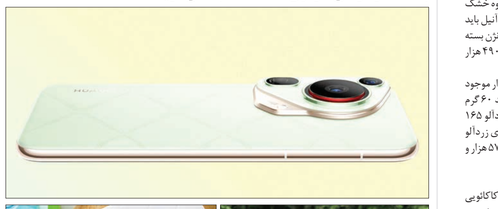

نبض بازار

از ۳/۵ برابر شدن واردات گوشی بالای ۶۰۰ یورو تا رونمایی از سهام عدالت جدید

● نمایندگان مجلس در مصوبه‌ای، حقوق گمرکی واردات گوشی‌های همراه خارجی را در سال آینده مشخص کردند. بر اساس این مصوبه، حقوق گمرکی برای واردات گوشی‌هایی با قیمت بین ۶۰۰ تا ۱۰۰۰ یورو، ۱۵ درصد و برای گوشی‌هایی با قیمت بالای ۱۰۰۰ یورو، ۳۰ درصد خواهد بود. در خصوص سایر رویه‌ها، تعیین حقوق گمرکی با رعایت تعرفه‌های فوق بر عهده دولت قرار دارد. به عبارتی دیگر تعرفه واردات مسافری گوشی‌های کمتر از ۶۰۰ دلار کمی افزایش یافته است، اما تعرفه واردات گوشی‌های هوشمند بالای ۶۰۰ دلار حدود ۳/۵ برابر شده است.

● عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد از یکی از طرح‌های پیشنهادی وزارت اقتصاد، برای سرمایه‌گذاری مجدد سهام عدالت رونمایی کرد. این طرح پیشنهادی با هدف افزایش بهره‌وری سرمایه‌ها و حمایت از سهامداران عدالت طراحی شده است. به گفته وزیر اقتصاد، در این طرح، سود حاصل از سهام عدالت به جای واریز مستقیم به حساب‌های سهامداران، با رضایت آنان در پروژه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های کلان مجددا سرمایه‌گذاری می‌شود.

● وزیر نفت با بیان اینکه برای پایداری شبکه گاز نیازمند همکاری مردم هستیم هشدار داد، گاز از دسته از مشترکان بخش‌های خانگی و تجاری که خارج از الگوی تعیین‌شده مصرف می‌کنند، قطع خواهد شد. محسن پاکنژاد با اشاره به برخورد با مشترکان پرمصرف گفت، همکاران من در شرکت ملی گاز ایران به صورت جدی دمای بهینه در ساختمان‌های دولتی سراسر کشور را رصد می‌کنند و قطعا اگر اداره‌های دولتی خارج از استاندارد‌های تعریف شده گاز مصرف کنند، حتما با قطع گازشان مواجه می‌شوند. به گفته وزیر نفت، این موضوع فقط به دستگاه‌ها و اداره‌های دولتی ختم نمی‌شود، زیرا هواکنون باغ‌ویلاهای در کشور وجود دارد که سیستم گرمایشی خود را با وجود عدم حضور در خانه روشن می‌گذارند تا شاید ماهی یک بار به آنجا بروند. از این رو درست نیست، در حالی که ما در مناطق شمال و شمال‌شرق کشور ممکن است مقداری با افت فشار گاز روبه‌رو شویم، این گونه گاز در باغ‌ویلاها مصرف شود.

● مدیر نظارت سازمان بورس با اشاره به اینکه بخش پایانی سود سال ۱۴۰۱ سهام عدالت، شب یلدا واریز می‌شود گفت، جزئیات ارقام سود سهام عدالت را سپرده‌گذاری مرکزی محاسبه و اعلام می‌کند. ولی‌الله جعفری، مدیر نظارت برناشران سازمان بورس و اوراق بهادار در این باره توضیح داد، میزان سود تخصیصی به سهامداران به ارزش اسمی سهام ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین، به هر کدام از سهام یک میلیون تومانی، ۵۲۲ هزار تومانی و ۴۸۸ هزار تومانی رقیب‌های متفاوتی از سود سهام عدالت تعلق می‌گیرد که محاسبات آن باید از سوی سپرده‌گذاری مرکزی محاسبه و اعلام شود.

● رئیس انجمن پرورش دهندگان قارچ از رشد ۳۰ تا ۴۰ درصدی تولید قارچ نسبت به ۶ ماهه نخست سال خبر داد. نیما باغبانی دبیر انجمن پرورش دهندگان قارچ از تولید روزانه ۸۰۰ تا ۹۰۰ تن قارچ در سطح کشور خبر داد و گفت، میزان صادرات به کشور عراق نسبت به ۶ ماهه ابتدای سال ۳ برابر شده است به طوری که در ۶ ماهه دوم سال ماهانه هزار تا هزار و ۲۰۰ تن قارچ به کشورهای همجوار صادر می‌شود باغبانی با بیان اینکه عرضه و تقاضا از تعادل نسبی برخوردار است، اعلام کرد، قیمت کنونی هر کیلو قارچ درب مزرعه برمبنای کیفیت ۹۵ تا ۱۱۰ هزار تومان برمبنای کیفیت و در واحدهای صنفی ۱۱۰ تا ۱۴۰ هزار تومان و فروش با نرخ بالاتر گرانفروشی است.

● مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن از ارسال پیامک به ۴۰۰ هزار مالک برای تعیین تکلیف واحدهای مسکونی خبر داد. ابوالفضل نوروزی اعلام کرد، با توجه به ضرورت شناسایی و عرضه واحدهای مسکونی خالی در راستای تعادل‌بخشی به بازار مسکن، این وزارتخانه برای اشخاصی که تاکنون در سامانه املاک و اسکان اقدام به تعیین وضعیت مالکیت و سکونت واحدهای تحت مالکیت‌شان نکرده‌اند پیامک اخطار ارسال کرده است. به گفته او با توجه به ارسال پیامک با سرشماره اختصاصی این وزارتخانه (V.Maskan)، مالکان این املاک، می‌توانند با اطمینان وارد آدرس سامانه املاک و اسکان کشور مندرج در متن پیامک شوند و نسبت به خوداظهاری اقدام کنند. همچنین مردم می‌توانند برای راهنمایی با مرکز پشتیبانی سامانه املاک و اسکان به شماره ۰۲۱۹۱۰۰۲۰۶۸ تماس بگیرند و سایر شماره‌های منتشر شده در فضای مجازی مورد تایید این وزارتخانه نیست و با شرکت‌های سودجو برخورد خواهد شد. مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن درباره مهلت زمانی خوداظهاری گفت، همان طور که در پیامک‌ها تصریح شده است اشخاص هفت روز فرصت دارند با مراجعه به سامانه نسبت به تعیین تکلیف و خوداظهاری واحدهای خود اقدام کنند.

● نایب رئیس اول اتحادیه مشاوران املاک تهران اعلام کرد، ۴هزار و ۵۰۰ مشاور املاک غیرمجاز در تهران شناسایی شده که البته بسیاری از مشاوران املاک غیرمجاز هنوز کشف و شناسایی نشده‌اند. دادبیگی‌نژاد توضیح داد، بسیاری از مشاور املاک هستند که بدون جواز کسب فعالیت می‌کنند و هنوز شناسایی نشده‌اند. متاسفانه گردش مالی که در مشاوران املاک غیرمجاز وجود دارد باعث شده که حق کسانی که مجوز دارند ضایع شود.

اقتصاد به زبان ساده

فلت، نقلی، رو به دریا!

با بودجه کمتر از چهار میلیارد تومان می‌توانید در جزیره کیش آپارتمان بخرید

شده نشان می‌دهد با بودجه کمتر از چهار میلیارد تومان می‌توانید، در کیش صاحب خانه شوید. متلا در بین فایل‌های موجود برای فروش آپارتمان در کیش، یک واحد ۳کمتری که سال ۹۴ ساخته شده با قیمت سه میلیارد و ۶۵۰میلیون تومان به فروش می‌رسد. این واحد مسکونی یک اتاق‌خواب دارد و تراس بزرگ از قابل‌چیدمان است. اگر چهار میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان بودجه داشته باشید، می‌توانید صاحب یک آپارتمان ۷۸ متری شوید که سال ۸۷ ساخته شده و در بین آپارتمان‌های کیش جزو کلنگی‌ها به حساب می‌آید. این واحد مسکونی دوخوابه در طبقه دوم یک ساختمان قدیمی شش طبقه واقع شده، اما از پنجره آشپزخانه خلیج‌فارس پیداست. البته این آپارتمان آسانسور ندارد ولی پارکینگ و انباری و تراس قابل‌چیدمان دارد. کسانی که دوست دارند، آپارتمانشان در کیش نزدیک مراکز خرید و سرویس حمل و نقل باشد، می‌توانند مشخصات یک ملک ۹متری یک‌خوابه که سال ۹۴ ساخته شده را بررسی کنند. این ملک چهار میلیارد و ۸۰۰میلیون تومان قیمت دارد. آپارتمان در یک ساختمان سه طبقه ۹واحدی واقع شده و فول‌امکانات است. اگر بودجه بیشتری برای خرید آپارتمان در کیش دارید، یک واحد مسکونی ۶۷متری که سال ۱۴۰۰ ساخته شده و کسی در آن سکونت نکرده و به اصطلاح کلید نخورده است،

نقض حکم پس از مرگ وکیل

حدود ۱۵ ماه پس از فوت نعمت احمدی، رای ابطال پروانه وکالت او باطل شد

وکیل ثارالله روحی در حساب اینستاگرامش از نقض رای محرومیت دائم از وکالت مرحوم دکتر نعمت احمدی‌نسب در شعبه سوم دادگاه عالی انتظامی قضات خبر داد.

خبر ابطال پروانه وکالت این حقوقدان در اوایل فروردین ۱۴۰۲ رسانه‌ای شد و دکتر احمدی نسب در توضیح چرایی ابطال پروانه وکالتش، شکایت صورت گرفته از سوی شاکی خصوصی را علت این موضوع اعلام کرده و معتقد بود که این شکایت بدون ارتباط با فعالیت وکالتی‌اش بوده که نمی‌بایست در دادگاه انتظامی کانون وکلای مرکز مورد بررسی قرار می‌گرفت. در نهایت دکتر نعمت احمدی نسب، روز ۳۱ شهریور ۱۴۰۲ و به علت عارضه سرطان پس از سپری کردن یک دوره بیماری و در ۶۸ سالگی درگذشت.

با گذشت بیش از یکسال از فوت مرحوم احمدی نسب، وکیل ثارالله روحی از نقض رای محرومیت دائم از وکالت مرحوم دکتر نعمت احمدی نسب در شعبه سوم دادگاه عالی انتظامی قضات خبر داد و در توضیح این موضوع نوشت:

دادرسی منصفانه و تضمین حقوق دادخواه در پرتو استقلال وکیل و قاضی رخ می‌دهد و عدالت را به منصه ظهور می‌رساند و هرگاه وکیل دادگستری و قاضی مرعوب صاحبان قدرت و ثروت شوند عدالت به بیراهه می‌رود.

مرحوم دکتر نعمت احمدی نسب که از همکاران آزاده و شجاع بودند در واپسین سال زندگی با رای خلاف قانون صادره از شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات به محرومیت دائم از حرفه وکالت محکوم شدند که خود ایشان رای مذکور مبنی بر ابطال پروانه را به ابطال اسناد هویتی تعبیر می‌نمودند با حمیت آقای دکتر عیسی امینی لایحه اعاده دادرسی تنظیم و پس از ثبت درخواست در تاریخ نهم اسفندماه یکهزار و چهارصد و یک قضات مستقل و شجاع دادگاه محترم عالی تجدید نظر انتظامی قضات عالیجنابان آقایان سید احمدی مرتضوی مقدم، نبی‌الله داودی مازندرانی و سید جواد حسینی اراکی اعاده دادرسی را تجویز و پرونده جهت رسیدگی مجدد به شعبه هم عرض ارجاع می‌گردد.

زنده یاد دکتر نعمت احمدی نسب دو هفته قبل از فوت از تجویز اعاده مطلع ولی بیماری امان نداد تا اعاده حیثیت خویش را به واسطه نقض دادنامه خلاف قانون شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات به نظاره بنشینند.

پس از تجویز اعاده دادرسی و اعلام وکالت همکار شریف آقای دکتر عیسی امینی و اینجانب پرونده با دستور جناب آقای نبی الله داودی رئیس محترم دادگاه عالی انتظامی قضات به شعبه محترم سوم دادگاه عالی انتظامی قضات به عنوان هم عرض ارجاع شد و در نهایت دادنامه صادره از شعبه اول دادگاه عالی انتظامی قضات که متضمن حکم به محرومیت دائم زنده یاد دکتر نعمت احمدی نسب از حرفه وکالت بود توسط قضات شریف جناب آقایان رضا وصالی محمود حسین ضیاءالدینی و دکتر حمید رضا حسینی نقض گردید و همان دادنامه دادگاه انتظامی وکلا تایید شد. زنده یاد دکتر نعمت احمدی نسب ماند ولی آنهایی که در حق او ظلم کردند روسیاه تاریخ وکالت می‌مانند و ننگ آن تا ابد بر پیشانی آن‌ها که خود را وکیل دادگستری جلوه می‌دهند نقشی برجسته خواهد بود زیرا به دور از صفا و محبت‌اند.

توضیحات عیسی امینی

عیسی امینی هم که به همراه وکیل ثارالله روحی در این پرونده اعلام وکالت کرده بود، در بیان توضیحاتی در این خصوص نوشت:

در مورد رای بر محکومیت انتظامی مرحوم دکتر نعمت احمدی نسب صادره از شعبه اول دادگاه محترم عالی انتظامی قضات مبنی بر محرومیت دائم از وکالت دادگستری شایان توجه است

۱ – وکالت اینجانب و جناب ثارالله روحی مبنی بر درخواست اعاده دادرسی وفق قانون راجع به تجدید نظر کردن در احکام دادگاه عالی انتظامی مصوب ۱۳۳۷ بوده که اعتبار این قانون همچنان راجع به وکلای دادگستری باقی است.

۲- در زمان حیات مرحوم دکتر احمدی نسب موضوع در دادگاه عالی تجدید نظر انتظامی قضات به تصدی جناب سید احمد مرتضوی مقدم، جناب نبی الله داودی مازندرانی و جناب سید جواد حسینی اراکی مطرح شده و تجویز اعاده دادرسی صورت گرفت. فوت محکوم علیه مانع رسیدگی به اعاده دادرسی نشده و پس از تجویز در شعبه سوم دادگاه محترم عالی انتظامی قضات باتصدي جناب دکتر رضا وصالی محمود جناب ضیاء الدینی و جناب دکتر سید حمیدرضا حسینی مورد رسیدگی قرار گرفت

۳- شعبه سوم دادگاه عالی انتظامی با پذیرش اعاده دادرسی و نقض دادنامه شعبه اول و تایید دادنامه اصداری از شعبه ششم دادگاه انتظامی وکلا و با حذف برخی از عناوین و حذف دو درجه تشدید میزان محرومیت را همان محرومیت موقت مندرج در دادنامه دادگاه انتظامی وکلا اعلام نمود. (وکلاپرس)

نکته

مسئله «تایید فسخ قرارداد»

درسنامه‌های حقوقی برای زندگی روزمره – ۱۰۵

مهتاب سحابی
وکیل دادگستری

این هفته مسئله صلاحیت دادگاه‌های صلح در باب دعاوی ملکی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. ابتدا متن قانون جدید شورای حل اختلاف (صلح) را می‌آوریم تا ببینیم در این ماده صلاحیت این دادگاه چگونه تعیین شده است:

ضمن ماده ۱۲ قانون جدید شورای حل اختلاف مقرر شده است، صلاحیت‌های دادگاه صلح به شرح زیر است:

۱) دعاوی مالی تا نصاب یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

۲) دعاوی حقوقی تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق

۳) دعاوی راجع به جهیزیه، مهریه و نفقه تا نصاب مقرر در بند (۱) این ماده درصورتی که مشمول ماده (۲۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ نباشد

۴) دعاوی و درخواست‌های مربوط به تخلیه عین مستأجره و تعدیل اجاره‌بها به‌جز دعاوی مربوط به سرقفلی و حق کسب و پیشه

۵) اعسار از پرداخت محکوم‌به درصورتی که دادگاه صلح نسبت به اصل دعوا رسیدگی کرده باشد

۶) حصر ورثه، تحریر ترکه، مهر و موم و رفع آن

۷) تأمین دلیل

۸) تقاضای سازش موضوع ماده (۱۸۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱

۹) جنبه عمومی و خصوصی کلیه جرائم غیر عمدی ناشی از کار یا تصادفات رانندگی

۱۰) جرائم عمدی تعزیری مستوجب مجازات درجه هفت و هشت

۱) دعاوی اصلاح شناسنامه، استرداد شناسنامه، اصلاح مشخصات مدرک تحصیلی (به‌استثنای مواردی که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است)، الزام به اخذ پایان کار، اثبات رشد، الزام به صدور شناسنامه، تصحیح و تغییر نام.

و حالا چندنکته در خصوص دعاوی ملکی در این ماده:

۱. همانطور که از نص یا متن ماده بر می‌آید دعاوی مالی تا نصاب ۱۰۰ میلیون تومان در صلاحیت دادگاه صلح است. بنابراین در صورتی که شما دادخواست الزام به تنظیم سند رسمی، الزام به خلع ید یا اثبات مالکیت و دعوی مالی ملکی امثال این‌ها را ارایه کنید؛ در صورتی در صلاحیت دادگاه صلح قرار می‌گیرد که تا نصاب ۱۰۰ میلیون تومان باشد و نه بیشتر.

۲. اگر شما بیش از یک خواسته داشته باشید و هر کدام تا ۱۰۰ میلیون تومان تقویم شود، دادگاه صلح، صالح به رسیدگی است. چراکه بنا بر اصل استقلال خواسته، هر خواسته مستقلا مورد بررسی قرار می‌گیرد و مجموع خواسته‌ها ملاک تعیین صلاحیت رسیدگی نخواهند بود. پس نمی‌توان خواسته‌ها را جمع زد و پرونده را از صلاحیت دادگاه صلح خارج کرد.

۳.به موجب قانون جدید، درست یا غلط، شرایط به گونه‌ای است که اختیار تعیین دادگاه با تقویم خواسته با خواهان خواهد بود. به بیان ساده‌تر شما می‌توانید دعوی مالی ملکی خود را به کمتر از ۱۰۰ میلیون تومان تقویم کرده و در دادگاه صلح رسیدگی شود و یا اینکه به بیش از ۱۰۰ میلیون تومان تقویم کرده و به دادگاه عمومی حقوقی ارجاع شود.

۴. درخصوص قابلیت تجدیدنظر در دادگاه صلح است که به موجب قانون، دعاوی در صلاحیت دادگاه صلح که خواسته آن بیش از ۵۰ میلیون تومان باشد قابل تجدیدنظر است. بنابراین خواسته کمتر از ۵۰ میلیون تومان قطعی و غیر قابل تجدیدنظر است.

۵.در مورد نکته پیشین، بحث خواسته است و نه بهای خواسته یا همان مبلغی که در تقویم خواسته مقرر می‌شود. به عبارت دیگر اگر خواسته مالی قابل تقویم باشد و شما به بیش از ۱۰۰ میلیون تومان تقویم کنید، دعوی شما به دادگاه عمومی ارجاع خواهد شد.

۶. دعاوی در صلاحیت دادگاه صلح، قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان تهران است، درست مشابه دعوی دادگاه عمومی.

حالا در پایان، متن قانون درخصوص قابلیت اعتراض دعاوی در صلاحیت دادگاه صلح را بخوانید:

آرای دادگاه صلح، قطعی است مگر در موارد زیر که قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان است:

الف- دعاوی موضوع بند (۱) این ماده درصورتی که خواسته بیشتر از نصف نصاب مذکور در آن بند باشد.

ب- موارد موضوع بند (۹) این ماده نسبت به دیه یا ارش، درصورتی که میزان یا جمع آن‌ها بیش از یک دهم دیه کامل یا معادل آن باشد.

پ- موارد مذکور در بندهای (۲)، (۳) و (۴) این ماده؛

ت- موارد موضوع بند (۵) این ماده مشروط به اینکه اصل دعوا قابل اعتراض باشد.

ث- جنبه عمومی جرائم غیر عمدی موضوع بند (۹) درصورتی که مجازات قانونی آن درجه شش یا بیشتر باشد.

ج- جرائم عمدی تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها حبس درجه هفت باشد.

وب سایت: mahtabsahabi.com
اینستاگرام: vakil_sahabii@

روزی روزگاری وکالت (۳۵)

وکالت دادگستری؛ اجباری یا اختیاری؟

وکیل داشتن الزامی می‌شود

ابراهیم ایوبی
وکیل دادگستری

عقل حکم می‌کند برای انجام هر کاری به کارشناس مراجعه شود. مردم در عمل تا حدی همین کار را انجام می‌دهند؛ برای نمونه هیچ فردی بیماری خود را جراحی نمی‌کند یا شخصی که اطلاعات مهندسی ندارد، به ساخت عمارت نو نمی‌پردازد. اما وقتی پای علوم انسانی به عمل می‌آید، انسان‌ها کمتر به مشورت گرفتن علاقه نشان می‌دهند. نوعی اعتقاد به این که موضوع را خودمان بهتر می‌دانیم! بارها دیده شده که در صورت وقوع یک مشکل حقوقی، دوستان و آشنایان با قاطعیت وصف‌ناپذیری به ارائه راه حل می‌پردازند. حتی اگر یک وکیل دادگستری در جمع باشد و هشداری بدهد، با جملاتی مثل «شما اطلاع نداری» رو به رو خواهد شد! به عنوان یک وکیل دادگستری اجبار کردن مردم به وکیل داشتن و این که شهروندی از روی الزام قانونی به دفترم مراجعه کند، برایم خوشایند نیست. اما تجربه بشری به این سمت رفته و چند روز پیش، یکی از همکاران بسیار نازنینم بیان کرد که در کشور کانادا، پذیرش بسیاری دعاوی، نیازمند داشتن وکیل دادگستری است.

پیش از تشکیل دادگستری نوین در سال ۱۳۰۷، وکالت دادگستری در محاکم عرفیه و شرعیه پذیرفته شده بود. علی اکبر داور وزیر دادگستری دوران پهلوی اول، بر اساس اعلامیه‌ای که در اجرای ماده ۱۲ برنامه دولت حسن مستوفی الممالک صادر شده بود، در ۲۰ بهمن ۱۳۰۵ تشکیلات عدلیه را منحل و بلافاصله لایحه‌ای با قید دو فوریت در زمینه اصلاح دادگستری در ۲۷ بهمن به مجلس تسلیم کرد. او دو اصل اصلاحات خود را در جلسه مجلس شورای ملی این گونه بیان کرد: «رفع نواقص قوانین که به موجب تجربه و عمل مشهود گردیده و اصلاح تشکیلات عدلیه از حیث صلاحیت اشخاص و مقامات». داور در ۲۰ آبان ۱۳۰۹ کانون وکلای عدلیه را افتتاح نمود و خودش ریاست آن را عهده دار شد. در این دوران و حتی در سال ۱۳۳۱ که کانون وکلا از تشکیلات دادگستری مستقل شد، اجباری بودن استفاده از وکلای دادگستری در میان نبود. در ۱۷ خردادماه ۱۳۵۶ قانونی با نام «اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری» از تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی گذشت. در ماده ۳۲ آن آمده بود: «در نقاطی که وزارت دادگستری اعلام می‌کند اقامه تمام یا بعضی از دعاوی حقوقی و نیز شکایت از آرا و دفاع از آن‌ها در دادگاه‌های دادگستری با دخالت وکیل دادگستری خواهد بود. کانون وکلای دادگستری مکلف به تأمین وکیل معاضدتی برای اشخاص بی‌بضاعت یا کسانی است که قادر به تأدیه حق‌الوکاله در موقع انتخاب وکیل نیستند. تشخیص عدم بضاعت یا عدم توانایی اشخاص برای تأدیه حق‌الوکاله با دادگاه مرجع رسیدگی به دعوی و در مورد شکایت فرجامی با دادگاهی می‌باشد که رأی مورد شکایت فرجامی را صادر کرده است. هرگاه پس از ابلاغ تصمیم وزارت دادگستری به الزامی بودن دخالت وکیل امکان تعیین وکیل معاضدتی در محل محدود گشته و یا به علت افزایش دعاوی امکانات مذکور با میزان احتیاجات محل هماهنگ نباشد وزارت دادگستری می‌تواند تا تأمین امکانات متناسب اجرای تصمیم مزبور را موقوف سازد.»

در دوران ریاست سیدمحمود هاشمی شاهرودی بر قوه قضائیه «آیین نامه اجرای ماده ۳۱ و ۳۲ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری» در تاریخ ۵ خرداد ۱۳۸۴ به تصویب او رسید. بر اساس ماده ۱ این آیین نامه شانزده ماده‌ای: «اقامه کلیه دعاوی مدنی و حقوقی و نیز شکایت از آراء و دفاع از آن‌ها در دادگاه‌های دادگستری با دخالت وکیل دادگستری یا مشاوران حقوقی ماده ۱۸۷ قانون برنامه توسعه خواهد بود». آیین نامه اجرا، ولی بعد مدت کوتاهی، شاید به دلیل ناموفق بودن، کنار گذاشته شد.

۲۹ مهرماه امسال لایحه‌ای با عنوان «لایحه اصلاح قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی» توسط مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد. لایحه ۱۸۸ ماده از ۵۲۹ ماده قانون کنونی را تغییر می‌دهد که انقلابی در زمینه ساختار، مفاهیم و رویه‌های دادرسی مدنی خواهد بود. مطابق ماده ۲۸ لایحه پیشنهادی: «تقدیم دادخواست در تمام دعاوی مدنی اعم از نخستین، واخواهی، تجدیدنظر و فرجام باید به وسیله وکیل دادگستری به عمل آید. در صورتی که دادخواست به وسیله اصیل تقدیم شود و وی هم زمان با آن وکیل خود را معرفی ننماید، از موارد نقص دادخواست تلقی و برابر مقررات مربوط نسبت به رفع نقص اقدام می‌شود.» به این ترتیب در همه دعاوی مدنی داشتن وکیل الزامی خواهد شد. در تبصره یکم ماده، نحوه اجرای الزامی بودن وکیل در حوزه‌های قضایی برعهده رئیس قوه قضائیه گذاشته شده که در دعاوی مالی ظرف مدت دو سال و در دعوای غیرمالی ظرف مدت پنج سال به اجرا در خواهد آمد. در تبصره دوم، پیش‌بینی شده که دادخواست‌دهنده با ادعای عدم تمکن مالی می‌تواند از دادگاه درخواست تعیین وکیل معاضدتی نماید که احراز آن با قاضی است و بعد از اثبات مرجع تعیین (کانون وکلا) ظرف سه روز باید وکیل معرفی کند. باید ماند و دید دستگاه قانون گذاری (مجلس، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام) با این لایحه مهم چه خواهد کرد.

***برای ارتباط با وکیل می‌توانید به ایمیل زیر یا آی دی EbrahimAyoubi در شبکه ایکس (توییتر) رجوع کنید.**
ebrahim.ayoubi@ut.ac.ir

رای

تزریق خون باعث مرگ شده یا سرطان پروستات؟

این هفته رایی در مورد یک پرونده شکایت از پزشک را بررسی می‌کنیم که ۸ بهمن ۱۴۰۱ توسط دادگاه بدوی کیفری صادر شده است. کیفرخواستی صادر شده است علیه دو خانم به نام‌های فرضی سمیرا و شادی. فرد اول کارشناس پرستاری شیفت شب و فرد دوم مسئول تحویل خون در یک بیمارستان بوده است.

یک آقا با نام فرضی مراد با سرطان پیشرفته پروستات و ضعف جسمانی شدید و سن بالا به بیمارستان منتقل می‌شود. شب هنگام است و کارشناس پرستاری شیفت شب یعنی خانم سمیرا، یک کیسه خون را از آزمایشگاه دریافت کرده است ولی این کیسه خون با گروه خونی بیمار مطابقت ندارد. به عبارت دیگر گروه خونی این آقا او مثبت است ولی گروه خونی بی مثبت به او تزریق می‌شود.

۳۵ دقیقه پس از تزریق این کیسه خون ناسازگار، کادر درمان متوجه این خطا می‌شوند و عملیات درمانی موثر واقع نمی‌شود و آن مرد فوت می‌کند.

اولیای دم فرد متوفی از این دو خانم شکایت می‌کنند و مرجع انتظامی هم گزارش خود را می‌دهد و پزشکی قانونی هم نظریه بدوی و تکمیلی خود را صادر می‌کند.

حالا ببینیم که نظر دادگاه چیست. دادسرا در مرحله کیفرخواست به اتهام قتل غیرعمدی مرحوم مرتضی گفته که هر کدام از این دو نفر پنجاه درصد مقصرند ولی دادگاه با این نظر موافق نیست. چرا؟

چون با توجه به نظریه پزشکی: قصور کادر پزشکی در فوت متوفی ۲۰ درصد تاثیر داشته و مابقی (۸۰ درصد) به زمینه مساعد بیماری پیشرفته سرطان پروستات و ضعف جسمانی شدید و سن بالا مرتبط بوده است. به عقیده دادگاه و طبق نظر پزشکی قانونی تزریق این حجم خون ناسازگار در تمامی سنین مختلف، با یا بدون بیماری زمینه‌ای اساسا کشنده نبوده و پس از قطع تزریق با بکارگیری تدابیر درمانی لازم، می‌توان از بروز عوارض و عواقب جدی و مرگ پیشگیری کرد.

بنابراین به عقیده دادگاه:

کارشناس پرستاری شیفت شب (ردیف اول) به دلیل عدم تطبیق کیسه خون دریافتی از آزمایشگاه با گروه خون بیمار و عدم نظارت مناسب بر فرایند تزریق خون و ردیف دوم به دلیل عدم حصول اطمینان و سهل انگاری در تحویل خون رزرو شده بیمار به بخش، مرتکب قصور پزشکی از نوع بی‌مبالاتی شده‌اند.

دادگاه بزه انتسابی را محرز دانسته و با انطباق رفتار ارتکابی با مواد ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۹۲ هر یک از متهمان مذکور را بابت جنبه عمومی جرم به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم لیکن به لحاظ فقدان سابقه کیفری به استناد مواد ۴۶-۵۲-۵۴ قانون اخیرالذکر قرار تعلیق اجرای مجازات را به مدت دو سال صادر می‌کند.

و در خصوص دیه متعلقه، ظرف دو سال از تاریخ وقوع بزه ردیف اول را به پرداخت ۱۵ درصد و ردیف دوم ۵ درصد از یک فقره دیه کامل در حق اولیای دم محکوم می‌کند.

البته رای صادره ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم محترم تجدیدنظر بوده است.

پارکه / مصطفی آرانی

چطور می‌توانم خیانت نکردنم را ثابت کنم؟

پاسخ به سوالاتی در مورد شکایت از فروشنده موبایل پس از دو سال، پس گرفتن وکالت طلاق از همسر و قصور اپراتور لیزر

این هفته به چهار سوال مطرح‌شده از سوی مخاطبان سایت دادراه پاسخ می‌دهیم:

سوال: دو سال پیش پسرم فوت کرد. من آن موقع گوشی دستم نبود و بعد از چند وقت گوشی شوهرم دستم بوده است. شوهرم همیشه به من افترا و تهمت می‌زند که تو با دوست من رابطه داشتی. آبروی مرا برده است. چطور می‌توانم بی‌گناهی خود را ثابت کنم؟ آیا می‌شود ریز مکالمات و پیام‌ها را درخواست کرد؟ من هیچ خیانتی نکردم و هیچ رابطه‌ای با کسی به غیر از او نداشتم.

پاسخ: اول اینکه کسی نباید بی‌گناهی خود را ثابت کند بلکه کسی که مدعی گناهکاری دیگری است باید برای ادعای خود دلیل بیاورد. ثانیا شما می‌توانید به دادگاه شکایت ایراد تهمت و افترا و به طور مشخص قذف یا رابطه نامشروع داشته باشید و در صورتی که همسر شما نتواند آن را ثابت کند به حد محکوم خواهد شد. در جریان این روند، دادگاه می‌تواند دستور گرفتن ریز شماره‌هایی که با آن‌ها تماس گرفته شده یا با آن‌ها پیامک رد و بدل شده را نیز صادر کند.

سوال: به آقایی دو سال پیش یک گوشی فروختم. الان رفته و به استناد کارت به کارتی که کرده از من شکایت کرده است. می‌خواستم بدانم باید چه کنم؟

پاسخ: باید مشخص شود که این شکایت به چه دلیل بوده است. با این حال بعید است که بتواند کاری از پیش ببرد چون به طور مثال اگر مدعی باشد که این گوشی معیوب بوده است؛ استناد به خیار عیب فوری است و بعد از دو سال نمی‌توان آن را به جریان انداخت.

سوال: بنده به همسرم وکالت بلاعزل برای طلاق دادم. آیا در حال حاضر با رضایت همسرم می‌شود این وکالت را باطل کرد؟

پاسخ: بله. همسر شما وکیل شماست و می‌تواند خود از این سمت استعفا بدهد. البته این موضوع را باید در دفتر اسناد رسمی ثبت کنید.

سوال: من یک اپراتور آموزش‌دیده لیزر هستم و مدرک هم دارم. دو ماه و نیم پیش برای شخصی لیزر کردم و دست فرد سوخت. دلایل سوختن دست این فرد این بود که ۱. در کلینیک پرونده مراجع که در جلسات قبل آمده بود و با چه درجاتی لیزر کرده بودند را به من ندادند که من بدانم چه درجه‌ای باید بزنم ۲ـ مراجعه‌کننده روز قبل آفتاب گرفته بود و نباید لیزر می‌کرد و در جلسه اول به مراجعه اطلاع داده شد که اگر آفتاب بگیرد نباید لیزر کرد (شاید کلینیک به مراجع نگفته بود که نباید آفتاب بگیری) ۳ـ تست شات گرفتم که ببینم مراجع درد دارد یا نه که اگر درد زیادی هست من با انرژی پایین‌تر بزنم که مراجع گفت مشکلی نیست انجام بده. چند بار هم پرسیدم و همین را گفت در صورتی که خیلی درد داشت و پنهان کرده بود. ۴. مراجع به من دروغ گفت چون به جای ۳ جلسه، ۶ جلسه آمده بود و همه این‌ها باعث شد که من با انرژی بالا لیزر بزنم. حالا چه کسی مقصر است؟

پاسخ: در این مورد باید به نظر کارشناس مراجعه کرد ولی ظاهر امر این است که شما مقررات لازم را رعایت کرده و مراقبت کافی را داشتید و از این قصور یا تقصیری متوجه شما نیست. (داشتن مدرک تخصصی لیزر، گرفتن تست شات و پرسیدن بابت درد داشتن یا نداشتن).

پارکه دوشنبه هر هفته در همین صفحه، به پرسش‌های حقوقی شهروندان پاسخ می‌دهد. شما هم می‌توانید سوالات خود را به دو نشانی الکترونیکی زیر یا پیامک ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷ ارسال کنید:
PR@7sobh.com
Mo.masjedi@gmail.com

درسنامه

پوشاندن پلاک خودرو جرم است؟

آنچه یک شهروند باید از حقوق کیفری بداند – ۵۱

آرمان احمدی
وکیل پایه یک

هر خودرو دارای پلاکی است که هویت آن را نشان می‌دهد. از این رو هرگونه مخدوش کردن پلاک و یا ایجاد آسیب به آن جرم شناخته می‌شود و فرد متخلف باید مجازات آن را متحمل شود. بارها پیش آمده که هنگام تردد در خیابان یا معابر عمومی خودرو یا موتورسیکلتی را مشاهده کرده‌ایم که به روش‌های مختلف و حتی خیلی ساده، بخش یا تمام قسمت پلاک وسیله نقلیه خود را پوشانده یا مخدوش کرده است. در خوشبینانه‌ترین حالت این کار توسط کسانی انجام می‌شود که سعی در دور زدن قوانین راهنمایی و رانندگی دارند و تلاش می‌کنند از نگاه دوربین‌های طرح ترافیک یا محدودیت‌های ترافیکی فرار کنند اما در بدبینانه‌ترین حالت آن می‌توان به این مطلب اشاره کرد که بسیاری از سارقان و تبهکاران برای فرار از دست قانون و عدم شناسایی از سوی ماموران پلیس، به هنگام اعمال خلاف قانون و مجرمانه خود، اقدام به پوشاندن پلاک و یا مخدوش کردن آن می‌کنند. حتی اگر فردی هم خلافکار نباشد، با دستکاری کردن پلاک یا موتورسیکلت، خود را به عنوان فردی خلافکار به جامعه معرفی می‌کند. به همین خاطر است که وقتی راننده‌ای را با پلاک مخدوش می‌بینیم، بعید به نظر می‌رسد که در موردش گمان منفی نکنیم. روش‌های بسیاری برای مخدوش کردن و پنهان کردن پلاک خودرو وجود دارند که موثرترین و رایج‌ترین حالت آن دستکاری ارقام و تمامی مشخصات مختلف آن می‌باشد. به طور مثال رانندگان با استفاده از ماسک، چسباندن آدامس و یا دستمال اقدام به دستکاری پلاک خودروی خود می‌کنند. براساس ماده ۷۲۰ قانون مجازات اسلامی هرکس ارقام و مشخصات پلاک وسایل نقلیه موتوری، زمینی، آبی یا کشاورزی را تغییر دهد یا پلاک وسیله نقلیه موتوری دیگری را به آن الصاق کند یا برای آن پلاک تقلبی به کار برد یا چنین وسایلی را با علم به تغییر و یا تعویض پلاک تقلبی مورد استفاده قرار دهد و همچنین هرکس به نحوی از انحاء در شماره شاسی، موتور یا پلاک وسیله نقلیه موتوری یا پلاک‌های موتور و شاسی که از طرف کارخانه سازنده حک یا نصب شده بدون تحصیل مجوز از راهنمایی و رانندگی تغییر دهد و آن را از صورت اصلی کارخانه خارج کند، به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. چه مواردی مشمول جریمه پلاک مخدوش می‌شود؟ همان طور که پیش از این هم اشاره کردیم، انجام دادن هر کاری که باعث شود پلاک خودرو به درستی خوانده نشود، مشمول جریمه پلاک مخدوش خواهد شد. برخی از مهم‌ترین روش‌های مخدوش کردن پلاک خودرو شامل این موارد است: مسدود کردن پلاک با پارچه، دستمال یا هرگونه شی دیگر، مخدوش کردن پلاک خودرو با تافت، استفاده از نور به نحوی که پلاک خوانا نباشد، تغییر و یا ناخوانا کردن حروف و اعداد پلاک و جابه‌جا کردن و نصب پلاک در محلی غیر از مکان اصلی، مانند پشت شیشه.

***برای ارتباط با ایشان می‌توانید با صفحه اینستاگرامی armanahmadi7 تعامل کنید.**

آخر هفته

خرده روایت‌های شهر شلوغ
صفحه ۱۰

عملیات نجات گاریدو موفق بود
صفحه ۱۲

حرف های داغ هفته

اکبر منانی

پوآرو به‌خصوص این ۱۰ قسمت آخر سخت‌ترین کاری بود که من در تمام این شصت سال و اندی انجام دادم، به این دلیل که در این ۱۰ قسمت این شخصیت خیلی تنها بود، رقبایش نبودند، رئیسش نبود، منشی‌اش نبود، دستیارانش نبودند و همه کارهایش را خودش انجام می‌داد. پوآرو نقشی است که خیلی حالات درونی دارد، رفتار و حالات مخصوص در راه رفتن، حرف زدن و خوابیدن دارد و کاملا شخصیت متفاوتی است. به‌ویژه پارت آخر کار که به اصطلاح در حال مرگ است و البته نمی‌میرد اما گرفتاری دارد و این برای من خیلی سخت بود... امیدوارم این سریال و نتیجه کار من مورد پسند مخاطبان قرار بگیرد.

ایسنا
۱۷ آذر

علیرضا زرین‌دست

داریوش مهرجویی دارای نگاهی بسیار گسترده بود و این موضوع تنها محدود به یک زاویه نبود، چراکه او ابعاد مختلف زندگی را رصد و آن را در آثار خود منعکس می‌کرد. زمانی که او فیلمنامه «پری» را در اختیار من قرار داد، نکاتی را در آن کشف کردم و به مهرجویی اعلام کردم که این نکات می‌تواند به شکل برجسته‌تری وارد جهان فیلم شود. او با این ایده موافقت کرد و به من گفت برای انجام ایده‌های مطرح شده نیاز دارد تا در حدود ۱۵ روز آغاز فیلمبرداری «پری» با تاخیر همراه شود. زمانی این فیلم ساخته شد، نسبت به آنچه در فیلمنامه بود با اثر بهتری مواجه شدیم.

مراسم تولد مهرجویی
۱۷ آذر

داریوش ارجمند

معلوم است. جهان، نو به نو می‌شود. نسل‌ها می‌روند و نسل‌های دیگر می‌آیند. این در جهان، جبری است. سینمای هر مملکتی را نگاه کنید، می‌بینید، پیر و پاتال‌ها رفتند و جوان‌ها آمدند. یک موقعی یک جایی می‌گفتم هنرپیشه‌های جوانی که می‌آیند باید مثل طوفان بیایند ما را بروبند و ما را بیندازند دور و جایمان را بگیرند ولی کو؟ منتها باید ببینیم جوان‌هایی که می‌آیند در چه حدی هستند، چگونه هستند. یعنی جایگاه سینما را حراست و حفاظت می‌کنند یا نه؟ نکته مهمش فقط همین است. والا به همه جوان‌هایی که می‌آیند خوش‌آمد می‌گوییم. باید هم بیایند.... من هیچ کاری را نگاه نمی‌کنم. من اصلا سینما نمی‌روم.

ایرنا
۱۷ آذر

فریدون جیرانی

(بخشی از یادداشت درباره وضعیت سینما) سینمای عامه‌پسند در این شرایط دارد به هر دری می‌زند تا با محدودیت‌های اجتماعی مقابله کند و به جامعه تغییر یافته نزدیک شود تا این تماشاگر را داخل سالن سینما شاد کند؛ این سینما مبتذل نیست، این سینما برای حفظ بقا مجبور است، مردان را برقصاند، ترانه‌های قدیمی را بازسازی کند تا خاطرات گذشته‌های را که امروز برای خیلی‌ها دوست داشتنی شده است، زنده کند. اصلا این همه رقص مردان در سینمای عامه‌پسند یک جور اعتراض است به حکمرانی در حفظ محدودیت‌های اجتماعی، در حالیکه جامعه تغییر کرده است. هنوز تلویزیون سازنشان نمی‌دهد و خوانندگان مرد در خلا آواز می‌خوانند و...

ایسنا
۱۸ آذر

محمدرضا اصلانی

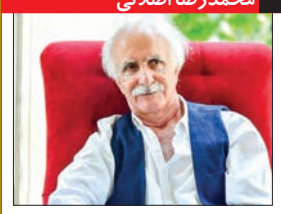

سینمای مستند ما در ورطه گزارشگری خود را خلاصه کرده و ساختارهای تحلیل در آن ضعیف شده است. البته این موضوع جزء جریان‌های روزمره است و سینمای مستند نه‌تنها در ایران بلکه در همه کشورها افت و خیزهای بسیاری داشته. سینمای مستند نه‌تنها می‌تواند یک گردش اجتماعی در سطح ملی داشته باشد بلکه می‌تواند گردش جهانی هم داشته باشد که متاسفانه در حال حاضر وجود ندارد. وقتی پشت چیزی اقتصاد نباشد مهجور خواهند ماند. این روزها اقتصاد فرهنگ یا هنر یک اصطلاح شده است در حالیکه اقتصاد هنر درباره سینمای مستند اصلا مطرح نشده بنابراین باید دید چگونه می‌شود فیلم مستند را در یک گردش اقتصادی وارد کرد.

موزه سینما
۱۷ آذر

چهره هفته

سوگل طهماسبی

رویای نیمه شب سوگل

عطیه در سریال «رویای نیمه شب» تازه‌ترین فعالیت بازیگری سوگل طهماسبی است. از نکات قابل توجه پروژه اینکه او بار دیگر مقابل دوربین یک سریال تاریخی رفته و دومین همکاری‌اش با حسن آخوندپور رقم خورده. سال پیش طهماسبی را در سریال دیگر این کارگردان یعنی «عشق کوفی» دیدیم. آنجا نقش زنی عرب به نام تلما را برعهده داشت که آرام آرام از یک انسان مهربان، تبدیل به فردی کینه‌توز شد. سوگل طهماسبی عملکردی قابل تحسین در سریال داشت و یکی از بهترین نقش‌آفرینی‌های کارنامه‌اش به بار نشست. حالا آن پیشینه انتظارات را از بازیگر و نیز کارگردان بالا برده تا شاهد یک بازی خوب و یک سریال موفق دیگر باشیم. «نجلا» از دیگر آثار مطرح و شاخص سال‌های اخیرِ طهماسبی است اما به نظر همچنان «عشق کوفی» را باید ویژه‌ترین عملکرد او بدانیم. این بازیگر در «رویای نیمه شب» گریمی متفاوت از تجربه قبلی هم دارد و در آن با بازیگرانی چون بهاره افشاری، حسن معجونی، مه‌لقا باقری، محسن قصابیان، نسیم ادبی، سعید شریف، نادر سلیمانی و آیدا ماهیانی همبازی است. همچنین یادآور شویم که تصویربرداری سریال تمام شده است.

این فیلم ها را ببینید

آن سوی ابرها / جمعه / ساعت ۲۰:۳۰ / شبکه چهار

- کارگردان: مجید مجیدی
- تهیه‌کننده: کیشور آرورا
- نویسنده: مجید مجیدی
- بازیگران: ایشان خاطر، مالاویکا موهانان و گوتام گوس
- محصول: ایران / ۲۰۱۷

امیر نوجوانی است که به‌عنوان پخش‌کننده مواد برای یک قاچاقچی در بمبئی کار می‌کند. در پی اختلاف مالی با این قاچاقچی، او امیر را به پلیس فروخته و امیر در راه فرار از دست پلیس به تنها خواهرش برمی‌خورد. امیر یک بسته هروئین به خواهرش می‌دهد تا برای او پنهان کند. خواهر او تارا فردای آن روز که برای برداشتن بسته می‌رود درمی‌یابد بسته را صاحب کارش آکشای که به او هم نظر دارد، برداشته. او با آکشای درگیر می‌شود و او را مضروب می‌کند. پلیس تارا را گرفته و آکشای به آی‌سی‌یو می‌رود.

حوض نقاشی / جمعه / ساعت ۲۳ / شبکه نمایش

- کارگردان: مازیار میری
- تهیه‌کننده: منوچهر محمدی
- نویسنده: حامد محمدی
- بازیگران: شهاب حسینی، نگار جواهریان، فرشته صدرعرفایی
- محصول: ایران / ۱۳۹۱

رضا و مریم، زوجی هستند دچار معلولیت ذهنی اما سهیل، پسر ۱۱ ساله‌شان از لحاظ جسمی، کاملاً سالم و عادی است. رضا و مریم زندگی عاشقانه‌ای را سپری می‌کنند تا وقتی که سهیل به دلایلی شروع می‌کند به بهانه‌گیری کردن از پدر و مادرش؛ اینکه نمی‌توانند مثل پدر و مادری عادی رفتار کنند. او که از داشتن چنین پدر و مادری احساس شرمندگی می‌کند، تصمیم می‌گیرد پیش خانم معلمش زندگی کند و در واقع پسر او باشد. خانم معلم از رضا و مریم می‌خواهد چند روزی را به سهیل فرصت دهند.

گودزیلا / پنجشنبه / ساعت ۲۲ / شبکه فراتر

- کارگردان: گرت ادواردز
- تهیه‌کننده: جون جاشنی، مری پرنت
- فیلمنامه: مکس بورنشتاین
- بازیگران: ژولیت بینوش، آرون تایلر جانسون، برایان کرانستون
- محصول: آمریکا / ۲۰۱۴

این از آن قصه‌هایی است که تماشای ۴K آن قطعا جذابیت مضاعف دارد؛ دکتر سریزاوا دانشمند مونارک، در زیر زمین دو تخم را کشف می‌کند که متعلق به هیولایی باستانی به نام موتو است که از تشعشعات هسته‌ای تغذیه می‌کند. یک هیولا پیش از این از تخم خود خارج شده و هیولای بالدار دوم نیز از تخم بیرون آمده و با نابودی یک تأسیسات سری فرار می‌کند. گودزیلا با این مهمان ناخوانده وارد جنگی می‌شود که نتیجه‌اش نابودی تکنولوژی‌های انسانی و تخریب بخش بزرگی از شهر سانفرانسیسکو و... آمریکاست. درنهایت گودزیلا باعث نابودی موتو می‌شود.

پیشنهاد ویژه هفته

سریال «سیلو» | فیلمنت

نمای کلی

- کارگردان: دیوید سمل
- نویسنده: جسیکا بلر
- تهیه‌کننده: اریک آولینو
- بازیگران: ربکا فرگوسن، ایان گلن، ویل پیتون
- محصول: آمریکا / ۲۰۲۳
- زبان: انگلیسی / زیرنویس، دوبله
- زمان: ۵۰ دقیقه

درباره سریال

خب این‌بار هم پای یک اقتباس در میان است. اگر اهل دنبال کردن سریال‌های روز هستید، حتما اطلاع دارید که بخش عمده‌ای از جذابیت این سریال‌ها، برخاسته از ریشه اقتباسی آن‌ها از دنیای کلمات و ادبیات است. سریال «سیلو» هم براساس سهگانه پرفروشی به قلم هیو هاوی به همین نام ساخته شده و داستان یک جامعه دیستوپیایی زیرزمینی را روایت می‌کند. سریالی که اگرچه طرح داستانی آن ساده بنظر می‌رسد، اما معماها و اسرار زیادی دارد. این سریال که در ابتدا «پشم» نام داشت، برای طرفداران ژانر علمی-تخیلی در حکم جانشینی برای «بازی‌های گرسنگی» محسوب می‌شد. سریالی که طرفداران این ژانر را هیجان‌زده کرد و آنقدر استقبال از آن بالا بود که در کمتر از یک سال حالا شاهد پخش فصل دوم آن با مجراهایی پیچیده‌تر و کنجکاوی‌برانگیزتر هستیم.

درباره داستان

سریال سیلو، در دنیایی ویران‌شده، مردان و زنان زیادی در یک سیلوی بزرگ با مقرراتی سخت و عجیب زندگی می‌کنند اما مردم آنجا فکر می‌کنند تمام این کارها برای آینده‌ای بهتر است. در فصل دوم یکی از کاراکترهای اصلی به نام جولیئت وارد سیلوی دیگری می‌شود؛ سیلویی که بیرونش پر از اجساد ساکنان قبلی است که ظاهرا پس از شورش از آن خارج شده بودند. سیلو ویران شده است، در ظاهر خالی به نظر می‌رسد و طبقه‌های پایینی‌اش هم در آب فرو رفته است. پل ارتباطی با بخش آی‌تی سیلو هم از بین رفته و به همین دلیل جولیئت، پلی موقت را برای دسترسی به این بخش می‌سازد. در بازگشت به گذشته واقعیت‌هایی درباره زندگی او عیان می‌شود و می‌بینیم که جولیئت جوان، زندگی جدیدش را در بخش فنی شروع می‌کند.

نگاه منتقدان

گاردین درباره سریال «سیلو» نوشته است: «فصل اول سریال هوشمندانه، مبتکرانه و اغلب هیجان‌انگیز بود؛ و جالب اینکه فصل دوم حتی بهتر هم هست. سریال هنوز ضرباهنگ آهسته‌ای دارد و از نظر بصری بسیار تیره‌وتار است (آنقدر که برای بهتر دیدنش باید تلویزیونی روشن در اتاقی کاملا تاریک داشته باشید) اما زیباشناسی در خدمت سریال است.» منتقد تلگراف هم معتقد است: «تفسیر اجتماعی را فراموش کنید، چون این فقط یک سریال ویران‌شهری (دیستوپیایی) سیاه و سرگرم‌کننده است. در چنین اقتباس جواهرگونه و قدرندیده‌ای از یک رمان کالت، ربکا فرگوسن هم با سبک و سیاق خاص خود ماموریتش را به کمال انجام داده است.» امپایر هم درباره آن نوشت: «همچنان سیلو، سریالی درگیرکننده و جذاب است که شما را به این اندیشه وامی‌دارد که آیا دانه‌ای حقیقت در میان دروغ‌ها یافت می‌شود؟»

فیلم‌های آخر هفته

شبکه نمایش
پنجشنبه ۲۲ آذر
کوچک جنگلی / ساعت ۱۳
ملاقات با آقای مجری / ساعت ۱۵
خداحافظ استلا / ساعت ۱۷
روز دوازدهم دسامبر / ساعت ۱۹
برادر / ساعت ۲۱
آتش‌افروز / ساعت ۲۳
جمعه ۲۳ آذر
جاسوسی که از سردسیر آمد / ساعت ۱
هیام / ساعت ۱۱
حوض نقاشی / ساعت ۱۳
چمدان / ساعت ۱۹

شبکه یک
پنجشنبه ۲۲ آذر
مناظره / ساعت ۲۳:۳۰
جمعه ۲۳ آذر
خوش رکاب / ساعت ۱۶

شبکه دو
پنجشنبه ۲۳ آذر
یتیم‌خانه ایران / ساعت ۲۲:۵۵
جمعه ۲۳ آذر
برگ و باد / ساعت ۸
فروچاله / ساعت ۲۲:۵۵

شبکه سه
جمعه ۲۳ آذر
برادران فراری ۳ / ۳۰ دقیقه بامداد
پرستار تصادفی / ساعت ۸:۳۰
باشگاه رویال / ساعت ۱۴:۳۰

شبکه چهار
پنجشنبه ۲۲ آذر
پرتاب گرانشی / ساعت ۲۰:۳۰
جمعه ۲۳ آذر
آن سوی ابرها / ساعت ۲۰:۳۰

شبکه تهران
پنجشنبه ۲۲ آذر
صخره مرجانی / ساعت ۱۳:۳۰
جمعه ۲۳ آذر
سفر داوود / ساعت ۹
موفقیت بزرگ / ساعت ۱۳:۳۰

شبکه کودک
پنجشنبه ۲۲ آذر
تکاوران کهکشانی / ساعت ۱۴
جمعه ۲۳ آذر
توربو / ساعت ۱۴

شبکه امید
پنجشنبه ۲۲ آذر
دفتر کارآگاهی هنکا و کیویموتکا / ساعت ۱۸
جمعه ۲۳ آذر
عزیز میلیون دلاری / ساعت ۱۷:۳۰

شبکه افق
جمعه ۲۳ آذر
کجا می‌روی آیدا / ساعت ۱۰
خیلی دور، خیلی نزدیک / ساعت ۱۸:۳۰

شبکه سلامت
جمعه ۲۳ آذر
خانواده بی‌نظیر / ساعت ۱۱

عکس هفته

نه به رضا؛ نه به عایشه

خبر تولید تاک‌شو بین‌المللی «ساعت صفر» با اجرای رشیدپور سال ۱۴۰۲ منتشر شد. زمان گذشت تا اینکه اردیبهشت امسال خبر رسید او در حال مذاکره با سه پلتفرم برای پخش آن است. نمی‌دانیم پس پرده چه گذشت و چرا این برنامه مجوز قانونی دریافت نکرد. در هر حال، اولین قسمت از برنامه به‌تازگی در یوتیوب منتشر شده و مخاطبان می‌توانند مصاحبه با عایشه گل (خواننده و بازیگر اهل ترکیه) را در کانال رضا رشیدپور تماشا کنند. او در این گفت‌وگو، تلاش دارد بخشی از زندگی شخصی عایشه گل را جویا شود و به همین خاطر اجازه می‌گیرد تا درباره همسر ایرانی‌اش و مسائل دیگر بپرسد. رشیدپور یک هدف مهم‌تر را دنبال می‌کند و آن واکاوی اشتراکات فرهنگی ایران و ترکیه است. تحلیل «ساعت صفر» را به پخش چند قسمت دیگر واگذار می‌کنیم؛ فعلا مهم چیزی دیگر است: چرا این برنامه اجازه انتشار به شکل قانونی نیافت؟ چرا تلاش‌های رشیدپور برای کسب مجوز راه به جایی نبرد؟

ترین‌های هفته

اتفاق هفته | رکوردشکنی گیشه

ایرنا نوشت: سینماهای کشور روز سه‌شنبه ۲۰ آذر، توانستند با ۳۳۲ هزار مخاطبی که طی سه هزار و ۷۱۰ سانس به تماشای فیلم‌ها نشستند، بهترین عملکرد پنج سال اخیر را به ثبت برسانند. گیشه در این روز به ۱۱ میلیارد و ۷۴۰ میلیون تومان رسید که رکوردی قابل‌قبول برای یک سه‌شنبه نیم‌بها است. سینما بهترین آمار مخاطب روزانه خود را پس از سال ۹۸ به ثبت رساند. هرچند با توجه به نبود آمار فروش روزانه تا قبل از ۹۹، احتمالا این میزان مخاطب، پس از سال ۷۹ سینماها به ثبت نرسیده که در این‌صورت، باید این آمار را یک رکوردشکنی پس از ۲۳ سال تصور کرد.

گمانه‌زنی هفته | غایبانِ اکنون

فیلم‌نیوز نوشت: به‌نظر می‌رسد غیر از احسان عبدی‌پور و رشید کاکاوند، قرار نیست شاهد بازگشت سایر مهمان‌های ثابت برنامه «کتاب‌باز» در «اکنون» باشیم. احسان عبدی‌پور، رشید کاکاوند، مجتبی شکوری و مسعود فراستی، مهمان‌های ثابت سروش صحت در «کتاب‌باز» بودند. حذف مسعود فراستی از «اکنون» دور از ذهن نیست اما مجتبی شکوری یکی از پرطرفدارترین آیتم‌ها را در «کتاب‌باز» داشت و مطمئن بودیم در «اکنون» هم حضور پیدا می‌کند. گویا غیبت او در این برنامه به محتویات پست اینستاگرامی آخرش برمی‌گردد. او در آن پست از مخاطبان به خاطر عدم صداقتش درباره بخشی از خاطراتش عذرخواهی کرده بود.

صفر تا صد اخوان المسلمین

از حسین البنا تا اردوغان

خرده روایت‌های شهریار شاوی

مصطفی آرانی | قدرت گرفتن دوباره جماعت تحریرالشام در سوریه، این بار با حمایت ترکیه، برخی را به این فکر انداخته که عصر جدیدی از حضور و بروز سیاسی اخوان‌المسلمین در جهان اسلام آغاز شده است. اخوان البته معادل جماعت تکفیری نیست و از این رو با حد تحریرالشام یعنی جبهه النصره میانه ندارد ولی حمایت ترکیه از این گروه باعث شده که برخی مدعی ترکیه‌ای یا اخوانی شدن آن شوند. این افراد معتقدند اخوان‌المسلمین با سه حرکت «کودتای مصر» در سال ۲۰۱۳، «کودتای نافرجام ترکیه» در سال ۲۰۱۶ و محاصره قطر در سال ۲۰۱۷ که تقریبا تار و مار شده بود حالا دارد مثل ققنوس از خاکستر برمی‌خیزد و شاید به همین دلیل باشد که محتواهایی علیه محمد الجولانی، رهبر تحریر الشام از سوی اماراتی‌ها به طور گسترده در محیط عربی منتشر شده است. در این شرایط بد نیست یک بار دیگر مرور کنیم که اخوان‌المسلمین چه گروهی است و چه تاریخی دارد و چه اندیشه‌ای را ترویج می‌کند و چه کسانی این اندیشه را ترویج کردند در کدام کشورهای عربی پایگاه دارد. مهم‌تر از همه این‌ها اینکه نسبت این گروه و اندیشه آن با ایران چیست. نسبتی که باعث شده ایران پس از انقلاب حتی پیش از ایالات متحده با مصر قطع رابطه کند و این قطع رابطه تا حالت حالا نیز پایدار باقی بماند.

فصل اول: ریشه‌ها

۱. حسن احمد عبدالرحمن محمد البنا متولد یکشنبه ۲۱ مهر ۱۲۸۵ شمسی در شهری به نام محموده در اسنائی به نام بحیره در ۱۰۶ کیلومتری قاهره. خانواده البنا کشاورز نشد و درس دین خواند و پس از آن هم تعمیر ساعت یاد گرفت و بعد از آن، هم قفله و هم ساعت‌سازی و هم حجاف یاد گرفت یا به فرزندش آموخت. در جریان این آموزش، پدر البنا به سخت‌گیری‌هایی هم در حق فرزندش روا داشت و ملاّ بعد از تحصیلات ابتدایی نگذاشت حسن البنا تحصیل بدهد مگر اینکه قرآن را حفظ کند.

حسن در شانزده سالگی وارد دارالعلوم قاهره شد. جایی که معادل دانشگاه تربیت معلم امروز بود. خیلی خوب درس خواند و چهار سال بعد معلم ادبیات عرب در یکی از مدارس ابتدایی اسماعیلیه شد. در این میان او البته دو فعالیت فوق برنامه هم کرد. مدتی در یکی از فرق صوفیه به نام حصفیه فعالیت کرد و البته با عده‌ای از دوستان خود در نوجوانی انجمنی به نام «انجمن مبارزه با شیطان» راه انداخت و در آن نامه‌هایی برای برخی افراد فرستاد و آن‌ها را راهنمایی کرد که به راه راست برگردند. او تاکید ویژه‌ای در آن زمان روی نمازهای واجب داشت.

۲. مصر در سال ۱۹۲۲ به استقلال از بریتانیا دست یافت. هر چند بعد از آن نفوذ امپراطوری بریتانیا بر این کشور البته پیدا کرد. نخستین پادشاه این خاندان، فواد یکم بود که دو بار ازدواج کرد و یکی از چهار دختر او از ازدواج دومش، «فوزیه» نام داشت که همسر اول محمدرضا پهلوی، آخرین شاه ایران بود.

این دوره هم‌چنین زمانی بود برای تغییرات شدید در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی مصر. به طور مثال در این دوره بود که خواندگی زنان، رقص و زندگی شبانه در این کشور اوج گرفت. منیره المهدیه، آواز«خوان معروف این عصر نخستین زن مسلمان مصری بود که روی صحنه آمد و در قهوه‌خانه‌ها و کوپه‌های شبانه قاهره آواز خواند. بدیعه با وعده مصابنی هم در همان زمان در کاباره‌ای به نام کازینو ایوا حرکات موزون شرقی را انجام می‌داد. این موضوع حتی باعث شد که برخی افراد از اروپا برای کار کردن در لوکس‌های شبانه مصری به قاهره بیایند. مثلا یک رقصنده اروپایی به نام دینه لیسکا.

نکته جالب این است که در همان سال ۱۹۲۲ مقبره «توت‌عنخ‌امون» کشف شد و غربی‌ها توجه قابل توجهی به تاریخ و فرهنگ مصر کردند و حتی طراحان مد در لندن و آمریکا هم از تصاویر منتشر شده در مطبوعات در مورد این مقبره الهام گرفتند.

۳. نمونه دیگری از این تغییرات، صنعت سینمای مصر است. سینمایی که از سال‌های آخر قرن نوزدهم کار خود را آغاز کرد ولی در دهه بیست تا پنجاه شمسی که تا سال ۱۹۲۶، ۸۶ سینما در مصر فعال شد. یک سال بعد از آن لیلا، نخستین فیلم سینمای مصر با این داستان تولید می‌شود:

«لیلا در وسط یک بیابان برهوت در راحای آرام بزرگ می‌شود که بر ویرانه‌های مسقیس باستانی مشرف است. یک تاجر بزرگ به نام رئوف بیک که تاجر ثروتمندی است و در آن زندگی می‌کند، عاشق لیلا می‌شود ولی لیلا خود عاشق احمد است. احمد کسی است که وقتی فردی به نام سالم خواسته بود به لیلا تعرض کند او را نجات می‌دهد. لیلا در نهایت با احمد نامزد می‌شود ولی احمد همزمان با یک گردشگر بزیلی که در هتلی نزدیک دهکده اقامت دارد هم رابطه برقرار می‌کند و احمد لیلا را رها می‌کند. مردم روستا هم لیلا را اخراج می‌کنند. لیلا بی‌اختیار در مسیر راه می‌رود و با ماشینی تصادف می‌کند که راننده آن رئوف بیک است و او را برای زایمان به خانه خود می‌برد ولی لیلا در حین به دنیا آوردن فرزندش می‌میرد.»

۴. در چنین شرایطی و شش سال بعد از اغاز سلطنت فواد، حسن البنا به همراه شش کارگر از شرکت کانال سوئز جماعت اخوان‌المسلمین را در شهر اسماعیلیه راه انداخت. ایده اخوان، جنبش بان اسلامی و سیاسی و اجتماعی بود. آن‌ها می‌خواستند از طریق جهاد برای احیای اسلام تلاش کنند و برادری اسلامی را احیا کنند. البنا می‌گفت اسلام معاصر سلطه اختیاری خود را از دست داده و مسلمانان تحت تاثیر نفوذ غرب قالب شده‌اند و شریعت مبتنی بر قرآن و سنت به عنوان قوانینی که خداوند وضع کرده باید در همه بخش‌های زندگی از جمله حکومت و رسیدگی به مشکلات روزمره اعمال شود. البنا همچنین بر حمایت از کارگران در برابر طبقه بیگانگان تاکید کرده بود.

انچه حسن‌البنا روی آن تاکید داشته است؛ دقیقا همان چیزهایی بوده که جامعه مصر کمبود آن را احساس می‌کرده است. نیاز به نظامات اخلاقی اسلامی مخصوصا با توجه به ایجاد سنتی در آن زمان، این سطح از آزادی زن و بروز اجتماعی او را نمی‌پسندیده است.

از سوی دیگر جامعه مصر در آن زمان به شدت جامعه‌ای ضد استعماری بوده و به سمت ملی‌گرایی حرکت می‌کرده است. بخشی از این حرکت به دلیل همین کشف مقبره باستانی بوده ولی بخش دیگری از آن به مسئله ادامه استعمار بریتانیا و دخالت آن به خصوص در کانال سوئز مرتبط بوده که همزمان به بحث در خصوص حداقلی اجتماعی و مسایل کارگری و کارفرمایی هم منجر می‌شده است. جالب است بدانید که گفته شده حتی در کاباره‌ها و کلاب‌های شبانه آن روزگار هم سروده‌هایی ملی بوده که طرفداران بیشتری داشته است.

۵. همان طور که می‌بینید شرایط تقریبا مشابه آنچیزی است که ایران در دهه بیست تا پنجاه شمسی که تا سال ۱۹۲۶، ۸۶ سینما در مصر فعال شد. یک سال بعد از آن لیلا، نخستین فیلم سینمای مصر با این داستان تولید می‌شود:

«لیلا در وسط یک بیابان برهوت در راحای آرام بزرگ می‌شود که بر ویرانه‌های مسقیس باستانی مشرف است. یک تاجر بزرگ به نام رئوف بیک که تاجر ثروتمندی است و در آن زندگی می‌کند، عاشق لیلا می‌شود ولی لیلا خود عاشق احمد است. احمد کسی است که وقتی فردی به نام سالم خواسته بود به لیلا تعرض کند او را نجات می‌دهد. لیلا در نهایت با احمد نامزد می‌شود ولی احمد همزمان با یک گردشگر بزیلی که در هتلی نزدیک دهکده اقامت دارد هم رابطه برقرار می‌کند و احمد لیلا را رها می‌کند. مردم روستا هم لیلا را اخراج می‌کنند. لیلا بی‌اختیار در مسیر راه می‌رود و با ماشینی تصادف می‌کند که راننده آن رئوف بیک است و او را برای زایمان به خانه خود می‌برد ولی لیلا در حین به دنیا آوردن فرزندش می‌میرد.»

۶. در چنین شرایطی و شش سال بعد از اغاز سلطنت فواد، حسن البنا به همراه شش کارگر از شرکت کانال سوئز جماعت اخوان‌المسلمین را در شهر اسماعیلیه راه انداخت. ایده اخوان، جنبش بان اسلامی و سیاسی و اجتماعی بود. آن‌ها می‌خواستند از طریق جهاد برای احیای اسلام تلاش کنند و برادری اسلامی را احیا کنند. البنا می‌گفت اسلام معاصر سلطه اختیاری خود را از دست داده و مسلمانان تحت تاثیر نفوذ غرب قالب شده‌اند و شریعت مبتنی بر قرآن و سنت به عنوان قوانینی که خداوند وضع کرده باید در همه بخش‌های زندگی از جمله حکومت و رسیدگی به مشکلات روزمره اعمال شود. البنا همچنین بر حمایت از کارگران در برابر طبقه بیگانگان تاکید کرده بود.

انچه حسن‌البنا روی آن تاکید داشته است؛ دقیقا همان چیزهایی بوده که جامعه مصر کمبود آن را احساس می‌کرده است. نیاز به نظامات اخلاقی اسلامی مخصوصا با توجه به ایجاد سنتی در آن زمان، این سطح از آزادی زن و بروز اجتماعی او را نمی‌پسندیده است.

از سوی دیگر جامعه مصر در آن زمان به شدت جامعه‌ای ضد استعماری بوده و به سمت ملی‌گرایی حرکت می‌کرده است. بخشی از این حرکت به دلیل همین کشف مقبره باستانی بوده ولی بخش دیگری از آن به مسئله ادامه استعمار بریتانیا و دخالت آن به خصوص در کانال سوئز مرتبط بوده که همزمان به بحث در خصوص حداقلی اجتماعی و مسایل کارگری و کارفرمایی هم منجر می‌شده است. جالب است بدانید که گفته شده حتی در کاباره‌ها و کلاب‌های شبانه آن روزگار هم سروده‌هایی ملی بوده که طرفداران بیشتری داشته است.

۷. همان طور که می‌بینید شرایط تقریبا مشابه

۸. جنبش افسران آزاد که گروهی از افسران نظامی ناسیونالیست بودند به رهبری جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۲ کودتایی برپا کرار کردند و پادشاهی مصر را نابود کردند اما عبدالناصر همزمان علیه اخوان هم حرکت و این جنبش را ممنوع و اعضای آن را تعقیب کرد و کار به اجرای السبا منتولد شده بود. او نیز یک روستازاده بود. متولد روستایی به نام موشا از استان اسیوت مصر ۳۲۰ کیلومتر جنوب قاهره. او بارها در پارلمان اسیوت مصر ۳۲۰ جلسات هفتگی برای تلاوت قرآن و بحث و بررسی در مورد مسائل سیاسی و وقایع روز برگزار می‌کرد. سید قطب هم تحت تربیت پدر خود جزء با قرآن آشنا شد و اتفاقا مادر حسن البنا قرآن را در نوجوانی حفظ کرد. قطب نیز مانند البنا و اولاد معلمی شد و البته پدرش از آن کمی به ادبیات پرداخت. فرق قطب با حسن البنا ما این بود که او حدود سه سال با بورسیه تحصیلی به آمریکا رفت و قبل از یکی این سفر باعث شد که او محافظه‌کار شود و این محافظه‌کاری را در کتابی به نام «آمریکایی که من دیده‌ام» منتشر شده در سال ۱۹۵۱ نشان داد. او آمریکا را «مادی‌گرا و اخلاق‌باخته» می‌خواند و بین، ایمان به هنر، و در کل ایمان به ارزش‌های معنوی» دید و در بازگشت به کشورش به اخوان‌المسلمین پیوست.

۹. اخوان‌المسلمین در آن زمان یک جریان جدی اجتماعی در مصر شده بود. گفته شده بیش از دو میلیون نفر عضو داشت و حتی از طرف دانشجویان دانشگاه الازهر که در فلسطین شهید شده بودند، مراسمی در این دانشگاه برگزار شد که از نواب به عنوان سخنران دعوت نمودند. در این مجلس نواب پس از سیاد حسن الهضیبی مرشد عام اخوان‌المسلمین و سید قطب، سخنرانی کرد. نواب بار دیگر بر یک سخنرانی آتشین به زبان عربی، خطاب به دانشجویان و حاضرین از توطئه‌های اسرائیل و استکبار جهانی اسلام پرده برداشت و تنها راه نجات مسلمانان فلسطینی را از چنگال صهیونیست، ایتار و شهادت دانست. وی سپس بر اجرای احکام اسلامی در مصر و قطع وابستگی این کشور به بیگانگان و ملی شدن کانال سوئز تأکید کرد. سخنرانی ایشان موجب غلیان احساسات حاضران شد، تا جایی که هزاران دانشجو فریاد زدند: «حی‌الله، حی الاسلام، حی الله ایران، حی الله نواب صفوی.»

این هم روایت دومی است که نشان می‌دهد چطور اخوان‌المسلمین مورد توجه انقلابیون در ایران قرار گرفته بودند. جالب است بدانید که برخی معتقدند حتی تقابل میانه شهری و روستایی نیز در مصر آن زمان مانند ایران بوده است. تفکیکی که مثلا می‌توان آن را در قیام «بلوچ» کیمیایی هم در آن زمان دید. یک جامعه روستایی منطبق با سنت‌ها بی‌آلایش و ساده در برابر یک جامعه شهری فاسد و منحط. به همین ترتیب این افراد می‌گویند که در آن زمان اخوان از دل جامعه سنتی روستایی مصر بیرون شده بود در حالی که «قاهره» ساز جدایی برای خود می‌زد. سازی که به گوش آن روستاییان سنتی صدای گوش‌خراشی از فساد و استعمار داشت.

۱۰. از سید قطب حرف زدیم و بد نیست که از او هم یاد کنیم. سید ابراهیم حسن شاذیلی قطب، ۵ روز زودتر از حسن البنا متولد شده بود. او نیز یک روستازاده بود. متولد روستایی به نام موشا از استان اسیوت مصر ۳۲۰ کیلومتر جنوب قاهره. او بارها در پارلمان اسیوت مصر ۳۲۰ جلسات هفتگی برای تلاوت قرآن و بحث و بررسی در مورد مسائل سیاسی و وقایع روز برگزار می‌کرد. سید قطب هم تحت تربیت پدر خود جزء با قرآن آشنا شد و اتفاقا مادر حسن البنا قرآن را در نوجوانی حفظ کرد. قطب نیز مانند البنا و اولاد معلمی شد و البته پدرش از آن کمی به ادبیات پرداخت. فرق قطب با حسن البنا ما این بود که او حدود سه سال با بورسیه تحصیلی به آمریکا رفت و قبل از یکی این سفر باعث شد که او محافظه‌کار شود و این محافظه‌کاری را در کتابی به نام «آمریکایی که من دیده‌ام» منتشر شده در سال ۱۹۵۱ نشان داد. او آمریکا را «مادی‌گرا و اخلاق‌باخته» می‌خواند و بین، ایمان به هنر، و در کل ایمان به ارزش‌های معنوی» دید و در بازگشت به کشورش به اخوان‌المسلمین پیوست.

۱۱. اخوان‌المسلمین در آن زمان یک جریان جدی اجتماعی در مصر شده بود. گفته شده بیش از دو میلیون نفر عضو داشت و حتی از طرف دانشجویان دانشگاه الازهر که در فلسطین شهید شده بودند، مراسمی در این دانشگاه برگزار شد که از نواب به عنوان سخنران دعوت نمودند. در این مجلس نواب پس از سیاد حسن الهضیبی مرشد عام اخوان‌المسلمین و سید قطب، سخنرانی کرد. نواب بار دیگر بر یک سخنرانی آتشین به زبان عربی، خطاب به دانشجویان و حاضرین از توطئه‌های اسرائیل و استکبار جهانی اسلام پرده برداشت و تنها راه نجات مسلمانان فلسطینی را از چنگال صهیونیست، ایتار و شهادت دانست. وی سپس بر اجرای احکام اسلامی در مصر و قطع وابستگی این کشور به بیگانگان و ملی شدن کانال سوئز تأکید کرد. سخنرانی ایشان موجب غلیان احساسات حاضران شد، تا جایی که هزاران دانشجو فریاد زدند: «حی‌الله، حی الاسلام، حی الله ایران، حی الله نواب صفوی.»

۱۲. دولت قوت مصر هم البته در آن زمان علیه اخوان شده بود چون فضای اخوان دیگر یک فضای فکری نبود و وارد مبارزه عملی شده بود. نوامبر سال ۱۹۴۸ اخوان متهم به تدارک بر برای سرنگونی دولت شد و پس از آن نخست وزیر مصر به دست یکی از اعضای اخوان که البته بعدها گفته شد «خودجوش» و «مستقل» عمل کرده توره شد. حسن البنا موسی اخوان‌المسلمین توسط حامیان همین نخست وزیر حدود چهل روز بعد ترور و کشته شد. اما تنش به پایان نرسید. در سال ۱۹۵۲، اعضای اخوان‌المسلمین متهم به شرکت در آتش‌سوزی قاهره شدند که حدود ۷۵۰ ساختمان را در مرکز شهر ویران کرد - عمدتاً کلوپ‌های شبانه، تئاترها، هتل‌ها و رستوران‌هایی که بریتانیایی‌ها و سایر خارجی‌ها در آن رفت‌وآمد می‌کردند.

۱۳. و اما برسیم به خارج از مصر. اما اگری از این گروه در کشورهای دیگر منطقه هم وجود دارد. سه کشور جنوب خلیج فارس یعنی عربستان و بحرین و امارات تکلیف خود را با این گروه روشن کردند و حدود دو دهه است که نه تنها با اخوان‌المسلمین و اعضای آن مبارزه می‌کنند که نام این سازمان را هم در سازمان‌های تروریستی قرار دادند.

اما در کنار کویت اما متفاوت است. در این کشور خزبی به نام حرکت مشروطه اسلامی که به عربی و انگلیسی به صورت مخفف، حدس نامیده می‌شود وجود دارد که در واقع شاخه یا شعبه‌ای از اخوان‌المسلمین در کویت است. البته این حزب هم محدودیت‌هایی داشته و در مقبولیت خود در پارلمان کویت، که نمونه‌ای منحصر به فرد در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است با بحران مواجه شده ولی این محدودیت جدی که در سه کشور دیگر وجود دارد در کویت دیده نمی‌شود. (در عمان هم اساسا هیچ حزبی وجود ندارد که بخواهد اخوان‌المسلمین حضور داشته باشد).

اما در همین منطقه، اخوان‌المسلمین عمیق‌ترین رابطه را با دولت قطر دارد. ماجرا هم به دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ میلادی برمی‌گردد. یعنی همان زمانی که اخوان‌المسلمین در مصر ممنوع شده بود. در آن زمان فعالان اخوان‌المسلمین با خروج از مصر به کشورهای متعددی رفتند که یکی از آن‌ها کشور قطر بود. اتفاق در آن زمان نقش مهمی در تاسیس نهادهای آموزشی و وزارت آموزش قطر داشتند و به این ترتیب کار پایی خود را در این کشور به شدت سخت کردند. از سوی دیگر اعضای تحصیل کرده اخوان‌المسلمین در قطر از مصر توسعه قطر و حرکت این کشور از تجارت مروارید به تجارت نفت نقش داشتند و به این ترتیب در ساختار این دولت جا گرفتند.

البته در سال ۱۹۹۹ شعبه قطری اخوان‌المسلمین در قطر منحل شده و در این مسله خبرهایی نیز از تعطیلی دفتر آن‌ها در قطر به گوش رسیده است. البته این فقط به اخوان آن قدر در تاروپود قطر هضم شده که اساسا نیازی به دفتر در این کشور ندارد.

۱۴. عدالت و توسعه، حزب حاکم ترکیه قبل شاخه قدرتمندی است که می‌توان گفت تفکر اخوانی در خاورمیانه دارد. البته تفکر اخوانی اصل یعنی اینجا سید قطب یا حسن البنا به آن اعتقاد داشتند نه! چون آن تفکر در همسایگی تفکراتی قرار می‌گرفت که یک حکومت اسلامی اصل برای اجرای قوانین اسلامی از آن بیرون می‌آید و از این رو در ادبیات غربی‌ها ریشه بنیادگرایی است. در حالی که حزب عدالت و توسعه از سال ۲۰۰۲ تاکنون یعنی ظرف این ۲۲ سال، حرکت‌هایی به سمت اسلام و به نفع بخش مدنیت و معتقد جامعه ترکیه که به این حزب نزدیک هستند داشته است ولی نمی‌توان گفت که به سمت یک حکومت اسلامی رفته و ترکیه هم‌چنان یکی از سکولارترین یا بهتر است بگوییم سکولارترین کشور مهم اسلامی است. با این حال ترکیه همواره، در تضاد با مصری بوده که اخوان‌المسلمین را سرکوب می‌کرد و در دوران محمد مرسی که تنها دوره قدرت گرفتن اخوان در مصر بود، بیشترین حمایت‌ها را از مصر کرد و وقتی هم که قطر از سوی دیگر کشورهای جنوب خلیج فارس به دلیل ارتباط با ایران و اخوان، محاصره شد، در کنار ایران کمک‌های معنتابهی به این کشور کرد.

۱۵. اخوان‌المسلمین در کشورهای دیگری هم ریشه دارد. مثلا در اردن. در سوریه اما جالب است بدانید که اخوان‌المسلمین یک گروه مورد توجه و تروریستی بود. اما مثلا بنان گفت مهم‌ترین جنبشی که از دل اخوان‌المسلمین جوشیده است حرکت مقاومت اسلامی فلسطین با حماس است. جنبشی که در سال ۱۹۸۷ میلادی تاسیس شد تا بدیلی برای جنبش فتح باشد. فتح در آن زمان به رهبری عرفات هم در حال از دست دادن ایده‌های مبارزاتی خود به تیغ افول جریان چپ در انتهای جنگ سرد بود و هم با صلح و سازش‌هایی که با اسرائیل کرده بود در معرض اتهام وادادگی. تنش فتح و حماس هم که در سال‌های بعد از ۲۰۰۵ دیده شد دقیقا ادامه همان گسل بین حامیان تفکر اخوانی و غیراخوانی در خاورمیانه است. حالا شاید بهتر بفهمیم چه آسیبی را به دنبال تسلط امارات و به طور مشخص رئیس‌جمهور فعلی امارات، شیخ محمد بن زاید آل نهیان در منطقه رقم زده است.

۱۶. اما در شرایط سول جدی این است که اخوان چطور توانسته در سال‌های بعد ماندن در حالی که در حدود هفتاد سال گذشته، سال‌های معدودی بود که این گروه آزاد و رها به فعالیت‌های سیاسی پرداخته است. اخوان‌المسلمین پاسخ در خدمات اجتماعی نهفته است. اخوان‌المسلمین پیش از آنکه یک حزب سیاسی باشد یک جنبش اجتماعی است که به محرومان خدمات ارایه می‌کرد. مثلا از سال ۱۹۷۷ میلادی این گروه انجمن پزشکی اسلامی را تاسیس کرد و در تمام این مدت خدمات درمانی، بیمارستانی و داروخانه‌ای را به مصری‌ها ارایه می‌کرد. مسئله البته فقط در زمینه پزشکی نبود. اخوان در زمینه امنیت غذایی و تامین بسته‌های خوراکی برای افراد فقیر که در مناطق قفیرنشین قاهره زندگی می‌کردند هم فعال بود و در همه این سال‌ها توانست اندیشه خود و محبوبیت خود را با این خدمات اجتماعی در دل مردم حفظ کند.

جالب است بدانید که این مدل پس از انقلاب اسلامی از سوی حکومت تازه تاسیس از طریق نهادهایی مانند جهاد سازندگی، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان و در این لاوار ستاد اجرایی فرمان امام هم اجرا شد و از سوی دیگر جنبش‌های اسلامی در منطقه مانند حماس و حزب‌الله نیز تقلید شد. اساسا حرکت موسی صدر در لبنان، از یک حرکت اجتماعی با نام جنبش محرومین آغاز شد و سپس به حرکت نظامی هم آن رسید که در واقع پدر معنوی جنبش حزب‌الله است که در سال ۱۹۸۲ تاسیس شده است.

۱۷. و اما برسیم به خارج از مصر. اما اگری از این گروه در کشورهای دیگر منطقه هم وجود دارد. سه کشور جنوب خلیج فارس یعنی عربستان و بحرین و امارات تکلیف خود را با این گروه روشن کردند و حدود دو دهه است که نه تنها با اخوان‌المسلمین و اعضای آن مبارزه می‌کنند که نام این سازمان را هم در سازمان‌های تروریستی قرار دادند.

اما در کنار کویت اما متفاوت است. در این کشور خزبی به نام حرکت مشروطه اسلامی که به عربی و انگلیسی به صورت مخفف، حدس نامیده می‌شود وجود دارد که در واقع شاخه یا شعبه‌ای از اخوان‌المسلمین در کویت است. البته این حزب هم محدودیت‌هایی داشته و در مقبولیت خود در پارلمان کویت، که نمونه‌ای منحصر به فرد در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس است با بحران مواجه شده ولی این محدودیت جدی که در سه کشور دیگر وجود دارد در کویت دیده نمی‌شود. (در عمان هم اساسا هیچ حزبی وجود ندارد که بخواهد اخوان‌المسلمین حضور داشته باشد).

اما در همین منطقه، اخوان‌المسلمین عمیق‌ترین رابطه را با دولت قطر دارد. ماجرا هم به دهه ۱۹۵۰ و ۶۰ میلادی برمی‌گردد. یعنی همان زمانی که اخوان‌المسلمین در مصر ممنوع شده بود. در آن زمان فعالان اخوان‌المسلمین با خروج از مصر به کشورهای متعددی رفتند که یکی از آن‌ها کشور قطر بود. اتفاق در آن زمان نقش مهمی در تاسیس نهادهای آموزشی و وزارت آموزش قطر داشتند و به این ترتیب کار پایی خود را در این کشور به شدت سخت

توضیح هفت‌صبح: بخشی از مطالب این صفحه برگرفته از شبکه‌های اجتماعی است و منبع اولیه انتشار دهنده آنها ذکر شده است. بدیهی است که استفاده از این مطالب مصداق استفاده منصفانه طبق ماده ۷ قانون مولفان، مصنفان و هنرمندان خواهد بود.

قاب ایرانی

عکسی جدید از شروین حاجی‌پور که در اینستاگرام خود منتشر کرده است

تصویری از شبنم مقدمی، بازیگر سینما که در اینستاگرامش منتشر شده است.

سینا ساعی خواننده رپ و الیکا ناصری بازیگر سریال گردن زنی در پشت صحنه یک نمایش در کیش

سلفی علی اوجی و مهرداد صدیقیان با جورجینا رودریگز، همسر کریستیانو رونالدو در جشنواره فیلم دبای سرخ عربستان

تولد ۳۴ سالگی مونا کرمی در کنار همسرش سیند امیرسلیمانی

کاربر هادی با انتشار این عکس در اینستاگرام نوشت: تهران زیر دود و مه از بستنگاه دوم نوجال

قاب فرنگی

نانسی عجرمی، خواننده ۴۱ ساله لبنانی، تصاویری از بازدید خود از موزه لوور ابوظبی به اشتراک گذاشت

نیکول کیدمن بازیگر ۵۷ ساله در کنار دختر کوچکش قیت ۱۳ ساله در مهمانی مجله هالیوود ریپورتر

فوتوشوت جدید مسی و همسرش برای برند آدیداس

استایل متکی و ساده لادا دل ری در مهمانی مجله وانیتی

تیموتی شالامی در مراسم اکران فیلم A Complete Unknown، این فیلم درباره زندگی باب دیلن است و تیموتی برای آن نامزد جایزه گلدن گلوب شده است

ویدئوهای پربازدید هفته

میل‌زنی جیسون موموآ، گدایی در هواپیما و آقا خرگوشه خیابانی

این هفته پس از سقوط حکومت بشار اسد، پربازدیدترین ویدیوها مربوط به آزادی زندانیان از زندان‌های سوریه به خصوص صیدنایا بود. یکی از این ویدیوها که توجه زیادی را به خود جلب کرده، مربوط به لحظه آزادی یکی از زندانیان است. در حالی که نمی‌داند چه خبر شده، از یک نفر می‌پرسد ماجرا چیست و وقتی می‌شنود بشار اسد رفته، جیغ ریزی می‌زند و می‌دود. ویدیویی از لحظه سکته یک پزشک زنان و زایمان مشهدی به نام توکلی‌زاده منتشر شد که وقتی بالای سر بیمار بود، ناگهان از حال رفت و به زمین افتاد. در ویدیویی که معلوم نیست مربوط به کجا و چه زمانی است، یک منتکدی وارد هواپیما شد و گدایی کرد. مهماندار ان ایرانی نبودند اما صدای خانم فیلمبردار می‌آمد که به فارسی می‌گفت: نه بهش پول ندید! ویدیویی از جیسون موموآ، بازیگر بازی تاج و تخت در یکی از باشگاه‌های ژاپن منتشر شد که در حال میل‌زنی باستانی است و می‌گوید انجام این حرکات خیلی حس خوبی به بدنش می‌دهد. حسن معجونی در برنامه باضیا درباره اختلاف سنی ۳۵ ساله خودش و همسرش توضیح داد و گفت اگر روزی همسرش بچه بخواهد یا روزی بخواهد ترکش کند، به او حق می‌دهد. او توضیح داد: «با یکی از شاگردانم ازدواج کردم. واقعا چیزی حس نمی‌کنم خودمون. هرچند من حس می‌کنم اختلاف زانری وجود داره که طبیعی است به خاطر اختلاف سن. تا الان همه چیز خوب بوده. ولی من همیشه حق میدم بهش که یک روزی ازم خسته بشه.» ویدیویی از یک کلاس دخترانه ویرال شد که معلم سعی می‌کند بدون دیدن چهره شاگردانش و فقط با شنیدن صدای آن‌ها، اسمشان را حدس بزند. اسم‌های جدید و عجیب شاگردان مثل مانلی، تیدا، مانترا، دانیا و ... باعث شد این ویدیو مورد توجه زیادی قرار بگیرد. یک خانم جوان در یکی از برنامه‌های تلویزیون در انتقاد به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام گفت: «آیا اینستاگرام به جوان ما علم یاد میده؟ فقط داره بی‌احترامی به پدر و مادر را یادش می‌ده. اون آقای آیسان سلامی چی داره که مردم نگاهش می‌کنن؟» چند پسر بچه شیرازی با دمپایی از یک دکل مخابرات با ارتفاع خیلی زیاد بالا رفتند و با کمال آرامش فیلم هم گرفتند. جواد خیابانی در اقدامی غیرمنتظره در برنامه داستان شبکه سه خواند: «یه روز آقا خرگوشه، رسید به یه بچه موشه، موشه دوید تو سوراخ، خرگوشه گفت آخ!»

طنازی‌های شبکه‌های اجتماعی

من تو شبانه روز فقط ۸ ساعت اخلاقم خوبه که اونم خوابم

هر نوشته‌ای بیسنده‌ای دارد. هر نویسنده‌ای حق دارد اسمش را پای مطلبش بنویسد. نوشته‌هایی که در این صفحه می‌خوانید نوتیفای‌های پیست شده‌ای است که در شبکه‌های اجتماعی دست به دست چرخیده و صاحبش را هم گرده. اگر «شما» نوینده‌اید یه آثار هستید، لطفاً عصبانی نشوید. لبخند بزنید و به خواننده‌هایی فکر کنید که با خواندن نوشته‌هایتان لبخند می‌زنند و درد دل تحسینتان می‌کنند.

● بنده نمی‌تونم زرپیم بگیرم. چون هر شب باید قصه بخورم.

● حساب کردم روزی ۱۰۰ تومن قهوه می‌خورم به عبارتی ماهی سه میلیون، یه تعبیری سالی ۳۶ میلیون، به عبارتی ۱۰ سالی ۳۶۰ میلیون، به معموری قرنی ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون، یعنی ۱۰۰ ساله که هم قهوه نخورم نمی‌تونم باهاش به خونه برخم هر روز می‌خورم ممنون.

● شوخی جنسی‌رو از سینمای ایران بگیری، پیام اخلاقی فیلم باید میشه معتاد شی.

● اورتینک اینجوریه که اگه باهام خرز نزنی خودم تو سرم دیالوگ می‌سازم و از زبون تو اجرا می‌کنم که اکثرا به این نتیجه می‌رسه که دوسم نداری.

● یادش بخیر به زمانی مردم سر اینکه سامسونگ بهتره یا آیفون دعوا می‌کردن الان نهایت سر برند نوشابه بتونن باهم بحث کنن.

● اسیر این تعارف بی‌خودیا هستیم

در حالی که مهمون اداره سفره‌رو هم لقمه میگیره و می‌ترسیم خودمونم بخوریم باید بگیم‌ای یا ناجرا هیچی نمی‌خورین.

● بعضی پسر دبیرستانیا خیلی عجیبن می‌بینی به مردقد بلند چاق باریش رد میشه محمد مرسی که تنها دوره قدرت گرفتن اخوان در مصر بود، بیشترین حمایت‌ها را از مصر کرد وقتی هم که قطر از سوی دیگر کشورهای جنوب خلیج فارس به دلیل ارتباط با ایران و اخوان، محاصره شد، در کنار ایران کمک‌های معنتابهی به این کشور کرد.

● توقع دارنا شرایط مقصد مهاجرت:

مالیات امارات، بازار کار آمریکا، طبیعت نروژ، قیمتهای اروپای شرقی، آب و هوای سوئیس، زمستون سرد نشه و لیخ المت برف بیاد، مهاجر زیاد نداشته باشه ولی مهاجر اروپا راحت بیذیرن، امنیت شغلی اروپا، امنیت و آرامش فنلاند، زبان تایجستان، نون بربری و پنیر لیقون همه اینا باشه!

● هزینه‌های دندون‌پزشکی انقدر زیاده که من غصه هم می‌خورم سریع بعدش میرم مسواک می‌زنم.

● با بابام رفتا رفتم یه کردیم، کفتار اومد غذای شیر رو قاپیدر رفت بابام گفت: می‌بینی پسر چقدر کار رشته؟

● خود فلافل فروشا هم وقتی تو خونه فلافل درست می‌کنن مثلا بیرون نمیشه.

● یه جریانی راه افتاده که کرسی که کدا تکاب مدیریت خونده و به کت کت گرفته، تصمیم می‌گیره دوره‌های ک

نکته بازی

دقیقا دیروز و امروز چه فرقی داشت؟

قرار بود دیروز بازی استقلال و مس کرمان در جام حذفی برگزار شود اما به دلیل آلودگی هوا و اعلام رسمی هیات فوتبال تهران، این بازی و همه بازی‌های رسمی استان تا پایان هفته لغو شد. البته گفته می‌شد به دلیل اینکه فیفا اجازه می‌دهد تا بازی‌های تحت نظر این نهاد تا وقتی شاخص آلودگی به ۲۰۰ نرسیده برگزار شود اما در نهایت با تصمیم وزیر ورزش این بازی لغو شد. خیلی زود اما خبر رسید که قرار است این بازی امروز یعنی پنجشنبه برگزار شود. در نهایت هم اعلام شد که تماشاگران نمی‌توانند برای تماشای این بازی در استادیوم حضور پیدا کنند! می‌بینید برای یک بازی چند نهاد تصمیم گرفته‌اند؟ هیات فوتبال استان تهران بازی را تا پایان هفته لغو می‌کند. با قوانین فیفا اما این بازی می‌تواند برگزار شود و مدیران استقلال هم همین عقیده را داشتند اما وزیر ورزش تصمیم به لغو بازی می‌گیرد! رئیس فدراسیون برای تغییر عقیده وزیر ورزش با او تماس می‌گیرد و در نهایت فدراسیون فوتبال و وزارت ورزش به تفاهم می‌رسند که بازی امروز برگزار شود. اما این هم پایان کار نبود و سازمان لیگ تصمیم گرفت به جهت کاهش تردد و جلوگیری از افزایش آلاینده‌ها، همسو با سیاست‌های دولت، این بازی را بدون تماشاگر برگزار کند! البته بد نیست که هر کس یک گوشه کار را جمع کند تا بازی برگزار شود! اما سوال این است که با توجه به اینکه آلودگی هوای تهران در روز پنجشنبه فرقی با هوای چهارشنبه ندارد، چرا بازی همان روز چهارشنبه برگزار نشد؟ حتما باید هزینه یک روز اردو و هتل اضافه را به تیم‌ها تحمیل می‌کردید؟

خب شما زودتر ۱۰ نفره شوید!

قبل از بازی گل‌گهر و تراکتور، تعدادی از هواداران پرسپولیس که از گاریدو ناامید شده بودند، به پیج شخصی مهدی تارتار رفته و از او درخواست کردند که به پرسپولیس بیاید. تارتار هم که از این فضا بدش نیامده بود چند کامنت را لایک کرده بود. اما تیمش در خانه به تراکتور ۲ بر صفر باخت، آن هم در حالی که تراکتور بیش از یک نیمه را ۱۰ نفره بازی کرده بود. و جالب‌تر اینکه هر دو گل تراکتور در دقایقی به ثمر رسید که این تیم ۱۰ نفره بود. واکنش مهدی تارتار به این نتیجه از همه چیز جالب‌تر بود. او در نشست خبری گفت اخراج بازیکن تراکتور به سود آنها بود! راستش مشابه همین جمله را هم رضا عنایتی در زمانی که سرمربی پیکان بود گفته بود. عجیب اینکه تیم او هم مقابل تراکتور ۱۰ نفره شده بود و استاد گفته بود: «اخراج بازیکن تراکتور شیرازه تیمم را از هم پاشید. اگر بازیکن خودمان اخراج می‌شد خیلی شرایط بهتری داشتیم.» ما همان زمان هم با عنایتی کلی شوخی کردیم اما ظاهرا مربیان ایرانی برای هر اتفاق و هر نتیجه‌ای بهانه و توجیه پیدا می‌کنند و دست‌شان هیچوقت خالی نمی‌ماند. واقعا اگر اینطور است، اگر فکر می‌کنید ۱۰ نفره شدن هر تیمی به ضرر حریف است، خب شما خودتان دست به کار شوید و رکب بزنید و تیم‌تان را قبل از حریف ۱۰ نفره کنید! این هم به نفع تیم شماست و هم شیرازه تیم حریف از هم می‌پاشد! اینطوری راحت می‌توانید در همه بازی‌ها برنده شوید و در نهایت قهرمان هم بشوید! با توجه به بضاعت فنی مربیان لیگ برتری، ایده بدی نیست ها! به امتحانش می‌ارزد!

عملیات نجات گاریدو موفق بود

در یک بازی سخت که می‌توانست سرنوشت سرمربی پرسپولیس را عوض کند، این تیم ملوان را برد

در دیداری معوقه از هفته هشتم لیگ‌برتر فوتبال ایران دو تیم ملوان بندرانزلی و پرسپولیس در ورزشگاه سیروس قایقران به مصاف یکدیگر رفتند که این مسابقه در پایان با پیروزی ۲ بر یک سرخ‌ها خاتمه پیدا کرد و شاگردان گاریدو با این پیروزی توانستند بار دیگر طعم شیرین ۳ امتیاز را در لیگ بچشند. پرسپولیس که پیش از این مسابقه در بازی با نساجی با نتیجه یک بر صفر شکست خورده بود، توانست با این پیروزی پیش از الکلاسیکوی فوتبال ایران وضعیتش را بهتر کند و در طرف مقابل تیم مازیار زارع هم به واسطه این شکست در رده چهارم جدول پشت سر سرخ‌ها باقی ماند.

این بازی که با سوت احمد محمدی آغاز شد، در شروع جریان بازی به واسطه حضور پر شور هواداران ملوان به سود تیم میزبان بود و در دقیقه ۲، ارسال قائم اسلامی‌خواه از روی ضربه ایستگاهی یک موقعیت خطرناک را ایجاد کرد که ضربه سر محمدرضا رضایی را گندوز به شکل عالی برگشت داد. حملات ملوانی‌ها در این مسابقه ادامه داشت و همچنین در دقیقه ۱۷، یک موقعیت خوب دیگر برای ملوان به دست آمد؛ ارسال اسلامی‌خواه روی سر غندی‌پور فرود آمد اما این ضربه سر او با مهار گندوز همراه شد.

رفته رفته سرخ‌ها خودشان را در بازی با ملوان پیدا کردند و در یکی از معدود موقعیت‌های خطرناک پرسپولیس در نیمه اول، در دقیقه ۳۵ حرکت امیری از سمت چپ با دفع ناقص باقری همراه شد و شوت محکم اورونوف را حبیب فرعباسی دفع کرد تا جدی‌ترین فرصت سرخ‌ها از دست برود. با شروع نیمه دوم، پرسپولیس کنترل جریان بازی را در دست گرفت و حتی دقیقه ۴۹، حمله خوب سرخ‌ها از سمت چپ با یک شوت خطرناک همراه شد که البته ملوانی‌ها مقابل این ضربه ایستادگی کردند. در دقیقه ۵۹ اتفاقی رخ داد که پرسپولیسی‌ها هرگز انتظارش را نداشتند؛ ملوان روی یک ضدحمله با حرکت پا به توپ عمری صاحب ضربه ایستگاهی شد. قائم اسلامی‌خواه که ضربات کاشته قبلی را سانتر کرده بود، این‌بار با پای چپ مستقیم ضربه زد و توپ بعد از برخورد به زمین وارد دروازه گندوز شد.

پس از این گل وضعیت پرسپولیس بسیار متفاوت بود و عناصر تهاجمی این تیم بالاخره دقت در زدن ضربات آخر را چاشنی شوت‌های خود کردند و خیلی زود ۵ دقیقه بعد از دریافت گل اول، توسط سروش رفیعی به گل تساوی رسیدند؛ پرسپولیس بعد از دریافت گل به طور همه‌جانبه حمله کرد و خیلی زود گل تساوی را زد. ارسال به روی محوطه ملوان با دفع ناقص مدافع این تیم همراه شد و سروش رفیعی با شوت پای چپ خود درحالی که هیچ مزاحمی نداشت، دروازه فرعباسی را باز کرد.

در دقیقه ۷۵ و در ادامه موج حملات پرسپولیس، ارسال بلند سعید صادقی از روی ضربه ایستگاهی با ضربه سر فرجی به تیرک عمودی دروازه خورد و سپس وارد دروازه ملوان شد و کاری هم از دست حبیب فرعباسی برنیامد. شاگردان گاریدو دست بردار نبودند و در دقیقه ۸۰ پاس در عمق کنعانی برای علیپور موقعیت خوبی را ایجاد کرد اما شوت این مهاجم توسط فرعباسی مهار شد.

این بازی با نتیجه ۲ بر یک به سود پرسپولیس خاتمه پیدا کرد تا بدین ترتیب در پایان مسابقات هفته هشتم لیگ برتر فوتبال ایران، پرسپولیس ۲۳ امتیازی شود و در رده سوم اختلافش را با صدر جدول به ۲ امتیاز برساند. ملوان نیز اکنون ۱۸ امتیازی باقی ماند و کماکان بنا به تفاضل گل بهتر نسبت به فولاد در رده چهارم قرار گرفته است.

سروش احیا شد

بعد از چند هفته نیمکت‌نشینی پر حرف و حدیث، سروش رفیعی به تدریج به روزهای خوبش برگشته و در ترکیب پرسپولیس تبدیل به یک مهره تعیین‌کننده شده است. او در بازی مقابل الشرطه به زمین آمد و نقش زیادی در تبدیل باخت به یک پیروزی مهم داشت. سروش دیروز هم مقابل ملوان در ترکیب اصلی قرار داشت و در نیمه دوم سرنوشت بازی را عوض کرد. او در دقیقه ۶۴ با گلی که روی یک ریباند و جاگیری خوب به ثمر رساند، نتیجه را خیلی زود مساوی کرد و نگذاشت زدن گل مساوی به دقایق پایانی موکول شود. گل او فشار را از روی تیم برداشت و پرسپولیس ۱۰ دقیقه بعد گل دوم را هم زد و با حفظ توپ یک پیروزی باارزش را به دست آورد.

فرجی همچنان در اوج

به شکلی غیرطبیعی و غیرمنتظره، فرشاد فرجی تبدیل به تاثیرگذارترین بازیکن این روزهای پرسپولیس شده است. او که در هفته‌های گذشته چند گل و پاس گل را در ترکیب پرسپولیس به نام خودش ثبت کرده بود، دیروز هم درخشید و با گلی که روی یک ضربه سر به ثمر رساند، تیمش را در انزلی پیش انداخت. حتما خبر دارید که او بهترین گلزن پرسپولیس در لیگ نخبگان آسیا هم هست!

گزارش

«بی.ام.و» برای شانزدهمین قهرمانی روشن شد

درخشش همزمان بلینگام، امباپه و وینیسیوس رؤیایی بود که برای رئال به واقعیت تبدیل شد

مشخص بود که این قرار است فرمولی برنده باشد. همه انتظار روزی را می‌کشیدند که مثلث BMV نشان دهند که به خاطر آنهاست که رئال مادرید توانسته است در آن روز بدرخشد و به خواسته‌اش در یک بازی مهم دست پیدا کند. و این روز بالاخره در برگامو از راه رسید، در دیداری که انتظارات بالا و حساسیت بسیار زیاد بود چون تیم حریف در سطح بسیار خوبی قرار داشت و مهم بود که شاگردان کارلو آنچلوتی در این دیدار مهم چه عملکردی را به نمایش خواهند گذاشت و چه واکنشی از خودشان نشان خواهند داد. این همان لحظه‌ای بود که رئال مادرید باید توسط این سه ستاره به اوج می‌رسید و از نامش محافظت می‌شد: جود بلینگام، کیلیان امباپه و وینیسیوس جونیور.

رئال مادرید در لحظه بسیار حساسی در لیگ قهرمانان توانست با سه گل از این سه بازیکن برنده شود. اولین گل سهم امباپه بود. شاگردان آنچلوتی شروع خوبی داشتند و براهیم دیاز که در خط حمله به میدان رفته بود، توانست این ستاره فرانسوی را در جلوی خط حمله پیدا کند. گلی درخشان و تماشایی و دو موقعیت تک به تک با دروازه‌بان آتالانتا معنای مشخصی به برنامه اولیه آنچلوتی می‌داد: ارسال توپ از پشت دفاع آتالانتا و ایجاد آشوب در تیم گاسپرینی. همین باعث شد که بازی یک بر صفر به سود رئال شود، اما مصدومیت امباپه شرایط را سخت و این درخشش را محو کرد.

به ثمر رسیدن گل مساوی از سوی حریف در فاصله چند ثانیه پیش از به صدا درآمدن سوت پایان نیمه اول روی پنالتی‌ای که اورلین شوامنی به حریف هدیه کرد باعث شد که رئال در شرایطی قرار بگیرد که به نظر می‌رسید فروپاشی خیلی به آنها نزدیک است، اما حالا نوبت وینیسیوس بود که ظاهر شود. این ستاره برزیلی که تا پیش از آن زیاد در جریان بازی حضور داشت و بارها به نیمه زمین خودی عقب می‌کشید تا با بازیکنان حریف ایتالیایی یارگیری کند و فاصله‌ها را پوشش دهد، بالاخره توپی را روی ریباند به دست آورد و از این فرصت بهترین استفاده را کرد و موفق شد با شوتی از پای چپش بار دیگر رئال را پیش بیندازد.

زمانی که این برتری به دست آمد، زیاد طول نکشید که گل سوم رئال هم وارد دروازه حریف شد. این گل هم توسط بازیکنی به ثمر رسید که ستاره دیگر از مثلث BMV بود: بلینگام. این بازیکن که یک بار دیگر بهترین بازیکن تیمش در زمین در جریان این بازی بود توانست بهترین استفاده را از پاسی که وینیسیوس برایش ارسال کرده بود بکند و با یک ضربه پایانی تند و تیز و دقیق بازی را ۱-۳ کرد.

این ستاره انگلیسی پس از گلزنی در پنج دیدار متوالی در رقابت‌های لالیگا، اولین گلش را در رقابت‌های این فصل لیگ قهرمانان اروپا در برگامو به ثمر رساند. اما فراتر از بحث گلزنی، بلینگام در حال حاضر مهم‌ترین بازیکن آنچلوتی در زمین است.

این بازی در برگامو در واقع به اولین دیداری تبدیل شد که تمامی ستاره‌های حاضر در مثلث BMV موفق به گلزنی در آن شدند. شروع بلینگام در این فصل چندان خوب نبود و نتوانسته بود بار دیگر گلزنی کند و تا دیدار برابر اوساسونا که در تاریخ ۹ نوامبر برگزار شد هیچ گلی به ثمر نرسانده بود. پس از آن نوبت به مصدومیت وینیسیوس رسید.

حالا باید منتظر زمانی باشیم که هر سه نفر بتوانند با حضور همزمان در زمین گلزنی کنند چون گل بلینگام و وینیسیوس در این بازی زمانی به ثمر رسید که امباپه به دلیل مصدومیت زمین را ترک کرده بود. رئال مادرید موفق شد برگامو را با یکی از آن پیروزی‌هایی ترک کند که همان‌طور که گاسپرینی یک روز قبل گفته بود، نشان می‌دهد که هیچ تیمی در اروپا هرچقدر هم که خوب باشد برابر آنها مدعی اصلی پیروزی نخواهد بود. این همچنین اولین برد شکل گرفته به دست BMV بود. حالا مشکل این است که نوبت به بدبیاری امباپه با مصدومیتش رسیده است.

سوژه روز

روزگار ناخوش طارمی در اینتر

شاگردان سیمونه اینزاگی ششمین مسابقه خود در مرحله گروهی لیگ قهرمانان اروپا را برگزار کردند که آبی‌ومشکی‌پوشان مقابل بایرلورکوزن، در واپسین لحظات بازی مغلوب شدند و اولین گل اروپایی خود در فصل جدید را دریافت کردند تا به رتبه چهارم جدول سقوط کنند. همانند ۵ مسابقه قبلی اینتر در (UCL)، بازهم مهدی طارمی عضوی از ترکیب اصلی این تیم بود و اینزاگی به مهاجم ایرانی تیمش در کنار مارکوس تورام فرصت بازی داد. طارمی که در انتقالی پرسروصدا از پورتو راهی اینتر شد، در اردوی پیش‌فصل عملکردی خیره‌کننده داشت و نگاه‌ها را به سوی خود جلب کرد اما شرایط بعد از اتمام اردوی پیش‌فصل، کاملاً علیه ستاره ایرانی بوده و این بازیکن نتوانسته عملکرد قابل‌قبولی را از خود به جای بگذارد؛ هر چند باید اشاره داشت که مهدی طارمی در راه حضور در ترکیب اینتر رقبای سرسختی چون لائوتارو مارتینس، مارکوس تورام و خواکین کورئا و مارکو آرناتوویچ را در مقابل خود می‌بیند.

در حسرت گلزنی در سری A

اینزاگی از همان هفته نخست فصل جدید سری A به مهاجم ایرانی تیمش در ترکیب اینتر فرصت بازی داد تا شرایط او را بسنجد. انتظار می‌رفت که مهدی طارمی بعد از درخشش در تور پیش‌فصل، بتواند در سری A هم از فرصت ایجاد شده استفاده کند و بیش از پیش نظر مساعد سیمونه اینزاگی به خود را جلب کند اما شرایط مطابق انتظار طارمی پیش نرفته است. در ۱۴ مسابقه اینتر در فصل جدید سری A، طارمی در ۱۰ مسابقه حدود ۲۳۲ دقیقه فرصت بازی به‌دست آورده که هنوز نتوانسته گلی به‌ثمر برساند و تنها تاثیرگذاری مثبت او در هفته دوم مقابل لچه بود که توانست گل اول تیمش را بسازد.

شرایط در (UCL) هم علیه طارمی شد!

مهدی طارمی بعد از نمایش خوب اما بدون گلی که مقابل منچسترسیتی داشت، توانست در دوئل با ستاره سرخ بلگراد نگاه‌ها را متوجه خود کند؛ به‌طوری که یک گل زد و ۲ گل هم برای تیمش ساخت تا عملکردی درخشان را از خود به جای گذاشته باشد. با این وجود، درخشش برابر ستاره سرخ بلگراد همانند یک جرقه کوچک بود؛ چرا که بعد از آن مسابقه، دیگر طارمی در رقابت‌های اروپایی هم نتوانست بدرخشد و در ۴ بازی پیاپی مقابل یانگ‌بویز، آرسنال، لایپزیش و بایرلورکوزن ناکام در گلزنی یا حتی گل‌سازی بود.

حسرت ۷۱ روزه علیه ستاره بوشهری

طارمی بعد از درخشش خیره‌کننده‌ای که مقابل ستاره سرخ بلگرد داشت، در طول ۷۱ روز اخیر در ۹ مسابقه فرصت بازی در ترکیب اینتر را در سری A و لیگ قهرمانان اروپا به‌دست آورده اما نتوانسته از فرصت ایجاد شده بهره ببرد و گل بزند. اینتر در مسابقه بعدی خود روز دوشنبه بیست‌وششم آذرماه میهمان لاتزیو است که باید دید مهدی طارمی در این مسابقه حساس در سری A فرصت بازی به‌دست خواهد آورد و موفق به طلسم‌شکنی خواهد شد یا خیر.

منبع: فوتبال ۳۶۰

گوشه و کنار مستطیل سبز

بایرن مونیخ، کیمیش را از دست می‌دهد؟

یاشوا کیمیش اخیراً گفته بود برای تعیین تکلیف آینده حرفه‌ای‌اش تا پایان فصل جاری صبر نخواهد کرد و در پنجره زمستانی پیش رو با بررسی تمام جوانب و شرایط، تصمیم خود را در این خصوص خواهد گرفت. نشریه «بیلد» آلمان با انتشار گزارشی مدعی شد؛ بایرن دیگر در تلاش نیست تا یاشوا کیمیش را متقاعد کند که دستمزد درخواستی‌اش به منظور تمدید قرارداد را کاهش دهد. مدیران باشگاه بایرن می‌دانند که باشگاه‌های بزرگ اروپایی، وضعیت کیمیش ۲۹ ساله را زیر نظر دارند و با توجه به این واقعیت که او تابستان پیش رو بازیکن آزاد خواهد بود، همین موضوع پذیرش کاهش دستمزد از سوی او را غیرواقعی می‌کند. کیمیش که انتظار نمی‌رود تا پیش از پایان سال جاری میلادی قراردادش را تمدید کند، از تاریخ اول ژانویه طبق قوانین می‌تواند به طور رسمی با باشگاه‌های دیگر وارد مذاکره شود که این امر موقعیت او را در مذاکرات با بایرن تقویت می‌کند. یاشوا کیمیش که در سال ۲۰۱۵ از لایپزیگ به بایرن مونیخ پیوست، تاکنون در ۴۱۲ بازی برای باواریایی‌ها به میدان رفته و در کنار به ثمر رساندن ۴۲ گل، ۱۰۹ پاس گل هم به نام خود ثبت کرده است.

لوئیس گارسیا سرمربی قطر شد

فدراسیون فوتبال قطر روز چهارشنبه به طور رسمی از قطع همکاری‌اش با مارکس لوپس سرمربی اسپانیایی خود خبر داد. این مربی ۶۲ ساله از سال ۲۰۲۳ هدایت عنابی‌ها را برعهده داشت و این تیم را به قهرمانی در جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۳ رساند. با اعلام رسمی فدراسیون فوتبال قطر؛ لوئیس گارسیا که دستیار مارکس لوپس در تیم ملی قطر بود، هدایت عنابی‌ها را برعهده خواهد داشت. این مربی اسپانیایی پیش از این سابقه هدایت تیم اسپانیول را داشته، جایی که آمار ۱۰ برد، ۷ تساوی و ۹ شکست را در ۲۶ بازی از خود بر جای گذاشت. تیم ملی قطر که اخیراً در دور سوم مرحله انتخابی جام جهانی ۲۰۲۶ در منطقه آسیا با نتیجه ۴ بر یک مغلوب ایران شد، در حال حاضر با ۷ امتیاز در رده چهارم جدول رده‌بندی این رقابت‌هاست و با ایرانِ صدرنشین ۹ امتیاز اختلاف دارد.

حذف اولین تیم از لیگ قهرمانان اروپا

شش بازی طول کشید تا اولین تیم حذف شده از لیگ قهرمانان جدید مشخص شود. این تیم لایپزیش بود که با شکست ۲-۳ مقابل استون ویلا از تورنمنت خداحافظی کرد، در حالی که تنها دو بازی دیگر باقی مانده و هیچ امتیازی در جدول ندارد. تیم بیست و چهارم، آخرین تیمی که به مرحله بعدی صعود می‌کند، اکنون ۷ امتیاز دارد. این مرحله برای لایپزیش بسیار سخت بود. در دو بازی اول، اتلتیکو مادرید و یوونتوس تیم ردبول را شکست دادند و در بازی سوم لیورپول با نتیجه یک بر صفر آن‌ها را در خانه شکست داد. در بازی چهارم، سفر به اسکاتلند برای دیدار با سلتیک نیز با شکست همراه بود، همان‌طور که در ایتالیا مقابل اینتر نیز شکست خوردند. اکنون، مقابل استون ویلا به رهبری اونای امری، با نتیجه ۲-۳ شکست خوردند و حذف آن‌ها تأیید شد. گل‌های جان مک‌گین، جان دوران و راس بارکلی برای تیم بیرمنگام به ثمر رسید. دو بازی تشریفاتی باقی مانده برای لایپزیش تقابل خانگی با اسپورتینگ لیسبون و رویارویی خارج از خانه با اشتورم گراتس اتریش است.

تأیید محرومیت فلیک از ۲ بازی بعدی بارسلونا

هانسی فلیک به اعلام پنالتی علیه بارسا در بازی با بتیس که شنبه گذشته برگزار شد اعتراض شدیدی به داور کرد و با کارت قرمز جریمه شد. این اولین کارت قرمز دوران مربیگری فلیک بود. بارسلونا ۱۰ روز کاری فرصت داشت تا نسبت به این حکم به کمیته تجدیدنظر اعتراض کند. این حکم رسمی است: «کمیته انضباطی هانسی فلیک را از دو بازی همراهی بارسلونا محروم کرده است. او نمی‌تواند در بازی‌های لیگ مقابل لگانس و اتلتیکو مادرید برگزار می‌شود، روی نیمکت بنشیند.» اما اعتراض بارسلونا فایده‌ای نداشت و کمیته انضباطی فدارسیون فوتبال اسپانیا این فرجام‌خواهی را رد کرد. به این ترتیب سرمربی آلمانی آبی‌واناری‌ها در بازی یکشنبه مقابل لگانس در هفته هفدهم لالیگا (۲۵ آذر) و دیدار با اتلتیکومادرید در هفته هجدهم این رقابت‌ها (اول دی) نمی‌تواند روی نیمکت بارسا بنشیند.

برگزاری دیدار استقلال - مس کرمان بدون حضور تماشاگر

روابط عمومی سازمان لیگ فوتبال ایران نوشت: به جهت کاهش تردد و جلوگیری از افزایش آلاینده‌ها، همسو با سیاست‌های دولت دیدار استقلال - مس کرمان در مرحله یک شانزدهم نهایی مسابقات فوتبال جام حذفی باشگاه‌های کشور از ساعت ۱۶:۱۵ روز پنجشنبه ۲۲ آذر ماه در ورزشگاه شهدای شهر قدس و بدون حضور تماشاگران برگزار می‌شود. همچنین تمامی دیدارهای لیگ‌های کشوری روز پنجشنبه در استان تهران بدون حضور تماشاگر برگزار خواهد شد.

درخواست استقلال برای افزایش سهمیه خارجی

با حضور جوئل کوجو تعداد بازیکنان خارجی استقلال به عدد هفت رسیده است. رافائل سیلوا، دیدیه اندونگ، گائل کاکوتا، گوستاوو بلانکو، مسعود جوما، جلال‌الدین ماشاریپوف و حالا جوئل کوجو در فهرست بازیکنان خارجی استقلال حضور دارند. این در حالی است که برای حفظ سهمیه ۱+۵ لیگ برتر، استقلال مجبور است یکی از بازیکنان خارجی خود را کنار بگذارد؛ چرا که ماشاریپوف به‌عنوان بازیکن آسیایی محاسبه می‌شود و این سهمیه را تکمیل کرده است. در این میان، استقلال به‌صورت رسمی درخواست افزایش سهمیه بازیکنان خارجی از ۱+۵ به ۱+۶ را به فدراسیون فوتبال ارائه کرده است. اگر این درخواست تأیید شود، استقلال می‌تواند بدون نیاز به کنار گذاشتن بازیکنی، هر هفت بازیکن خارجی خود را حفظ کند. این تغییر سهمیه، در صورت تصویب، باعث می‌شود استقلال برای اولین بار در تاریخ لیگ برتر، با سه مهاجم خارجی وارد رقابت‌ها شود و دست موسیمانه برای چیدمان خط حمله کاملاً باز باشد. با این حال، اگر فدراسیون فوتبال با این درخواست موافقت نکند، به احتمال زیاد گوستاوو بلانکو قربانی این رقابت خواهد شد. هرچند اگر سهمیه بازیکنان خارجی به ۱+۶ افزایش یابد، ماندن مهاجم آرژانتینی در تیم باز هم قطعی نخواهد بود و جدایی او نیز منوط به تصمیم موسیمانه است.

اتفاقات عجیب در دیدار جوانان چین و ایران

سایت رسمی فدراسیون فوتبال نوشت: دیدار تدارکاتی تیم‌های ملی فوتبال المپیک چین و جوانان ایران در حالی با نتیجه ۲ بر صفر به سود میزبان در شهر هایکو چین پایان یافت که تصمیمات داور مسابقه باعث تعجب بود. داوران چینی این مسابقه تحت تأثیر بازی فیزیکی میزبان، خطاهای مشهود بازیکنان چین را که برای حضور در مسابقات آتی، آماده می‌شوند نگرفت تا سه پنالتی واضح برای ملی‌پوشان جوان کشورمان گرفته نشود. این در حالی است که گل دوم چین روی صحنه مشکوک به خطا با تصمیم داور از روی نقطه پنالتی به ثمر رسید. بازی فیزیکی بازیکنان تیم چین که از لحاظ سنی بزرگتر از جوانان فوتبال کشورمان هستند، باعث پارگی پیراهن تنی چند از بازیکنان شد. دومین دیدار تیم ملی جوانان ایران و المپیک چین در ۲۴ آذرماه برگزار می‌شود.

اندر حکایت لذت «شاورما» خوردن!
صفحه ۱۴

کتابخانه‌های پُربار
صفحه ۱۶

۲۵۰ فیلم - شمارش معکوس- ۱۸

سگ‌ها و بوکسورها

هجدهمین قسمت از پاورقی جدید. گذری از ۲۵۰ فیلم مورد علاقه‌ام و در یک شمارش معکوس. شاید انتخاب مثلا ۱۰۰ فیلم معقول‌تر بود اما هرکاری کردم فهرستم کمتر از ۲۵۰ فیلم نشد. آن دسته از فیلم‌های ایرانی هم که به نظرم جذاب می‌آمدند، در لابه‌لای این نام‌های بزرگ تاریخ سینما ارائه می‌شوند. بسیاری از فیلم‌های بزرگ تاریخ سینما در این فهرست هستند و بسیاری هم نیستند اما به نظرم همین غیرقابل پیش‌بینی بودن این فهرست می‌تواند از نقاط قوتش باشد! امروز بیش از قبل به داخل کلوپ صدتایی‌ها نفوذ می‌کنیم.

۸۳- اوج التهاب. گنگستری درخشان رائول والش با یک جیمس کاگنی بی همتا. داستان مردی خودشیفته و خطرناک که در رابطه‌ای عجیب با مادر و همسرش مورد تعقیب اف‌بی‌آی قرار می‌گیرد. ضرباهنگ سریع و شگفت‌انگیز فیلم و کارگردانی صریح و خشن رائول والش موجب شده که فیلم ذره‌ای رنگ کهنگی نگیرد. فیلم هنوز هم روی پاست و فصل پایانی آن دیگر در حافظه هر دوستدار سینما نقش بسته است.

White heat.1949

۸۲- سگ ولگرد. یک گانگستری ژاپنی که درست همان سال ساخت اوج التهاب ساخته می‌شود. داستان یک پلیس جوان در توکیوی ملتهب بعد از جنگ که اسلحه‌اش توسط یک دزد به سرقت می‌رود و عامل جنایت می‌شود و او برای پیدا کردن تبهکار تمام حاشیه جنوبی شهر را زیرپا می‌گذارد. فیلم از استایل خاص فیلم نوآرهای آمریکایی سود می‌برد اما در عین حال مضامین شرقی درباره گناه و ارزش زندگی در لابه‌لای فیلم قرار می‌گیرد. فصل زدوخورد طولانی کارآگاه (با بازی توشیرو میفونه جوان) و تبهکار در یک جنگل حاشیه شهر نفسگیر و نمونه‌ای از سبک بصری امپراطور سینمای ژاپن است.

Stray dog.1949

۸۱- پدرخوانده ۲. یک منظومه طولانی و پرپیچ و خم که به شکل متناوب داستان مایکل کورلئونه در روزهای جانشینی پدر و همین طور تصاویر فلاش بک گونه از ورود خانواده ویتو کورلئونه به آمریکا وتبدیل او به یک هیولای مافیا را به تصویر می‌کشد. اینجا خبری از مارلون براندو نیست اما رابرت دونیرو در نقش جوانی‌های ویتو کورلئونه غوغا می‌کند. زیبایی‌های فیلم به فلاش بک‌های آن مربوط می‌شود و صحنه‌های معاصر، آن گرمای قسمت اول پدرخوانده را ندارند. پدرخوانده ۲ در مجموع فیلمی هیجان انگیز و جذاب است.

Godfather2.1974

۸۰- عجیب‌تر از بهشت. اولین فیلم جارموش حاوی لحظات جادویی از سبک این سینماگر تک رو است که در دیگر فیلم‌هایش هرگز با این اندازه و حجم نمایش داده نشدند. داستان یک دخترعموی مجار که به زندگی پسرعموی آمریکایی خود در نیویورک وارد می‌شود. در کشمکش با دنیای مرد جوان و دوست عجیبش و بعد از سوءتفاهم‌های اولیه به تدریج یک رابطه دوستانه بین این سه نفر شکل می‌گیرد که آکنده از حس زوال و تغزل است. فیلم نگاهی نوستالژیک به نیویورک دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد دارد. فیلمی معصومانه و جوانانه که با ساختار فریبنده‌اش (استفاده از ۸۰ فصل کوتاه که با فیداوت در سیاهی از هم جدا می‌شوند) خاطره‌ای پاک نشدنی در ذهن تماشاگرانش بر جای می‌گذارد.

Stranger than paradise.1983

۷۹- پیش از غروب. ملاقات دو قهرمان فیلم پیش از طلوع اثر مشهور دهه نودی ریچارد لینکلیتر در ۹ سال بعد. وقتی که هردو نفر به مردان و زنانی بالغ با دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی و شخصی بدل شده‌اند و در یک بعد از ظهر بهاری در پاریس همدیگر را می‌بینند و بی‌دغدغه با هم گپ می‌زنند و از همه چیز حرف می‌زنند و در عین حال خیابان‌های پاریس و کافه‌هایش را زیر پا می‌گذارند. فیلم نشان می‌دهد که سلیقه و حرف خوب و آدم‌های قشنگ چقدر راحت می‌توانند مواد لازم برای ساخت یک فیلم کم هزینه آوانگارد را تامین کند.

Before sunset.2003

۷۸- استرومبولی. یکی از دستکم گرفته‌ترین فیلم‌های روبرتو روسلینی. یک دختر اهل اروپای شرقی بعد از ایام جنگ با یک ماهیگیر اهل جنوب ایتالیا و شبه جزیره استرومبولی آشنا می‌شود و عاشق می‌شود و خوش‌خیالانه همراه او به این جزیره زیبا اما به شدت سنتی می‌آید. جزیره‌ای که به تدریج و پس از نمایش زیبایی‌های دلفریب زندگی ماهیگیران و دورنماهای مسحور کننده، او را همچون یک زندانی در خود محصور می‌کند. گرفتار در عقاید سنتی و محدود کننده همسر و اهالی جزیره و ازآن سو تنها راه فرار عبور از قله آتشفشان استرومبولی است. فیلمی به شدت مذهبی و انساندوستانه و حاصل دوران عشق ورزی روسلینی و اینگرید برگمن زیبا.

Stromboli.1950

۷۷- عشق در بعدازظهر. یکی از آن رمانس‌های درخشان و کمیک بیلی وایلدر که لقب «افسانه پریان کثیف» را با خود حمل می‌کنند. داستان بازیگوشی دختر یک کارآگاه در پاریس که خود را داخل پرونده پدرش درباره یک دون ژوان ثروتمند آمریکایی می‌کند که در هتل ریتس به اغوای بانوان پاریسی مشغول است و دخترک ۱۸ ساله می‌رود تا این مرد پرمدعا را به زانو در بیاورد. فیلمی آکنده از سکانس‌های درخشان و دوبازی حیرت‌انگیز از گری کوپر ۶۰ ساله و ادری هپبورن ۲۶ ساله. و با یکی از زیباترین پایان بندی‌های تاریخ سینما.

Love in afternoon.1957

۷۶- گاو خشمگین. فیلم دینامیک و پراحساس مارتین اسکورسیزی از زندگی جیک لاموتا قهرمان بوکس حرفه‌ای و زندگی پر از خشونت و بی‌رحمی و تلخی و صعودش به بام بوکس جهان و افول خودویرانگرایانه‌اش که در نهایت به مطالعه‌ای در رفتار و زندگی مرد معاصر آمریکایی بدل می‌شود. رابرت دونیرو در نقش یک بوکسور حرفه‌ای کم‌نظیر است و شاید بهترین نقش آفرینی عمر خود را نمایش می‌دهد. برخی سکانس‌های فیلم درس‌هایی از تدوین و میزانسن و فیلمبرداری هستند.

Raging bull.1980

داستان صدف همان داستان سینماست

آرزوهای بربادرفته یک بازیگر

آنچه بر صدف اسپهبدی در سه سال اخیر گذشته نمونه‌ای آشکار از شرایط سینمای ماست. دختر جوانی که در عرصه بازیگری وارد شد و برایش بازیگری آنقدر مهم بود که برای ایفای نقش در اولین فیلم یک کارگردان جوان ۲۵ کیلو وزن کم کرد و شبی ده کیلومتر پیاده‌روی می‌کرد تا به وزن مورد نظر برسد. آنقدر در نقش خود در قالب یک زن معتاد و تکیده درخشید که سیمرغ بلورین بازیگری از جشنواره فجر را به دست آورد و همه را شگفت‌زده کرد. اما این درخشش همزمان شده بود با خیمه سخت کرونا بر کشور و از آن سو تغییر ایده‌های سیاستی در اداره سینمای کشور و قهر و غضبی که بین مسئولین و سینماگران رخ داده بود و نتیجه‌اش افول ناگهانی سینمای اجتماعی بود. و او که سال‌ها تا ۲۸ سالگی سعی کرده بود نقش مناسبی برای ایده‌آل‌هایش در عرصه سینما و بازیگری پیدا کند حیرت‌زده می‌دید که سینمای ایران چه چرخش عجیبی را در حال تجربه کردن است. او تا کی می‌توانست مقاومت کند؟ به تئاتر پناه آورد و چند کار سخت نمایشی را از سرگذراند و در نهایت وا داد. واداد به نقش‌های فرعی با دستمزدهای بالا در کمدی‌های زنجیره‌ای و صنعتی. استعداد درجه یکی مثل خانم اسپهبدی حالا در سه کمدی پرفروش صنعتی روی پرده ظاهر شده است. در هر سه تا در نقش‌های مکمل چرا که اصلا در این نوع سینمای کمدی جای چندانی برای بازیگران زن در نقش‌های اصلی نیست. قیف، هتل و هفتادسی. در این سه تا کمدی او با رضا عطاران، پژمان جمشیدی و هوتن شکیبا و بهرام افشاری همبازی شده است و بازیگران زنی مثل الهه حصاری و ریما رامین فر و...از این سه فیلم دوتایشان بسیار پرفروش بوده‌اند و هفتاد سی شاید بتواند رقیب فسیل در عنوان پرفروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران بشود.

صدف اسپهبدی بازی در سریال پلیسی بازنده را هم امتحان کرد. در کنار علیرضا کمالی. آنجا هم نقش مکمل داشت و شاهد ایفای نقش‌های اصلی زن توسط سارا بهرامی بود. نمی‌دانیم برنامه‌های آینده خانم اسپهبدی چیست. او فعلا در نقش‌هایی ظاهر می‌شود که نیاز به آن تمرینات سخت و رژیم گرفتن و مطالعه کاراکتر و این چیزها ندارد. تنها انتظار از او این است که سرحال و قبراق روی صحنه حاضر شود لباس‌های قشنگ بپوشد و دیالوگ‌هایش را بدون تپق ادا کند و دستمزدهای راحت بگیرد. میزان کارایی این دستمزدها را هم در تنوع لباس‌های گران‌قیمتی که اسپهبدی در مراسم فرش‌های قرمز بر تن می‌کند و بی‌تفاوتی‌اش در بازگشت همه آن ۲۵ کیلو را می‌توانیم ارزیابی کنیم. این هم یک نوع زندگی است.

ده سال پیش همین روزها

وقتی آماده ترحیم سینما بودیم

ده سال پیش در سال ۱۳۹۳ همه در این باور بودیم که سینمای ایران در حال تجربه یک افول وحشتناک است. ترکش‌های سال ۸۸ و همین طور سیطره سینمای آپارتمانی نفس سینمای ایران را گرفته بود. در یک نزول باورنکردنی کل تماشاگران سینمای ایران در سال ۱۳۹۳ به کمی بیشتر از ۱۲ میلیون رسیده بود. سیر نزولی تماشاگران سینما که از میانه دهه هشتاد شروع شده بود هنوز ادامه داشت. تعداد بلیت‌های فروخته شده در سال‌های ۸۶ (۱۴ میلیون بلیت)، ۸۷ (۱۵ میلیون بلیت) ۸۸ (۱۸ میلیون بلیت) ۸۹ (۱۰ میلیون بلیت) ۱۳۹۰ (۱۲ میلیون بلیت) ۹۱ (۱۰ میلیون بلیت) ۹۲ (۹ میلیون بلیت) بود. این بحران طولانی نفس سینما و سالن‌های سینما را گرفته بود. سینما در حال تبدیل شدن به یک پدیده فرعی بود... شهرموش‌های دو تنها فیلمی است که توانسته در سال ۱۳۹۳ بالای دو میلیون تماشاگر را به سینماها بیاورد و بقیه فیلم‌های پرفروش مثل طبقه حساس و رد کارپت و آتش بس ۲ و معراجی‌ها زیر یک میلیون تماشاگر را راهی سینماها کرده بودند. دقیقا ده سال قبل. در جشنواره فجر آن سال در بهمن سال ۱۳۹۳ این افت تمام شاخصه‌ها را باز هم می‌توانید رصد کنید: بهترین فیلم رخ دیوانه در رقابت با خداحافظی طولانی و دوران عاشقی!

اما این دورنمای کدر در سال ۱۳۹۴ به هم خورد. نه به خاطر اکران سال ۹۴ بلکه به خاطر تولید انبوهی فیلم متفاوت در سال ۱۳۹۴ و افتتاح تدریجی پردیس‌های بزرگ سینمایی. در جشنواره بهمن سال ۹۴ بود که شما می‌توانستید تغییر و تحول سریع در سبد محصولات سینمایی را احساس کنید.شاید به خاطر آنکه در تغییر و تحولات سیاسی نوعی گشایش اقتصادی هم در راه بود و سینما احساس کرده بود. دوران ساخت مال‌های بزرگ تجاری است با سالن‌های سینمایی متعدد و آمادگی برای میزبانی از برندهای بزرگ پوشاک و عطر و لوازم خانگی. در این فضاست که سینما هم روی خوش خود را در جشنواره سال ۹۴ نشان می‌دهد: وقتی که در جشنواره فیلم‌هایی مثل نفس، ابد و یکروز، اژدها وارد می‌شود، سیانور، ایستاده در غبار، محمد رسول الله، فروشنده، بادیگارد و...اکران شدند و در اکران عمومی سال ۹۵ فیلم‌هایی مثل ابد و یکروز و فروشنده تماشاگر بالای دو میلیون نفر را تجربه کردند در کنار کمدی‌هایی مثل ۵۰ کیلو آلبالو و سلام بمبئی، و من سالوادور نیستم. فیلم فروشنده عنوان پرفروش‌ترین فیلم سال را هم به خود اختصاص داد. و تعداد بلیت‌های فروخته شده به بالای ۲۵ میلیون نفر رسید. یعنی به ناگاه تعداد تماشاگر سینمای ایران در وفور فیلم‌های خوب دو برابر شد. ۱۰۰ درصد افزایش فروش. سالی که همه دوستداران سینما با هر سلیقه‌ای فیلم مورد علاقه خود را روی پرده پیدا می‌کردند. از درام‌های اجتماعی تا کمدی‌های بزن بکوب و با نمک. از شهاب حسینی و ترانه تا پژمان جمشیدی و هستی مهدوی و آزاده صمدی.

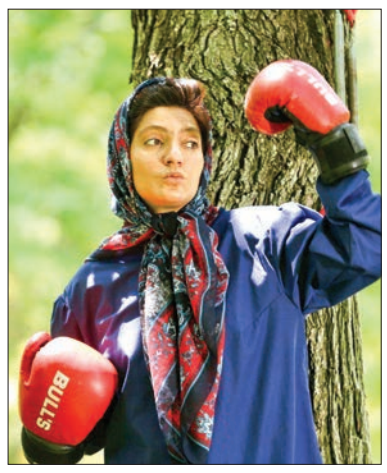

کمدی‌های خوب هم داشته‌ایم

پشت پرده گلایه های این روزها

در مورد سینمای کمدی و استیلای آن بر بدنه سینمای ایران این روزها انتقادات فراوانی به چشم می‌خورد. اما اول بگوییم که این سینما برای گذراندن اوقات فراغت مردم تفریح بدی نیست. مشکل اینجاست که سطح این تفریح کم هزینه، پایین است. نمی‌خواهیم مته به خشخاش بگذاریم اما از این منظر این کمدی‌ها هیچ راهی به سمت نمایش مفهوم و یا معنای خاصی ندارند و عمده انرژی‌شان روی سوءتفاهمات روابط مردو زن وآنچه به شوخی جنسی مشهور شده می‌شود.

شخصا در سینمای ایران کمدی خوب زیاد دیده‌ام. بگذارید اینجا برایتان مرور کنم: اجاره‌نشین‌ها، مهمان مامان، سن پترزبورگ، پسر آدم دختر حوا، مصادره، لیلی با من است، ورود آقایان ممنوع، نهنگ عنبر یک و دو، تگزاس ۲، ضد گلوله، دراکولا... در اکثر این کمدی‌ها نقش‌های بسیار خوبی برای خانم‌ها نوشته شده بودند. مثلا مهناز افشار و ویشکا آسایش در نهنگ عنبر یک و دو (یکی از دستکم گرفته شده‌ترین کمدی‌های سینمای ایران) گلاب آدینه در مهمان مامان، باز هم مهناز افشار در پسر آدم دختر حوا (با مواضع سیاسی خانم افشار کاری نداریم اما ایشان بخصوص در عرصه کمدی بازیگر قابلی بودند). گذشته از این در تمام این کمدی‌ها یکی دو مفهوم مرکزی وجود دارند که به شکلی مستقیم و یا غیرمستقیم به یک جامعه جوشان و پرتلاطم و تناقض‌هایش اشاره داشتند. خب در میان کمدی‌های پرفروش پنج شش سال گذشته این مسئله غایب بوده است مگر این که ایده مرکزی فسیل و تغییر ناگهانی ارزش‌های جامعه در حالیکه ذات آدم‌ها تغییری نکرده را به عنوان یک مفهوم مرکزی در نظر بگیریم و ازآن ستایش کنیم. در واقع جز فسیل که اشاره‌ای به برخی مفاهیم تنش ساز اجتماعی این سال‌ها می‌کند بقیه کمدی‌ها روی کینه جویی‌های اجتماعی در مورد تعارض طبقه متوسط با طبقه سنتی، شوخی‌های جنسی کلیشه‌ای مثل قرارگرفتن مردمتاهل در موقعیت‌های خانمانسوز و کمی رقص مردانه و از این چیزها و البته استفاده از فرهنگ لغات لمپن‌ها و خرده فرهنگ‌های حاشیه شهر و ایجاد همان دوقطبی‌های دهه چهل و پنجاه در مورد ثروتمند آراسته و جنوب شهری زبر و زرنگ و از این طور چیزها.

روایت

عجایب گلدن گلوب

۱. قطعا بیشترین میزان توجه دنبال کنندگان گلدن گلوب امسال به موزیکال جسورانه «امیلیا پرز» جدیدترین ساخته ژاک اودیار تعلق دارد. فیلمی که برخلاف تصورات، به‌شدت تحویل گرفته شد و با ۱۰ نامزدی، پیشتاز جوایز امسال است. مقایسه این میزان اقبال با فیلم پرافتخار سال یعنی «آنورا» که در کن حسابی درخشید و طی ۲۴ ساعت گذشته موفق شد تا بهترین فیلم منتقدان لس آنجلس ۲۰۲۴ باشد اما تنها نامزد ۵ شاخه گلدن گلوب شد، تعجب بسیاری را برانگیخته است.

۲. تاریخ‌سازی گلدن گلوب سال آینده، متوجه انیمیشن «ربات وحشی» است که با ۴ نامزدی، توانست رکورد بیشترین نامزدی یک انیمیشن در جوایز گلدن گلوب را بشکند و برخلاف انتظارات، یک افتخارآفرینی بزرگ را برای خود رقم بزند. انیمیشنی که امسال از شانس به‌مراتب بیشتری نسبت به فصل دوم «موآنا» و «درون و بیرون» برخوردار است.

۳. قطعا گلدن گلوب هشتادودوم برای طرفداران بلاک‌باستر «تلماسه»، یک دوره تلخ خواهد بود. فیلم پرهیاهویی که برخلاف انتظارها، تنها ۲ نامزدی که یکی از آنها در شاخه موسیقی است، به دست آورد و تعجب فراوانی را برانگیخت. مقایسه میزان اقبال به این فیلم در قیاس با فیلمی چون «شرور» که در ۴ شاخه نامزد شده، بسیارعجیب به نظر می‌رسد.

فیلم «ماده» که در کن امسال، توجهات بسیاری را به خود معطوف کرد، در گزینشی عجیب، در شاخه بهترین کمدی موزیکال نامزد شده است.

۴. فیلم «ماده» که در کن امسال، توجهات بسیاری را به خود معطوف کرد، در گزینشی عجیب، در شاخه بهترین کمدی موزیکال نامزد شده است. یک درام پرتکانه که المان‌هایی از سینمای وحشت را در خود دارد، حالا در یک انتخاب عجیب، در شاخه کمدی موزیکال نامزد شده است. این انتخاب گلدن گلوب طی ساعات اخیر، با بازتاب منفی رسانه‌های بین‌المللی بسیاری مواجه گشته و به سوژه سرگرمی منتقدان این جایزه تبدیل شده است.

۵. فیلم «شرور»، حداقل تا اینجا، خاطره خوبی از گلدن گلوب هشتادودوم دارد. فیلمی که برخلاف انتظارها در ۴ رشته نامزد شد و خاطرات سال گذشته «باربی» را تکرار کرد. تم زنانه و موزیکال فیلم سبب شده تا این فیلم از همان زمان اکران، با «باربی» مقایسه شود و همزمانی نمایشش با فیلم «گلادیاتور ۲» مخاطب را به یاد دوقطبی اکران «باربی» و «اوپنهایمر» بیاندازد. حالا «شرور»، بسیار فراتر از تصور، در ۴ شاخه نامزد شده است که باید دید موفق خواهد شد مانند «باربی» به ۲ جایزه گلدن گلوب برسد و افتخارآفرین ظاهر شود یا افتخارآفرینی‌اش به همین میزان خلاصه خواهد شد.

فعلا جایی برای پیرمردها هست

هفت یک | کوین دی‌بروینه حدودا یک دهه است که جزو درخشان‌ترین ستاره‌های آسمان پرستاره لیگ برتر محسوب می‌شود و شاید بهترین و به قطع خلاق‌ترین و تعیین کننده‌ترین بازیکن در نسل خود بوده باشد. او همچنین اغلب چهره سرنوشت‌ساز لیگ نیز بوده، با این حال، در کمتر از چند ماه قرار است بدون هیچ مداخله‌ای از تیم خود برود.

قرارداد اخیر او، که احتمالا گران‌ترین قرارداد در تاریخ فوتبال انگلیس است، در ژوئن به پایان می‌رسد. با این حال باشگاه او هیچ عجله‌ای برای بستن قرارداد جدید ندارد و این طور که به نظر می‌رسد می‌توان گفت احتمال خروج کوین دی‌بروینه از منچسترسیتی بسیار بیشتر از احتمال ماندن او در این باشگاه هست.

او تنها بازیکنی نیست که چنین شرایطی دارد. در حالی که دی‌بروینه آشکارا در مورد عدم مذاکره بر سر یک قرارداد جدید با منچسترسیتی بی‌تفاوت است- و این زمانی مشخص شد که او این هفته گفت: «نگران نیستم» که این موضوع گویای این است که او با بازگشت از مصدومیت هر گونه فکر کردن در مورد آینده‌اش را کنار گذاشته است- محمد صلاح با لیورپول راهی متفاوت در پیش گرفته است.

رویکرد صلاح در رابطه با این قضیه به شکل چند پلتفورمی بود، که حرکتی تحسین‌برانگیز است؛ و او حتی اگر قرارداد جدیدی امضا نکند، متخصص خوبی در تجارت شود. اولین حرکت او در مورد این اوضاع در سپتامبر و به صورت زنده در تلویزیون صورت گرفت. برای حرکت دوم پس از پیروزی مقابل برایتون، از رسانه اجتماعی استفاده کرد و حرکت سومش را به شکلی غیرمترقبه در مقابل ازدحام رسانه‌ها در ماشینی که در خارج از سنت‌ماری پارک شده بود، انجام داد.

هر سه حرکت جوی اضطراری حول آینده صلاح ایجاد کرده‌اند که کاملا در تضاد با خونسردی نسبی دی‌بروینه است. البته شرایطی که باشگاه‌های این دو بازیکن نیز در آن به سر می‌برند، نیز بی‌تأثیر نبوده است. در هفته‌های اخیر منچسترسیتی سرگرم موضوعات بسیار حساس‌تری بوده است. در حالی که ابرهای مشکلات لیورپول در افق دوردست هستند و لیورپول در شرایطی پایدار به سر می‌برد.

با وجود تفاوت‌های ظاهری، اصل شرایط این دو بازیکن بسیار به هم شبیه است. از قابلیت‌های فوتبال این است که اتفاقاتی تصادفی ایجاد می‌کند که به نظر طرحی هوشمند در ورای آن‌ها وجود دارد. شروع داستان دی‌بروینه و صلاح در لیگ برتر شباهتی اساسی به هم دارد: چلسی هر دو بازیکن را کشف کرد و با آن‌ها قرارداد بست و زودتر از موعد هم این دو را کنار گذاشت و به این شکل هر افتخاری که این دو بازیکن در دوران بازی حرفه‌ای خود به دست آوردند، تصمیمات ژوزه مورینیو را زیر سوال برد.

به نظر می‌رسد سرنوشت این دو باز هم ممکن است در انتها در هم گره بخورد. صلاح ۳۲ ساله است و دی‌بروینه یک سال بزرگتر است. هر دو از پردرآمدترین بازیکنان لیگ هستند. و زمانی که در شرایط خوبی هستند، هر دو استعداد درخشش در بازی را دارند. هر دو هنوز توانایی تغییر سرنوشت بازی و یا حتی فصل را آن طور که می‌خواهند، دارند و در هیچ کدام، از لحاظ فیزیکی، نشانه‌ای از زوال دیده نمی‌شود.

البته به هر حال این دو بازیکن هم انسان هستند و دیر یا زود افت خواهند کرد. این امر باعث شده که باشگاه‌های این دو بازیکن در شرایط بلاتکلیفی قرار بگیرند. بیرون کردن یک اسطوره مدرن از باشگاه غیرقابل تصور است ولی هم لیورپول و هم منچسترسیتی هر دو می‌دانند که بالاخره خورشید غروب خواهد کرد و حاضر نیستند که سالی ۱۵ میلیون پوند (۱۹ میلیون دلار) برای دیدن چنین منظره‌ای پرداخت کنند.

در فوتبال همیشه این مشکل مطرح بوده است که با بازیکنانی که به سال‌های آخر دوران حرفه‌ای خود نزدیک می‌شوند، چه باید کرد. ایان گراهام، مدیر سابق استعدادهای لیورپول، در کتابش، چگونه قهرمان لیگ برتر شویم، نوشته است که حقوق بازیکنان معمولا در ۲۹ سالگی به بیشترین حد نصاب خود می‌رسد و بازیکنان زمانی که به سن صلاح و دی‌بروینه می‌رسند، در اوج پتانسیل درآمد خود هستند.

مشکل این است که عملکرد بازیکنان در خلاف جهت این رشد درآمدی حرکت می‌کند. پیری در هر فرد متفاوت است؛ مدت زمانی که دوران بازی یک بازیکن طول می‌کشد به اندازه‌ای برای هر فرد متفاوت است که پیش‌بینی آن بسیار سخت است. آخرین بازی وین رونی در لیگ قهرمانان اروپا در سال ۲۰۱۶ بود. در حالی که لوکا مودریچ در چهارشنبه اخیر باز هم در لیگ قهرمانان اروپا بازی کرد. جالب این است که سن مودریچ یک ماه از رونی بیشتر است.

با این حال، اکثر باشگاه‌ها این اصل را که اغلب- و شاید به اشتباه – به باب پیزلی نسبت داده می‌شود، دنبال می‌کنند که بهتر است «شخص دیگری شاهد افت بازیکنان باشد.»

البته این موضوع در عمل معمولا به شکل دستورالعمل تجلی پیدا می‌کند تا قانون. منچستر یونایتد در سال ۲۰۰۹ تصمیم گرفت که دیگر برای بازیکنانی که بیش از ۲۶ سال سن دارند، هزینه قابل توجهی پرداخت نخواهد کرد. البته با توجه به این که در مورد یونایتد صحبت می‌کنیم، این موضوع آن قدر طول نکشید. آرسن ونگر در آخرین سال‌هایش در آرسنال اعلام کرد که به بازیکنانی که بیش از ۳۲ سال سن دارند، تنها قراردادهای یک ساله ارائه می‌دهد، که این موضوع هم استثنائات زیادی داشت.

چلسی در دو سال اخیر هزینه هنگفتی برای گردآوری جوان‌ترین تیم لیگ برتر پرداخته است؛ تنها یک بازیکن هست که صاحبان حال حاضر باشگاه با او قرارداد بسته‌اند و سنش بیشتر از ۲۵ سال است، آن هم توسین آدارابیویو است که انتقالش به چلسی رایگان بود. لیورپول تنها دو بار در ۹ سال اخیر برای بازیکنی با بیش از ۲۷ سال سن پول پرداخته است و تاتنهام آخرین بار این کار را در سال ۲۰۲۰ انجام داده است.

در فصل اخیر تنها ۱۱۷ بازیکن ۳۰ تا ۳۹ ساله در لیگ برتر بازی کردند، که این کمترین تعداد این بازیکنان از سال ۲۰۰۸ است. از آنجایی که باشگاه‌های انگلیس مملو از داده شده‌اند، بازی‌ها سریع‌تر و مالکان هوشمندتر شده‌اند، نتیجه این شده است که فوتبال در انگلیس بازی بازیکنان جوان است.

برخی از پژوهش‌گران به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود این که بازیکنان بعد از ۳۰ سالگی از لحاظ فیزیکی افت می‌کنند اما از لحاظ «فنی-تاکتیکی» به‌خوبی گذشته باقی می‌مانند و یا حتی بهتر می‌شوند.

بر حسب اتفاق، کریم بنزما، رابرت لواندوفسکی، الیویه ژیرو و البته لازم به ذکر نیست، کریستیانو رونالدو و لیونل مسی، همه در اوج دوران بازی خود در میانه و حتی اواخر دهه چهارم زندگی خود به بازی ادامه دادند. با توجه به پیشرفت‌هایی که در زمینه تغذیه، آمادگی بدنی و ریکاوری شاهد آن هستیم، این موضوع نباید موجب تعجب کسی شود. شواهد عینی زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد در گذشته بازیکنان زودتر پیر می‌شدند.

پس این گرهی است که لیورپول و منچسترسیتی باید باز کنند. سُنّت یک چیز می‌گوید و علم چیز دیگری. بعضی، همه یا هیچ کدام از این صحبت‌ها ممکن است در مورد صلاح و دی بروینه صادق باشد یا نباشد. هر دو بازیکن از لحاظ پتانسیل مالی در اوج و از لحاظ فیزیکی احتمالا در افول هستند. اینکه چقدر در این شیب افول رو به پایین حرکت کرده‌اند، تا حدی قابل تخمین است ولی دقیقا قابل اندازه‌گیری نیست.

خواندنی و دیدنی و شنیدنی

شماره پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷
پنجشنبه | ۲۲ آذر ۱۴۰۳ | شماره ۳۹۳۸
۱۵

پیام‌های برگزیده خوانندگان / پنجشنبه‌ها / پیامک: ۰۹۲۰۲۰۰۱۷۰۷

اندر حکایت لذت «شاورما» خوردن!

بشار اسد، قانون حجاب، شام آخر، گرانی بنزین، شهرک گلبهار، بثینه شعبان، متروی تهران، هلدینگ خوشپوشان و تمساح خونی...

۰: ۹۱۵۱۱۰: دوستان می‌شه لطف بفرمایید فقط به مسائل اجتماعی یا ورزشی بپردازید و سیاست‌بی‌خیال بشید؟ بعد از تحلیل عجیب‌تون از رئیس‌جمهور پرکار! قبلی، حالا «شاورما خوردن وزیر در دمشق آرام» توسط خانم مژدهی و برداشت شما که همه پشت بشار اسد هستند چاپ شد و نتیجه‌اش رو که امروز دیدید... اقایی خیال... با دارین خط می‌گیرین یا از ترس می‌نویسین... مرسی از بقیه مطالب خوب‌تون...(عماد عشقی- مشهد)

۰: اخه تو اگه بدونی «شاورما»ء خوردن در یک روز آرام چه حالی می‌ده! دیگه از دماغمون درنیار دیگه!به قول شاعر: من شاورمایی دیدم که چه خالی می‌پخت!
۰: ۹۳۶۲۲۹ ۰: درود بیکران. گوید: سر کار خانم «جنیفر لوپز» به مکه مشرف شده، اما حقیقت دارد؟

۰: لاکردار این همه راه رفته، اونوخ برای من فقط به «مانیک مدینه» آورده! خجالت هم نمی‌کشه!
۰: ۹۱۲۴۰۵ ۰: داش ابرام. خب به سلامتی، قانون حجاب هم تصویب شد. به نظر من بهتر بود به شماره حساب می‌دادن خانم‌های محترم خودشون هر هفته به مقدار پول می‌ریختن تو حساب دولت. فکر کنم بهتر از اینه که اونارو با اتباع خیلی شریف درانداز!ن. فقط نمی‌دونم دزدی که هفده بار گرفتنش، چطوری بدون پرداخت جریمه، دوباره آزاده؟ حرف اخرِ اینکه لطف کن بگو آستین‌کوتاه و بوی عطر داخل دادن چقدر جریمه دارد؟(م. تاراج)

۰: آستین کوتاه بپوشید، خودم همه‌تونو هشتاد دینار و یازده لیوه استرلینگ جریمه می‌کنم و عطر هم بزنین ۱۵ پزوتا. بابا بوی گند دادن مگه اشکالی داره؟!
۰: ۹۱۲۳۰۸ ۰: استاد رفتم پمپ‌بنزین، می‌گم سوپر خارجی یا یکیفت دارین؟ با شلینگ دنبالم کرد. مردم اعصاب ندارن. فکر کنم به خاطر آلودگی هواس. نهههههه استا!!!؟

استاد، خودتی، استاد عمه‌ته. استاد، جَد و آبادته. کمربندم کو؟ (منم اعصابم خرابه‌ها داداش!)
۰: ۹۱۸۱۳۳ ۰: تلویزیون ما قشر آسیب‌پذیر، امشب ۹۵وات بروز و سوزاند تا از کسی که به آب‌بها، چشتی آگیرم داده، یک توجیه بشنویم! خیلی نشنیدیم. همیشه هم می‌گن کم‌مصرفا نگران نباش.

۰: من بدبخ کم‌مصرف‌رو بگو که هر روز نند و تند اسمس تهدیدکننده میاد که برق زیاد مصرف می‌کنین، آب زیاد مصرف می‌کنین. غاز زیاد مصرف می‌کنین. می‌خوام این دفعه از بیابون، قلوه‌سنگ جمع کنم واسه دشمنیی!
۰: ۹۰۵۹۸۰ ۰: صبح بخیر و شادی. نظر به خرید کالا از واحدهای خدمات فروش، شایسته است اداره اماکن، ترازوی واحدهای فروش را چک کند. در حق مشتریان اجحاف می‌کنند و ترازوهای دیجیتال باهم همخوانی ندارد.(رضایی)

چشم. الان به اداره اماکن تلگراف می‌زنم رسیدگی کنه! (دیدید گاهی مسئولین ما همچین راهکارهایی ارائه می‌دن؟!)
۰: ۹۱۸۳۶۳ ۰: چرا باجیه ایستگاه راه‌آهن شهرستان‌ها در روز پیش‌فروش، بلیت نمی‌فروشند؟ یا قطعی اینترنت هم نمی‌شود خودمان بلیت تهیه کنیم. گرفتن بلیت از آژانس‌های مسافرتی هم یکی داستانی‌ست. پر آب چشم!

۰: من موندم چرا دولت واسه این همه «آب چشم»، قبض و مالیات تعیین نمی‌کنه داش!
۰: ۹۱۲۳۳۹ ۰: چهار پنج ساله که تو شبکه‌های ماهواره‌ای تبلیغ فروش زمین‌های شهرک گلبهار مشهد، پخش می‌شه. تهران‌رو هم می‌شه تو یه ماه زمین‌هاشو فروخت. بگین بیاد تو مترو، یه روزه فروش می‌ره.

۰: اگه بیارن تو مترو، من خودم حتما یه قواره زمین با یه ماده چشم و یه دستمال سفره‌شونو رو هوا می‌خرم، منتظر می‌شینم بکشه بالا!
۰: ۹۱۰۹۹۶ ۰: لطفا در پرونده ویژه ورزشکاران، متروی تهران را (تعداد ایستگاه و نرخ بلیت) با شهرهای مهم جهان مقایسه کنید. فقط خواهشا با تبریز ما مقایسه نکنین که ناراحت می‌شم!!
۰: ۹۱۲۶۰۵ ۰: چرا نسخه جدید اپلیکیشن هفت‌صبح در اپلیکیشن بازار موجود نیست؟

۰: بازار فقط چلوکبابی مسلم!
۰: ۹۲۳۳۸۰ ۰: آقای خوشخوار بخواهم نظرم را با شما به عنوان یکی از منتقدین تیزبین دنیای سینما (حداقل سینمای ایران) صرفا راجع به فیلم «تمساح خونی» آن هم بعد از دیدنش در سینما به اشتراک بگذارم می‌گویم تمساح خونی فیلمی بود با یک ایده بسیار غنی و تاثیرگذار و مستعد پیاده شدن سناریوی قوی و سینمایی که با ژانرهای متفاوت هم سازگاری داشت ولی متنفرم شکل و ساختار و همچنین در انتخاب سناریو، کاراکتر و دیالوگ، به نظرم به یکی از نامیزان‌ترین، بدترین و بی‌کیفیت‌ترین فیلم‌های ایرانی بدل شد.

کی گفته نظرتو با خوشخو به اشتراک بذاری؟ رگ گردنم می‌زنه بیرون‌ها!
۰: ۹۱۲۱۲۱ ۰: روزم را خراب کردید با این هلدینگ خوشپوشان و زیباروبان. آخه اینم شد عکس؟ آه.

۰: امت بیفته تو دره‌ها، تبدیل به بارون می‌شه، آه نکش.
۰: ۹۳۹۷۸۰ ۰: سلام و درود بر تواشکان. به مطلب امروزت.

۰: به چشای سیاهت، به جبینای پر یولت. به بخت و اقبالت. بگو بازم.
۰: ۹۱۱۸۶۴ ۰: آقای افشار، ما از یاران چشم یاری داشیم. از شما که مبلغ انصاف و عدالتید انتظار می‌رفت منصف باشید و پیامها را چاپ کنید. چرا پیام من خصوصا ۴هفته قبل مرا که در مورد سرباز بسیـ!(دیدید گاهی مسئولین ما همچین راهکارهایی ارائه می‌دن؟!)

۰: ۹۱۸۳۶۳ ۰: چرا باجیه ایستگاه راه‌آهن شهرستان‌ها در روز پیش‌فروش، بلیت نمی‌فروشند؟ یا قطعی اینترنت هم نمی‌شود خودمان بلیت تهیه کنیم. گرفتن بلیت از آژانس‌های مسافرتی هم یکی داستانی‌ست. پر آب چشم!

۰: من موندم چرا دولت واسه این همه «آب چشم»، قبض و مالیات تعیین نمی‌کنه داش!
۰: ۹۱۲۳۳۹ ۰: چهار پنج ساله که تو شبکه‌های ماهواره‌ای تبلیغ فروش زمین‌های شهرک گلبهار مشهد، پخش می‌شه. تهران‌رو هم می‌شه تو یه ماه زمین‌هاشـو فروخت. بگین بیاد تو مترو، یه روزه فروش می‌ره.

۰: اگه بیارن تو مترو، من خودم حتما یه قواره زمین با یه ماده چشم و یه دستمال سفره‌شونو رو هوا می‌خرم، منتظر می‌شینم بکشه بالا!
۰: ۹۱۰۹۹۶ ۰: لطفا در پرونده ویژه ورزشکاران، متروی تهران را (تعداد ایستگاه و نرخ بلیت) با شهرهای مهم جهان مقایسه کنید. فقط خواهشا با تبریز ما مقایسه نکنین که ناراحت می‌شم!!

۰: ۹۱۲۶۰۵ ۰: چرا نسخه جدید اپلیکیشن هفت‌صبح در اپلیکیشن بازار موجود نیست؟
۰: ۹۲۳۳۸۰ ۰: آقای خوشخوار بخواهم نظرم را با شما به عنوان یکی از منتقدین تیزبین دنیای سینما (حداقل سینمای ایران) صرفا راجع به فیلم «تمساح خونی» آن هم بعد از دیدنش در سینما به اشتراک بگذارم می‌گویم تمساح خونی فیلمی بود با یک ایده بسیار غنی و تاثیرگذار و مستعد پیاده شدن سناریوی قوی و سینمایی که با ژانرهای متفاوت هم سازگاری داشت ولی منتظر شکل و ساختار و همچنین در انتخاب سناریو، کاراکتر و دیالوگ، به نظرم به یکی از نامیزان‌ترین، بدترین و بی‌کیفیت‌ترین فیلم‌های ایرانی بدل شد.

کی گفته نظرتو با خوشخو به اشتراک بذاری؟ رگ گردنم می‌زنه بیرون‌ها!
۰: ۹۱۲۱۲۱ ۰: روزم را خراب کردید با این هلدینگ خوشپوشان و زیباروبان. آخه اینم شد عکس؟ آه.

۰: امت بیفته تو دره‌ها، تبدیل به بارون می‌شه، آه نکش.
۰: ۹۳۹۷۸۰ ۰: سلام و درود بر تواشکان. به مطلب امروزت.

۰: به چشای سیاهت، به جبینای پر یولت. به بخت و اقبالت. بگو بازم.
۰: ۹۱۱۸۶۴ ۰: آقای افشار، ما از یاران چشم یاری داشیم. از شما که مبلغ انصاف و عدالتید انتظار می‌رفت منصف باشید و پیامها را چاپ کنید. چرا پیام من خصوصا ۴هفته قبل مرا که در مورد

حال نوشتن ندارم، یا صاحبونه می‌آد در خونه که «یالله اجاره‌رو دو برابر کن، وگرنه پلاس تو می‌ریزم بیابون» و یهو می‌بینی که روزنامه داره می‌ره چایخونه ولی صفحه خالی موندند. خب ستون سفید که نمی‌شه چاپید؟ (البته اینا توجیه نمی‌شه. حق با کسیه که پول می‌ده!)
۰: ۹۱۵۶۹۷ ۰: وقت بخیر. از روز جمعه، اشتراک یک‌ماهه خرید کردم اما متاسفانه بی‌دی‌اف‌ها باز نمی‌شه. با روزنامه تماس گرفتم گفتن مشکل برطرف شده اما نشده. امیدوارم در قبال این خطا پس از اصلاح، به زمان اشتراک افزوده شود.

۰: این رفقایی که من دیدم، نه‌تنها به اشتراک اضاف می‌کنن بلکه عکس امضا شده ابرام در کنار آنجلینا رو هم برات می‌فرستن که تشویق بشی!
۰: ۹۴۰۰۹۱۲: خدمت دوستان شهدایی و داش ابرامی... من بالاخره بعد از دو شب بستری شدن تو بیمارستان، تک و تنها و تو به روز بارونی و پاییزی از بیمارستان مرخص شـدم و اومدم دوباره به لونک تنهایی‌ام و خودم و شـهدا و داش ابرام، دیگه!!! خدا خیر بگی از همراهای مریض و همراهاتـی منو بده که باهم ترخیص شدیم و اونا وسیله داشـتند و منو با این پای مجروح و خسته تا جلوی مدرسه رسوندند. از دوستان هم فقط مدیریت مدرسه حاج آقای شکرآبی لطف کردن و اومدن بیمارستان، عیادت این بنده حقیر که انشاءالله دعاگو و نایب‌الزیاره‌شون هستم همه جا!!! (با تشـکر و یاعلی مدد، عمورضا ابراهیم هادی، زائر دوچرخه‌سوار شهدا و کربلا...)

۰: هم اگه من دونستم حتما با کمبوت شلغم و تخمه چایونی می‌اومدم عیادت!
۰: ۹۲۷۴۵۷ ۰: ساحت سیاست و هنر هیچگاه منفک نبوده، کسی فکرش را هم نمی‌کرد در غائله سوریه شاهکار نقاشی عکس «شام آخر»، اثر لئوناردو عراقچی باشیم!

۰: تازه، «دخترانِ اوینون» اثر ظریف و ندیدنی!
۰: ۹۱۲۸۰۶ ۰: صفحاتی مثل تندرستی و... را حذف کردید که هر روز اشتراتاب چاپ بشه؟ عجیب!

۰: نه که همه‌مون در این هوای نازسازی و تمیز به تندرستی کامل رسیدیم دیگه صفحه واسه تندرستی می‌خواییم چیکار؟!
۰: ۹۳۰۰۵۲ ۰: از الان کنجکاوم بدانم آخـر و عاقبت خانم بثینه شعبان چه خواهد شد - مثل دُر پارسا؟

۰: به دققه وایستا برم بساط تاس و آینده‌بینی مو راه بندازم بیام بگم!
۰: ۹۳۴۴۸۰ ۰: مدیر خوبی سـراغ دارید؟ چون تاکسیرانی گرگان لازم دارد. آخـه به دلیـل بی‌مدیریتی، هیچ نظارتـی ندارن و هرمسیری دل‌شـون بخواد می‌زن. در طول روز دو ساعت هم کار نمی‌کنن و کارشونو دربسـتیه و کسی هم نیسـت حرف بزنه.

۰: تاکسی زمینی چرا سوار می‌شین؟ تاکسی هوایی کنه! اونا فقط منتظر دستورات منن!
۰: ۹۱۵۸۷۹ ۰: بسیجی باغیرت واقعی: شهیدان همت و جهان‌آرا و باقری و باکری. با سپاس و با یادی از این شهیدان بزرگوار آریایی، همان بزرگ‌مردانی که با شهامت و غیرت غرور آفرین رفتند که مسئولان وقت کشور عدالت، انسانیت، معیشت و سفره‌های مردم را به رنج و فلاکت بکشـند. این روزگار نحس نیز بگذرد. (یاهو. آزادبخت آزادمهر)

۰: اگه نگذشت چی؟! دیدم که نگذشته‌ها.
۰: ۹۰۳۰۱۵ ۰: آقای پزشکیان تا زمانی که شما رسما شفاف و بدون لکنت زبان و بدون خوف، از تریبون رسـمی جمهوری اسلامی ایران اعـلام نکنید که علت تاتارزای‌های موجـود، بی‌کفایتی و لجاجت عامدانه شخص روحانی و وزرای بی‌کفایتش و اعتدالیون و اصلاح‌طلبان بودند مردم درهای برای سخنان شما ارزش قائل نخواهند شد.

۰: حالا حت حت حت ماباس‌س‌س از تری تری تریبون رسـمی بگه؟ تو گو گو گوش من بگه کفا کفایت نمی‌کنه؟ می‌کنه به جا جا جات خودم! (ببرام هم لکنت گرفته!)
۰: ۹۹۰۳۰۷ ۰: از بازرسـان محترم بانک می‌خواهشمندیم لطفا گاهی مواقع به بانک ملی شعبه میدان شهرری، سر کشی کرده و عملکرد مدیر و تعدادی از کارمندان بانک را ارزیابی کرده و ببینند که آیا فقط در خدمت تجار و بازاریان شهرری هستند و به بقیه ارباب رجوع، توجهی ندارند. (روزنامه هفت‌صبح لطفا چاپ کنید شاید رسیدگی شود.)

۰: چاپ کردنش چـاپ می‌کنم ولـی فکر می‌کنی مثلا بچه‌های بازرسـی نشسـتن، تخمه می‌شـکونن و صفحات روزنامه‌ها رو سطر به سطر چک می‌کنن که ببینن تو شعبات چه خبره؟ (مخصوصا صفحه کفترا رو که هیچ مدیری نیگا سگ هم به‌ش نمی‌اندازه) خب زندگی ترفیع و ترفیع و وام و رونق شعبه اونا هم بسـتگی به همین تجار معظم داره، نه من به‌لافیا که تو حساب بانکی‌ام مو رچه‌ها بچه پس انداختن و به اندازه هسته خرما هم ارزش ندارم!
۰: ۹۱۲۲۵۴ ۰: عجیب اسـت که این به‌اصطلاح «حقوقی»های ما هم به جای اینکه بگویند «زنای به عنف»، می‌گویند «تجاوز به عنف» که معنی آن می‌شود تجاوز به زور!

۰: تجاوز یا محبت، منظورشونه نکنه؟!
۰: ۹۱۶۶۵۱ ۰: اسـتاد افسـار حقیقتا مطالب تکراری در روزنامه خیلی زیاد شده و کسـی که هر روز روزنامه می‌خره و می‌خونه بیشتر متوجه می‌شه. مثلا خبری که امروز نوشته شده، روزهای بعد هم داخل صفحـه دیگر روزنامه تکرار می‌شـه. رو اعصابه. فکری کنید.

۰: داسـتان اینه که عزیزم! ما هم آدمیم و گاهی یهو مرض قانقارا می‌گیریم، ترمومـتامون یهو خراب می‌شه، یا چنون دچار قاعدگی مزمن یا به‌بار کی دل افسـرده می‌شیم که کنه! اونا فقط منتظر دستورات منن!
۰: ۹۱۵۸۷۹ ۰: بسیجی باغیرت واقعی: شهیدان همت و جهان‌آرا و باقری و باکری. با سپاس و با یادی از این شهیدان بزرگوار آریایی، همان بزرگ‌مردانی که با شهامت و غیرت غرور آفرین رفتند که مسئولان وقت کشور عدالت، انسانیت، معیشت و سفره‌های مردم را به رنج و فلاکت بکشـند. این روزگار نحس نیز بگذرد. (یاهو. آزادبخت آزادمهر)

۰: اگه نگذشت چی؟! دیدم که نگذشته‌ها.
۰: ۹۰۳۰۱۵ ۰: آقای پزشکیان تا زمانی که شما رسما شفاف و بدون لکنت زبان و بدون خوف، از تریبون رسـمی جمهوری اسلامی ایران اعـلام نکنید که علت تاتارزای‌های موجـود، بی‌کفایتی و لجاجت عامدانه شخص روحانی و وزرای بی‌کفایتش و اعتدالیون و اصلاح‌طلبان بودند مردم درهای برای سخنان شما ارزش قائل نخواهند شد.

۰: حالا حت حت حت ماباس‌س‌س از تری تری تریبون رسـمی بگه؟ تو گو گو گوش من بگه کفا کفایت نمی‌کنه؟ می‌کنه به جا جا جات خودم! (ببرام هم لکنت گرفته!)
۰: ۹۹۰۳۰۷ ۰: از بازرسـان محترم بانک می‌خواهشمندیم لطفا گاهی مواقع به بانک ملی شعبه میدان شهرری، سر کشی کرده و عملکرد مدیر و تعدادی از کارمندان بانک را ارزیابی کرده و ببینند که آیا فقط در خدمت تجار و بازاریان شهرری هستند و به بقیه ارباب رجوع، توجهی ندارند. (روزنامه هفت‌صبح لطفا چاپ کنید شاید رسیدگی شود.)

۰: چاپ کردنش چـاپ می‌کنم ولـی فکر می‌کنی مثلا بچه‌های بازرسـی نشسـتن، تخمه می‌شـکونن و صفحات روزنامه‌ها رو سطر به سطر چک می‌کنن که ببینن تو شعبات چه خبره؟ (مخصوصا صفحه کفترا رو که هیچ مدیری نیگا سگ هم به‌ش نمی‌اندازه) خب زندگی ترفیع و ترفیع و وام و رونق شعبه اونا هم بسـتگی به همین تجار معظم داره، نه من به‌لافیا که تو حساب بانکی‌ام مو رچه‌ها بچه پس انداختن و به اندازه هسته خرما هم ارزش ندارم!
۰: ۹۱۲۲۵۴ ۰: عجیب اسـت که این به‌اصطلاح «حقوقی»های ما هم به جای اینکه بگویند «زنای به عنف»، می‌گویند «تجاوز به عنف» که معنی آن می‌شود تجاوز به زور!

۰: تجاوز یا محبت، منظورشونه نکنه؟!
۰: ۹۱۶۶۵۱ ۰: اسـتاد افسـار حقیقتا مطالب تکراری در روزنامه خیلی زیاد شده و کسـی که هر روز روزنامه می‌خره و می‌خونه بیشتر متوجه می‌شه. مثلا خبری که امروز نوشته شده، روزهای بعد هم داخل صفحـه دیگر روزنامه تکرار می‌شـه. رو اعصابه. فکری کنید.

۰: داسـتان اینه که عزیزم! ما هم آدمیم و گاهی یهو مرض قانقارا می‌گیریم، ترمومـتامون یهو خراب می‌شه، یا چنون دچار قاعدگی مزمن یا به‌بار کی دل افسـرده می‌شیم که

قاب

قاب تاریخ ۱

پس‌لرزه‌های ۱۶ آذر بر حیات پهلوی دوم؛ واقعه ۱۶ آذر چه تاثیری بر مسیر و حرکت جنبش دانشجویی ایران داشت؟ در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ در اعتراض به برقراری روابط سیاسی ایران و انگلیس، دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دست به تظاهرات باشکوهی زدند که پلیس آنها را محاصره کرد و با ورود به دانشکده روی دانشجویان آتش گشود که در نتیجه آن سه دانشجو شهید و عده‌ای مجروح و دستگیر شدند. نوع برخورد حکومت با دانشجویان در آن روز حکایت‌تر از آن داشت که رژیم را نقشه قبلی و هدف ایجاد ترس و وحشت اقدام به سرکوب دانشجویان کرده بود. در واقع نوع واحد انتظامی اعزامی به دانشگاه، شیوه‌های بیهانه‌جویی و نوع عملکرد و حتی تشویق‌های بعدی مهاجمان به دانشگاه تهران از سوی ارتش و ارتقای درجه آنها از عواملی هستند که نشان‌دهنده قصد قبلی دولت کودتا برای سرکوب دانشجویان در آستانه ورود نیکسون بود. روز بعد ریچارد نیکسون معاون رئیس‌جمهور آمریکا به اتفاق همسرش وارد تهران شد که تظاهرات وسیعی در اعتراض به ورود او و نیز به مناسبت بزرگداشت شهدای دانشکده فنی دانشکده تهران برگزار و منجر به برخوردهای شدید در میان پلیس و مردم شد. در واقع دولت کودتای محمدرضا شاه راه‌حل مشکلات را در اعمال زور می‌دید. پس از ۱۶ آذر جنبش دانشجویی وارد مرحله جدیدی از فاز مبارزاتی خود شد. هرچند حکومت تمام تلاش خود را برای سرکوب هرچه بیشتر آن به کار بست. سپهبد زاهدی نخست‌وزیر دولت کودتا در نامه محرمانه‌ای برای جلوگیری از حرکت سیاسی دانشجویان می‌نویسد: برای جلوگیری از عملیات دانشجویان متخلف با اطلاع دانشگاه آنان اخراج و سپس به نقاط شمال، شرق و غرب برای انجام خدمت وظیفه اعزام شوند. سختگیری‌های رژیم شاهنشاهی هرچند توانست فعالیت‌های سیاسی دانشجویان را تا حدودی تحت تاثیر قرار دهد اما هیچگاه سبب توقف آن نشد و پس از آن واقعه در دهه ۳۰ اعتراضات به صورت پراکنده ادامه یافت. از آن جمله می‌توان به تظاهرات ۲۹ مهر ۱۳۳۳ در اعتراض به قرارداد کنسرسیوم نفتی، اعتراض به تغییر قانون استقلال دانشگاه در ۱۷ دی ۱۳۳۳، تظاهرات در اعتراض به حمله اسرائیل به کشورهای مسلمان در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶، تظاهرات در اعتراض به تقلب در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی در بهمن ۱۳۳۹ و چندین تظاهرات پراکنده دیگر اشاره کرد که تمامی آنها منجر به درگیری با نیروهای انتظامی و مجروح و بازداشت شدن عده‌ای از دانشجویان می‌شد. (موسسه مطالعات تاریخ معاصر)

قاب تاریخ ۲

محل ملاقات و مذاکره سران کشورهای متفق در جنگ جهانی دوم؛ ۶ آذر سال ۱۳۲۲ رؤسای جمهور سه کشور فاتح جنگ جهانی دوم بدون اطلاع دولت وارد خاک ایران شدند و یکی از کنفرانس‌های چندگانه‌شان را در تهران برگزار کردند. در این کنفرانس چهار روزه «فرانکلین روزولت» رئیس‌جمهور آمریکا، «یوسیف جوزف استالین» نخست‌وزیر انگلیس و «ژوزف استالین» رهبر اتحاد جماهیر شوروی درباره وضعیت جهان بعد از جنگ جهانی دوم صحبت کردند. علت تشکیل این کنفرانس در تهران به پیشنهاد استالین رهبر شوروی بود و ملاقات نیز در محل سفارت شوروی برگزار شد. در روز ورود رهبران متفقین، علی سهیلی نخست‌وزیر وقت ایران در جریان سفر این سه نفر قرار داده شد و وی نیز جزو حضور آنها را به سمع محمدرضا پهلوی که بعد از تبعید پدرش به سلطنت رسیده بود، می‌دهد. محمدرضا نیز برای شرکت در کنفرانس ناگزیر شد به محل سفارت پروا داده و در جریان کنفرانس، چرچیل و روزولت حاضر نشدند به دیدار شاه بروند و با وی تنها در محل سفارت دیدار کردند. چرچیل نخست‌وزیر انگلستان تنها برای چند دقیقه در حیاط سفارت شوروی با شاه دیدار کرد که به یک سلام و احوال‌پرسی و گرفتن عکس ختم شد. در ملاقات با روزولت نیز محمدرضا پهلوی درخواست کرد پدرش را از جزیره موریس به نقطه دیگری که آب و هوایی بهتری داشته باشد تبعید کنند.

قاب مشاهیر ۱

داستان زندگی ویگن: صدایی که ۹۵ سالمه شد! ۲ آذر مصادف بود با تولد پنجمین سالگرد تولد ویگن دربریان، خواننده و آهنگساز ارمنی‌تباری که تاثیر مهمی در دگرگونی موسیقی پاپ ایرانی داشت. به گزارش اطلاعات آنلاین، ویگن از خانواده‌ای می‌آمد که روزگار پرمصیبتی را به چشم دیده بودند. پدرش از بازماندگان کشتار ارامنه به دست حکومت عثمانی بود که می‌خواست نسل ارمنی‌ها را از روی زمین تحت سیطره امپراطوری وسیعش برانداز. پدر برای درامان ماندن از شر عثمانی‌ها رهسپار ایران شد و خودش را به همدان رساند. در همدان در باغی ساکن شد و به نوه صاحب باغ دل باخت. اقبالش بلند بود که از سایه برگ به دامن عشق افتاد. حاصل این ازدواج شد ۵ پسر و ۳ دختر. یکی از این پسرها ویگن بود و پسر دیگر، کارو. برادر بزرگ ویگن که بعدها هر دو در آسمان موسیقی و ادبیات ایران از نام‌های ماندگار شدند. ویگن تحصیلات متوسطه‌اش که تمام شد، رفت و در شرکت برآ آهن به عنوان نقشه‌بردار مشغول کار شد. از نوجوانی دلش پرمی‌کشید برای موسیقی. در زمان حضور متفقین در همدان، از سربازی آمریکایی گیتاری خرید به قیمت چهار تومان و از شوهر خواهرش که کمی گیتار زدن می‌دانست، یاد گرفت که چطور صدای این ساز را درآورد. در کافه‌های همدان به زبان‌های ارمنی، فارسی و اسپانیایی می‌خواند و به واسطه دم گرمش که در شنوندگانش کارگر افتاده بود، زود به شهرت رسید و اسمی در کرد. ابتدای دهه ۱۳۳۰، ۲۲ ساله بود که وارد تهران شد و در کافه‌رستورانی به نام باغ شمیران در تقاطع خیابان فردوسی و استانبول شروع به اجرا کرد. این کافه‌رستوران به لطف حضور کارو که از شاعران نیمایی بود، یاتوق شاعران و روشنفکران بود و دوستدارانِ موسیقی پاپ و جاز هم که در آن دوره موسیقی رایج نبود، به این کافه سر می‌زدند. در همین کافه با یکی از همکارانش که در بلندی نام و آوازه ویگن نقش بسزایی داشت، آشنا شد. ناصر رستگارنژاد شاعر، شبی ویگن اطلاع دادنشگاه آنان اخراج و سپس به نقاط شمال، شرق و غرب برای انجام خدمت وظیفه اعزام شوند. سختگیری‌های رژیم شاهنشاهی هرچند توانست فعالیت‌های سیاسی دانشجویان را تا حدودی تحت تاثیر قرار دهد اما هیچگاه سبب توقف آن نشد و پس از آن واقعه در دهه ۳۰ اعتراضات به صورت پراکنده ادامه یافت. از آن جمله می‌توان به تظاهرات ۲۹ مهر ۱۳۳۳ در اعتراض به قرارداد کنسرسیوم نفتی، اعتراض به تغییر قانون استقلال دانشگاه در ۱۷ دی ۱۳۳۳، تظاهرات در اعتراض به حمله اسرائیل به کشورهای مسلمان در سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶، تظاهرات در اعتراض به تقلب در انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی در بهمن ۱۳۳۹ و چندین تظاهرات پراکنده دیگر اشاره کرد که تمامی آنها منجر به درگیری با نیروهای انتظامی و مجروح و بازداشت شدن عده‌ای از دانشجویان می‌شد. (موسسه مطالعات تاریخ معاصر)

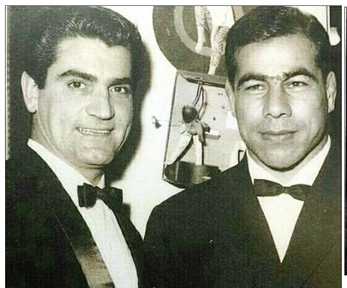

قاب نوستالژی

دختران اسکی‌باز در دهه ۵۰: در ایران نخستین مسابقات اسکی سال ۱۳۱۷ برگزار شد و تأسیس فدراسیون اسکی نیز سال ۱۳۳۵ صورت گرفت. ایران پیست‌های اسکی باکیفیتی نیز در سال‌های قبل و بعد از انقلاب تاسیس کرد. در سال ۱۳۳۰ سرتیپ سیه‌پور به ریاست فدراسیون منصوب شد. پس از آن و تنها ۲ سال بعد سرهنگ یحیائی یعنی در سال ۱۳۳۲ مجدداً فیلیکس آقایان به سمت ریاست فدراسیون اسکی گمارده شد. این تصویر مربوط به پیست شمشک در سال ۱۳۵۴ است.(انتخاب)

مرتضی کلیلی

پاسخ‌های شماره قبل

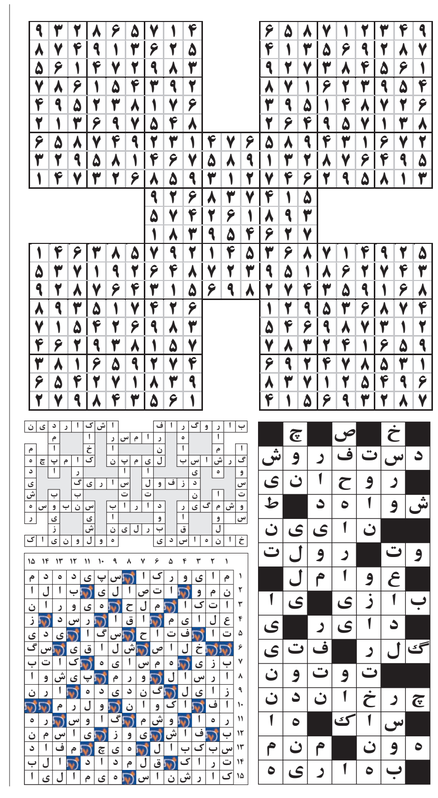

جدول و سرگرمی

طراح: حمیدرضا محمدرضایی

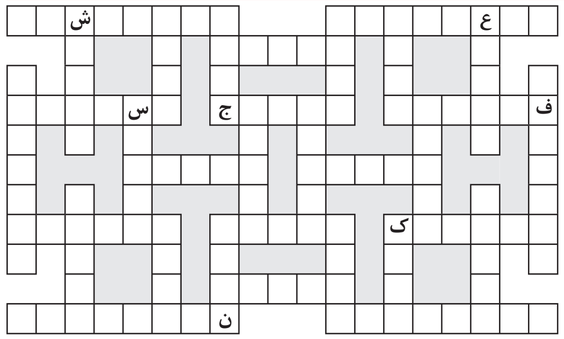

توضیح

کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جایگذاری نمایید.

۴ حرفی: ایرج، اران، بنین، رودن، کوبا، گاوس، لیون، وزوو

۵ حرفی: اکسید، ایلچی، بوخوم، بیهار، پرایا، دما یا، فرانکو، سردکن، سنندج، شیداب، عجمان، کهنوج، ناسی، نوجین، یزداد

۶ حرفی: ابرنجک، آنگولا، نستاری، رفسنجان، سیلیکات، اسلامشهر، آوابراون، قلعه فورگ، نان کشمشی

۷ حرفی: رفسنجان، سیلیکات

۸ حرفی: اسلامشهر، قلعه فورگ

جدول کلمات متقاطع

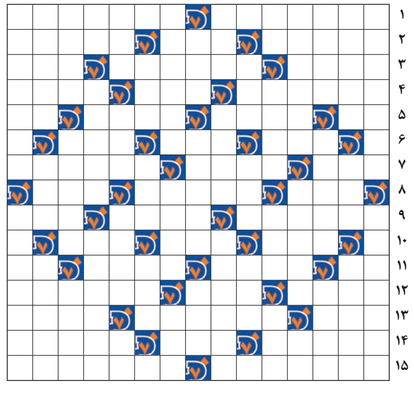

افقی

۱-برگزیده و نیکو-از وسایل آشپزخانه
۲-کمک و دستیار - قله مرتفع رشته‌کوه زاگرس-حیوان استرالیایی
۳-جمع نکته- پرت کردن- پلکان هواپیما
۴-شهری در چین- دومین مهره گردن- سوراخ گوش
۵-طلا- دشمنی و جنگ- نغمه خوانی- عید ویتنامی
۶-یاری- داخل حاشیه- جای ریزش آب
۷-روزی-هجوم و حمله-باغ افلاطون
۸-پایتخت یونان-نوعی اره-شهر خراسان قدیم
۹-لباس مردانه قدیمی- زمانی و وقتی- نزدیک شدن
۱۰-اسب پهن پشت- پول سابق ایتالیا-عاشق
۱۱-منفار کوتاه-نوعی تخم‌مرغ-مصیبت زده-کالای دست‌نخورده
۱۲-نوعی برنج-خوردنی شیرین-قسمتی از کله‌پاچه
۱۳-نشت آب-از گیاهان آپارتمانی-برنجی که هنوز پوستش کنده نشده
۱۴-دریاچه‌ای در روسیه-پدر آذری-روز تولد
۱۵-بنیان‌گذار دودمان زندیان بود-نویسنده

عمودی

۱-آبشاری در فریدون‌شهر-عاشق دلسوخته
۲-عنوان نظامی-ضعیف و رنجور-آزمون ورودی دانشگاه
۳-فقیر و بی‌چیز-پیشوا-نوعی ساز
۴-النگو-نام قدیم خیابان جمهوری-دنبالش نگردید!
۵-علامت مصدر جعلی-کیک معروف-سینمای سوخته-موسیقی‌دان آلمانی
۶-مادر ترکی-کلام درد-گیج و سرگشته
۷-غرض و مقصود-نوعی حج-پنیرش معروف‌است
۸-از شهرهای مازندران-عطش-وسیله ترمز
۹-مانند شدن-ریز نمرات-هذیان بیمار
۱۰-روزگار-وسیله مورد نیاز نجار-نسیم شمال شرقی
۱۱-مخفف لیکن-چاشنی شور-واحد پول چین-شما و من
۱۲-ضمیر فرانسوی-شمشیر برنده-گیاهی که از شیره آن کائوچو درست می‌کنند
۱۳-نرده چوبی یا فلزی-مشایعت-پیت نفت
۱۴-جمع کلمه-دانه‌کش بی‌آزار-فرزندان
۱۵-بی تجربگی-بالا کشیده و ترقی کرده

جدول سودوکو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری است

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در ارتباط است.

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی پیدا شود.

قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

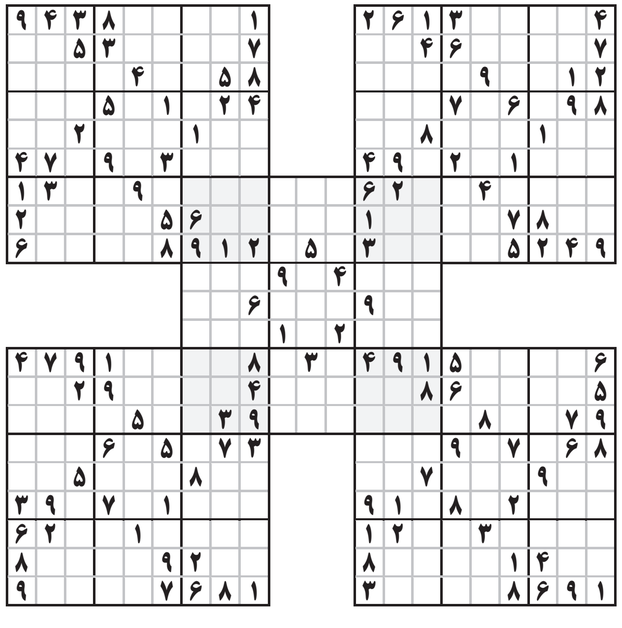

جدول سودوکو

جدول شرح در متن

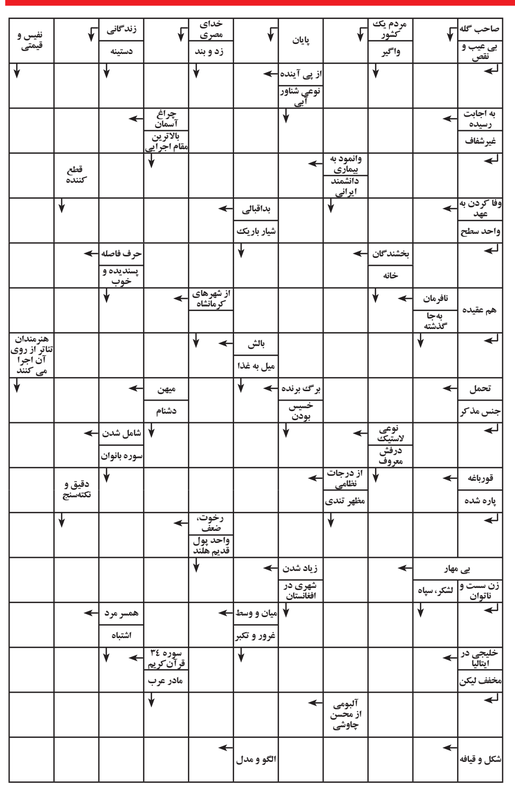

ابراهیم افشار

من به قربان پیراهن طلسماتت بروم

۱ عین بچه‌ای که مادرش را گم کرده است توی هیاهوی موتوری‌های خیابون سپه ایستاده‌ام و چشمم به درختان سر به فلک کشیده محوطه موزه ملک، منگنه شده است. ماشین‌ها بوق پشت بوق می‌زنند انگاری که کلاه پدرشان را باد برده است و هوا قابل استنشاق نیست. در چنین افسرده‌شهری، دارم به این فکر می‌کنم که به راستی آدمی چقدر پیچیده و متنوع و غیرقابل‌سنجش است. یکی‌اش می‌شود حسین ملک که تمام دار و ندار زندگی‌اش را وقف می‌کند و برای نشان دادن تمدن وطنش، موزه و کتابخانه‌ای به این عظمت می‌سازد و در عوضش سلاطینی گمنام از همین ملک هم پیدا شدند که در این سال‌ها آنتیک‌ترین گنجینه‌های به جا مانده از زیرخاک سرزمین مادری‌شان را به هزار لطایف‌الحیلی از مملکت خارج و به کلکسیونرهای خارجی فروختند. در هوای خاکستری خیابان سپه، که موتوری‌ها از روی سرم ویراژ می‌دهند و می‌گذرند دارم به این فکر می‌کنم که من با این آهنسرا و این وحشتکده هیچ قرابتی ندارم و کاش در طویله اسبان نفیس حاج‌حسین ملک در باغ صبا، چوپانی بیش نبودم و نفس به نفس آن مرد می‌زیستم. کاش الان می‌دیدم که آقای ملک روبه‌رویم ایستاده است. حتما ازش می‌پرسیدم آقاجان از میان ۶۸۴۰ نسخه خطی که در کتابخانه‌ات به یادگار گذاشتی من عاشق آن جزئی از قرآن کریمم که روی پوست آهو نوشته شده و متعلق به قرن دوم هجری قمری و منسوب به امام‌حسن (ع) است. من آن آهو را در کدام دشت‌های ایران باید پیدا کنم؟ من دوست داشتم آن تمبر را بو کنم که در سال ۱۳۳۸ به قیمت ۱۸ هزار تومان -یعنی به بهای روز چند منزل- خریدی تا موزه‌ات را کمال ببخشی. من فقط می‌خواستم آن تمبر یک و دو شاهی را که مربوط به زمان تاج‌گذاری احمدشاه (با سورشارژ بوشهر در تصرف انگلیس) است بو کنم. من فقط می‌خواستم به جای اینهمه دود و هوای آلوده، آنها را بو کنم. من حتی کیهان اسفند ۱۳۵۰ را هم دارم بو می‌کنم که نوشته «حسین ملک در آخرین اقدام وقفی خود باقیمانده اموال فرهنگی‌اش به ارزش چهارصد میلیون تومان را به استان قدس بخشید.» همان سخاوت بی‌مانندی که باعث شد ابراهیم صهبا در وصف آن قصیده معروفش را بسراید و تقدیم کند.

۲ عین بچه‌ای که مادرش را گم کرده است توی هیاهوی موتوری‌های خیابون سپه ایستاده‌ام و چشمم به درختان محوطه موزه ملک، منگنه شده است. ماشین‌ها بوق پشت بوق می‌زنند انگاری که کلاه پدرشان را باد برده است و هوا قابل استنشاق نیست. در محوطه باغ ملی در خیابان سپه، از دور به عظمت کتابخانه و موزه ملک نگاه می‌کردم و مردمان افسرده‌دل را می‌دیدم که غم نان، به صورت بی‌کرامت‌شان هاشور زده است و با تعجب تمام به درختان سر به فلک کشیده محوطه موزه ملک می‌نگرند انگاری که برای اولین بار دیده‌اند. خبر ندارند که حسین ملک تک‌تک این ۱۸۰ هزار جلد کتاب کتابخانه ملی خود را با چه خون دلی فراهم کرده است. خبر ندارند که در گنجینه کتابخانه‌اش کتاب تحریر اقلیدس اثر خواجه‌نصیرالدین طوسی چاپ قسطنطنیه به سال ۹۹۶ میلاد جا خوش کرده و در کنار آن نیز کتاب‌هایی چون «الاصول بالاسقسات» اثر اقلیدس به سال ۳۴۳ قمری خوش‌نشین شده است. من فقط می‌خواستم ۱۲ تابلوی کمال‌الملک را بو کنم و عطر تن نقاش ازلی را از آن بگیرم. مخصوصا آن دو تابلوی نیمه‌تمام را که کمال‌الملک در اواخر عمرش که از یک چشم نابینا شده بود تنها بخش کوچکی از آنها را رنگ‌آمیزی کرده و از جهان رفته است. من رفته بودم سکه‌های طلایی داریوش کبیر را که در موزه مسکوکات است بو کنم شاید اقبالم خوش بدرخشد و صاحب پول و پُله شوم. من فقط می‌خواستم آثار نگارگران قدیمی این خاک که تابلوهایی با خط ریحان و رقاع به یادگار گذاشته بودند مخصوصا اثر یاقوت مستعسمی را بو کنم و بروم. من فقط هوس بو کردن آن ۱۳۰ اثر لاکی به جا مانده از دوران افشاریه و زندیه و قاجاریه را کرده بودم. مخصوصا قلمدان معروف رضا عباسی به سال ۹۲۰ میلادی را که در وصف جنگ چالدران شاه‌اسماعیل اول و سلطان سلیم عثمانی رقم زده بود. یا آن مبایعه‌نامه مربوط به دوره آق‌قویونلوها را. من فقط می‌خواستم عقدنامه امیرکبیر و عزت‌الدوله را ببینم و ببینم آنها در شب زفاف چه حال و احوالی داشتند. من برای زل زدن به آن ده هزار سکه و نشان و مدال متعلق به قرن هفتم پیش از میلاد رفته بودم که حاج‌حسین ملک تک‌تک آنها را با خون دل فراهم کرده بود تا به عنوان نمادهایی از فرهنگ و تمدن ایران در داخل کشور بمانند و مردمانش هرگاه هوس فخریات گذشته کردند در آنها بنگرند. من برای بو کردن آن سکه هخامنشی که سرباز پارسی در آن در حال پرتاب نیزه نگارگری شده بود رفته بودم. من فقط می‌خواستم تابلوی ۶۲ متری عمواوغلی، بافته شده در سال ۱۳۱۵ با طرح شیخ‌صفی و متن لاکی و حاشیه لاجوردی را بو کنم که لنگه ندارد. من فقط می‌خواستم پیراهن طلسمات منسوب به شاه‌عباس اول را بو کنم بلکه مرا از بلایای ناگهانی این روزگار عسرت و حسرت دور کند. رفته بودم روی مبلمان لویی شانزدهم لَم دهم و پرده خانه کعبه را بو کنم. آنقدر بو کنم بلکه از طلسمات این شهر منجمد، تهی شوم.

۳ عین بچه‌ای که مادرش را گم کرده است توی هیاهوی موتوری‌های خیابون سپه ایستاده‌ام و چشمم به درختان محوطه موزه ملک، منگنه شده است. ماشین‌ها بوق پشت بوق می‌زنند انگاری که کلاه پدرشان را باد برده است و هوا قابل استنشاق نیست. در هیاهوی کرکننده خیابان سپه و باغ ملی و مردمان خسته‌ای که به دنبال معیشت روزانه، سگرمه‌هاشان درهم بود و نمی‌دانستند که می‌توانند در غنای بی‌نظیر کتابخانه و موزه ملک، خودشان را کمی از زیر بار روزمرگی‌ها بتکانند و خالی شوند. این همان حاج حسین ملک بود که بازار بزازها و کفاشان و خیاطان تهران را ساخته بود. همان ملک که ۷ هزار متر زمین برای ساخت آرامگاه فردوسی در طوس بخشیده بود (۱۳۰۶) همان که در تهران و خراسان، چندین بیمارستان و مسجد و حمام و دارالایتام ساخته بود و نزدیک به دو میلیون متر از اراضی مرغوب وکیل‌آبادش را که در سال ۱۳۳۸ به قیمت باورنکردنی بیست میلیون تومان می‌خریدند رایگان به فرهنگیان مشهد بخشیده بود تا آموزش و پرورش خراسان برای آنها شهرک مسکونی و پارک و حمام و گردشگاه بسازد. همان مردی که در سال ۱۳۵۰ تمام دارایی زندگی‌اش را به آستان امام هشتم بخشیده بود. من هنوز کیهان آن روز را گاهی بو می‌کنم که نوشته بود «حاج‌آقا حسین ملک شاعر و دانشمند میلیاردر ایران از همه چیزش گذشت.» همان مردی که در سال ۴۸ پنج هزارمتر از قصر شهرری‌اش را برای ساختن چندباب دبستان و دبیرستان به آموزش و پرورش شهرری بخشیده بود. همچنان که بخش بزرگی از باغ صبای تهرانش را به نیازمندان. مردی که نزدیک به هفتاد سال کتب نایاب و مسکوکات آنتیک را برای ایرانی‌ها جمع کرده و در کتابخانه و موزه شخصی‌اش نگه داشت تا وقتی جهانگردان و مردمشناسان خارجی به ایران می‌آیند آنها را به عنوان بخشی از فرهنگ و تمدن ایرانی به معرض نمایش بگذارد. همان پرسخاوت‌ترین مرد ایران که ساعت شش و نیم عصر روز سه‌شنبه سوم مرداد ۱۳۵۱ در سن ۱۰۱سالگی و در منزل پدری خود واقع در بازار تهران که در همانجا نیز به دنیا آمده و دوره حکمرانی شش پادشاه قاجار و پهلوی را به چشم دیده بود دنیای پلشت ما را ترک کرد. مردی که یک عمر از سیاست گریخت و هرگز پیشنهادهای دربار پهلوی درباره پذیرش وکالت مجلس را رد کرد. چون جمع‌آوری کتب ارزشمند و ساختن بهترین کتابخانه شخصی ایران را به هرچه در عالم پلیتیک بود ترجیح می‌داد. مرد ساده‌زیستی که خانه‌اش واقع در بازار بین‌الحرمین، باغ بزرگش در راه دربند تهران، باغ ملک در شاه‌عبدالعظیم و باغ درندشتش در محله باغ صبا همگی روزگاری در پذیرایی از اعیان و اشراف و شاهان قجر و شاعران بزرگ ایران‌زمین کم نگذاشته بود.

۴ عین بچه‌ای که مادرش را گم کرده است توی هیاهوی موتوری‌های خیابون سپه ایستاده‌ام و چشمم به درختان محوطه موزه ملک، منگنه شده است. ماشین‌ها بوق پشت بوق می‌زنند انگاری که کلاه پدرشان را باد برده است و هوا قابل استنشاق نیست. من رفته بودم کتابخانه بزرگ پسر بزرگ ملک‌التجار معروف و نوه حاج ملا آقابابا -مجتهد تبریزی- را ببینم و دیوارهای اتاق مخمل در شاه‌نشین او را بو کنم که فضایش آدمی را به سکوتی بهشتی مهمان می‌کرد. وقتی ریه‌هایم را از عطر و بوی کتاب‌های آنتیکش پر کردم دوباره به خیابان سپه برگشتم و دسته‌های از جان گذشته موتوریان تهرانی را دیدم که افسار پاره کرده و از بغل گوشم ویراژ می‌دادند و علافان مغموم سی تیر و سرهنگ سخایی و میدان توپخانه نمی‌دانستند که در چندقدمی آنها مردی کتابخانه و موزه‌ای ساخته است که در دنیا نظیر ندارد. من به قربان پیراهن طلسماتت بروم.

احد بابایی منیر

فروغ، ما را می‌گفت!

۱ اهل تبریز بود. پدرش «میرزاصادق» تحویل‌دار ناصرالدین میرزا -ولیعهد -بود، پسر -میرزا محمدعلی‌خان -ولی، سری پرباد داشت و دلی دریایی!
درآستانه مشروطیت همراه با کربلایی علی مسیو حسن‌تقی‌زاده و محمودغنی‌زاده محفل «مرکزغیبی» را بنا نهاد پیش‌ترها، کتابفروشی.
«تربیت» را تاسیس کرده بود نامی که بعدها به نام‌خانوادگی‌اش تبدیل شد. با کودتای محمدعلی‌شاه و به توپ‌بسته شدن مجلس، و یورش سربازان شاه به تبریز، کتابخانه‌اش غارت‌شده و به آتش کشیده‌شد. خرداد۱۲۸۷ آغاز دربه‌دری‌های میرزامحمدعلی‌خان تربیت بود: از تبریز به بادکوبه از بادکوبه به وین از وین به پاریس و از پاریس به لندن!
در اواخر پاییز همان سال از لندن به استانبول رفت و با دیگر مهاجران مشروطه‌خواه، در «انجمن‌سعادت» به فعالیت پرداخت. فتح تهران در تیر ۱۲۸۸ لباس دربه‌دری را از تن «تربیت» کند و قبای «وکالت» بر او پوشانید.
همه اینها به کنار، آنچه از تربیت به یادگار ماند -گیرم که خیلی‌ها اصلا شاید میرزامحمدعلی‌خان را نشناسند! -
«نخستین کتابخانه عمومی مدرن» این دیار است در میدان دانشسرای تبریز. سال‌هاست که از تبریز پرت شده‌ام به گلشهر کرج ولی هنوز سردر کتابخانه را به‌خوبی به‌خاطر دارم: کاشی‌های ریز سبزرنگ زمینه و نوشته: کتابخانه تربیت ۱۳۰۰ با کاشی‌های خردلی‌رنگ در وسط آن!
سال‌های دهه پنجاه دبیرستان ما -دبیرستان دهقان- و ساختمان دانشسرا و کتابخانه تربیت چسبیده به‌هم بودند.
فروغ سروده بود:
کوچه‌ای هست که در آنجا
پسرانی که به من عاشق بودند، هنوز
با همان موهای درهم و گردن‌های باریک و پاهای لاغر
به تبسم‌های معصوم دخترکی می‌اندیشند که یک‌شب باد او را با خود برد!...
آن سال‌ها در و دیوار کتابخانه تربیت در سکوت، عشق‌های افلاطونی ما را نگاه می‌کرد، گونه‌های سرخ از شرم سلام اول و دلدادگی‌های دیوانه‌وار بی‌سرانجام ما را!
به گمانم شعر فروغ درباره ما بود!

۲ عمارت جدید «کتابخانه ملی‌ایران که در شمال عمارت موزه ایران‌باستان در خیابان رفائیل ساخته شده است از هر حیث آماده است و...»
شاید اگر پیشنهاد «مهدی بیانی» نبود و پیگیری‌های علی‌اصغرحکمت، وزیرمعارف پهلوی‌اول، نه آن قطعه زمین ۳۵۰۰ مترمربعی در قسمت شمالی ساختمان موزه ایران‌باستان می‌شد کتابخانه ملی و نه آن خبر افتتاح در روزنامه اطلاعات ۱۸ خرداد ۱۳۱۶ چاپ می‌شد و نه «آندره گدار» -معمارفرانسوی- فرصت هنرنمایی پیدا می‌کرد!
این شد که جایی بین میدان مشق که به آن می‌گفتند باغ‌ملی و بیمارستان سینا، «گدار»با نیم‌نگاهی به ساختمان موزه ملی‌ایران و ترکیبی از مدل کتابخانه‌های کنگره آمریکا و کتابخانه ملی‌بریتانیا با میز و نیمکت‌های چوبی و پنجره‌های بزرگ و دل‌باز به سمت خیابان رفائیل آن روزها -قوام السلطنه بعدی و سی‌تیر فعلی - کتابخانه‌ملی ایران را ساخت...
پیش از ورود به سالن برف را از روی شانه‌های پالتوات می‌تکاندی کلاه شاپوات را از سر برمی‌داشتی روی نیمکتی می‌نشستی، کتاب پیش رویت را بازمی‌کردی. از پشت شیشه تماشای «بهار زمستان!» دیدنی بود، تماشای «شکوفه‌های‌سپیدپرپر»: تماشای رقص دانه‌های‌برف!

۳ خانه، آن روزها «پناه امن سرشار از سادگی و لبریز از صمیمیت بود!»
باشکوه‌ترین کتابخانه‌ای که تابه‌حال دیده‌ام آن کتاب‌های چیده‌شده روی طاقچه بود.
سوم‌ابتدایی بودم که مزه گس و اشک‌آور تنهایی‌غم‌انگیز «ژان‌والژان» را چشیدم و از همان سال‌ها دل‌نگران «کوزت» هستم، دل‌نگران کوزت‌ها!
دستم را گرفتی و بردی‌ام پیش ویکتورهوگو، نزد چارلزدیکنز، کنار خیام و فردوسی و سعدی وحافظ و...
آن خانه با آن کتابخانه طاقچه‌ای‌اش، پشت غبارها گم شدند خودت هم!
نمی‌دانم کجای دورترین فاصله‌هایی ؟! نمی‌دانم امید دیداری هست یا نه!
نمی‌دانم می‌شنوی یا نه!
ولی در هر حال، ممنونم آقاجان! آن کتاب‌های ردیف‌شده روی طاقچه، آن انبوه مجله‌ها مرا با جادوی واژه‌ها همنشین کرد.
آن طاقچه، زیباترین و نفیس‌ترین و بزرگترین کتابخانه دنیا بود!

۴ حالا، کتابخانه خودم را دارم، تکیه داده به دیوار سالن پذیرایی وخسته به نظر می‌آید و دلگیر و اندوهگین.
نمی‌دانم چرا تمام کتابخانه‌ها، محزون‌اند!
من هم، خستگی‌ام را با این قفسه‌های چوبی تقسیم می‌کنم و عکس آقاجان آن‌جا، آن بالا - بالاترین ردیف -نشسته است، خسته نیست می‌دانم! یار، خوش چیزی است! نشسته جایی که دوست داشت: بین کتاب‌ها و بوی دلفریب و دلنشین و دلربای کاغذ!

رضا فراهانی

شتاب گرانش

آقای حصاری معلم فیزیک بود البته نه از آن معلم فیزیک‌هایی که به جز عدد و رقم و مدار و سرعت و شتاب از چیز دیگری سر در نمی‌آورند، از آن دسته که می‌شد میان تدریس درس‌های زمخت فیزیک از میان حرف‌هایش کلی چیز یاد گرفت، درس خوانده آن ور آب بود و در یک اتفاق دوباره پایش سر خورده و برگشته بود، زندگی عجیبی داشت که می‌شد یک مثنوی در موردش نوشت اما چیزی که عجیب‌ترش می‌کرد دفتر کارش در یک آموزشگاه وسط شهر بود، آنجایی که کلاس‌های نیمه خصوصی برگزار می‌کرد و به قول خودش کنج خلوتش بود...
می‌گفت چه کلاس داشته باشد چه نه عصرها را در آن کلاس می‌گذراند، کل آموزشگاه که نه اما آن یک کلاس ویژه آقای حصاری بود.
وقتی سال پیش دانشگاهی با آن کتاب قطور و بی‌رحم فیزیک مواجه شدیم با چند نفر از بچه‌ها تصمیم گرفتیم که تدریس فیزیک را به آقای حصاری بسپاریم. محل برگزاری کلاس هم که مشخص بود، آن دفتر دوست داشتنی که آقای حصاری بارها در مدرسه در وصفش گفته بود اما ما هیچ وقت آن را ندیده بودیم.
عصر سه‌شنبه یک روز پاییزی وقتی خسته و درمانده از حل مسائل حرکت شناسی تصمیم گرفتیم به سمت میدان انقلاب برویم فکر نمی‌کردیم مهم‌ترین چیزی که آنجا می‌بینیم کتابخانه شخصی آقای حصاری باشد.
کتابخانه بی‌آنکه اهل خودنمایی باشد در کنجی بی‌خطر از کلاس حضور داشت و مثل همه کتابخانه‌های آدم‌های کتابخوان اثری از نظم در آن دیده نمی‌شد. من کنجکاوتر از آن بودم که بتوانم روی درس تمرکز کنم و مدام سرم می‌چرخید تا به ردیف کتاب‌های توی قفسه نگاه کنم، مجموعه‌ای که در عین بی‌نظمی ظاهری، نظم موضوعی خاصی داشت.
طبقه بالایی با دیوان حافظ شروع می‌شد، دیوان صائب را در کنارش داشت و بوستان سعدی و گزیده اشعار عطار و خاقانی و دو جین شاعر قرون شش تا ده!
همین که اثری از گلستان سعدی نبود برای من چنین معنایی می‌داد: «آقای حصاری علاقه‌ای به نثر ندارد...»
در ردیف‌های پایین‌تر مجموعه‌هایی از کتاب‌های تاریخی به چشم می‌خورد که خیلی‌هایشان جزو کتاب‌های ممنوعه بودند، آدم دلش می‌خواست یکباره دست بردارد و یکی‌شان را بکشد بیرون و شروع به خواندن کند، مثل پسربچه‌هایی که در سوپرمارکت بی‌آنکه اراده‌ای داشته باشند دست می‌برند در ردیف چیپس و پفک‌ها و از هرکدامشان چندتایی می‌زنند زیر بغل...
دلم می‌خواست از آقای حصاری در مورد ردیف سوم کتاب‌هایش بپرسم، همان جایی که اغلب در مورد روانشناسی بود و بی‌نظمی‌هایش نشان از این داشت که او تازگی‌ها از این قفسه خواندنی انتخاب کرده؛ اما نمی‌شد، آقای حصاری داشت روی نمودار سرعت زمان محل برگشت متحرک را درس می‌داد و اینکه چگونه راننده پایش را روی ترمز گذاشته و به شتابی متوقف شده که به مانع برخورد نکرده و ...
متحرک که متوقف شد، از اصطکاک که صرفه نظر کردیم، شتاب گرانش را که ده گرفتیم و درست وقتی در نقطه اوج نمودار مکان زمان بودیم آقای حصاری فیزیک را متوقف کرد و از سرنوشت کتابخانه‌اش گفت، از کتابی که درمورد تاریخ روسیه تزاری بوده و دوستی برایش از آنجا آورده. از چند کتاب نادر ابراهیمی که چقدر قلمش را دوست دارد، از آرشیو مجله فیلم و ...
آقای حصاری که حرف می‌زد و از کتابخانه‌اش می‌گفت تازه متوجه شدیم که این مکان متحرک نبوده که ثابت شده! این زمان بوده که برخلاف همه مسائل جهان حالا مدتی است متوقف است...

حمید رستمی

بهشت گمشده!

۱ وارد اتاق که شدم یک بهشت برین بود بهشتی وعده داده شده در کتاب‌های آسمانی، بهشتی با می در بر و جام در کف و معشوق به کام، یک چهاردیواری کاغذی که با قفسه‌های چوبی از کف تا سقف بالا رفته و بوی چوب و کاغذ توامان به مشام می‌رسد. یک کتابخانه جمع‌وجور و ۵-۶ طبقه که هر ضلع اتاق را به آن یکی وصل می‌کند و ساعت‌ها می‌توانی خودت را در آن اسیر کنی و چشم بگردانی و بزرگان ادبیات را به نظاره بنشینی! در همان قفسه اول، سمت راست، دم در، یک قفسه کامل به آثار چخوف اختصاص دارد با روی جلدهای سبز رنگ و متحدالشکل از نمایشنامه‌ها، نامه‌ها و داستان کوتاه‌هایش، مردی که زندگی کوتاهی داشت و در ۴۴ سالگی بر اثر بیماری سل درگذشت ولی چنان عمرش پربار بود که کتاب‌هایش توان پرکردن یک قفسه کامل را داراست. با آنکه چخوف به دنبال پیام اجتماعی یا اخلاقی نبود اما شیوه نوشتاری و طنز خاصش منجر به آن شد که در نوشته‌هایش جنبه‌های بیشتری از حقایق زندگی روس‌ها آشکار شود. از نمایشنامه‌هایی چون باغ آلبالو گرفته تا مرغ دریایی، سه‌خواهر، دایی وانیا، خواستگاری و آواز قو! نویسنده‌ای که به همان میزان که به عنوان نمایشنامه‌نویس قهار شناخته شده بود داستان کوتاه‌های محشر می‌نوشت و با این وجود ادراک زیبایی از هنر داشت و طنز ملیح و آرامش بر شرایط خاکستری زندگی شخصیت‌ها غلبه می‌کرد.

۲ طبقه پایینی به آثار بهرام بیضایی اختصاص دارد و از نمایشنامه‌های آرش، سه برخوانی، پهلوان اکبر می‌میرد، هشتمین سفر سندباد، سلطان مار، دنیای مطبوعاتی آقای اسراری، دیوان بلخ، گمشدگان، ندبه، مرگ یزدگرد، خاطرات هنرپیشه نقش دوم، فتحنامه کلات، پرده‌خانه، جنگنامه غلامان، مجلس قربانی سنمار، افرا یا روز می‌گذرد، سهراب‌کشی، مجلس ضربت‌خوردن، شب هزار و یکم و فیلمنامه‌هایی چون عیار تنها، حقایق درباره لیلا دختر ادریس، قصه‌های میر کفن‌پوش، شب سمور، اشغال، آینه‌های روبه‌رو، روز واقعه، پرونده قدیمی پیرآباد، پرده نئی و... همراه با کتاب‌های پژوهشی همچون نمایش در چین، نمایش در ایران، ریشه‌یابی درخت کهن و... همه تو را به مهمانی کلمه‌ها فرا می‌خواند.

۳ یکی از قفسه‌ها به اشعار نو از شاعران معاصر ایران همچون احمد شاملو، سید علی صالحی، نصرت رحمانی، گروس عبدالملکیان، لیلا کردبچه، رسول یونان، شمس لنگرودی، فروغ فرخزاد، عمران صلاحی، احمدرضا احمدی، حسین منزوی و شاعران خارجی چون ناظم حکمت، پابلو نرودا، نزار قبانی و... اختصاص دارد و لای هر کدام از کتاب‌ها را که باز می‌کنی عشق و هجران از واژه‌ها می‌تراود و وجودت را لبریز مهر می‌کند. آنجا که نزار در سوگ عشقش می‌گوید: «بلقیس! رفته بودی انار بگیری، تکه‌هایت برگشت! آنها بیروت را رها کردند و غزالی را کشتند. چشمهایت که بسته شد، دریا استعفا داد، بلقیس! کیفت را که از لای آوارهای بیروت بیرون کشیدند، فهمیدم که با رنگین‌کمان زندگی می‌کرده‌ام!» یا حسین منزوی بگوید: «من از پیراهنت دستمال می‌خواهم تا زخم کهنه‌ام را ببندم!» و یا رضا براهنی بگوید: «تنها چندین بنفشه در آن انتهای باغچه باقی مانده است تا بشمارم. آنگاه خواهد رفت. دیگر کسی مرا تمیز نخواهد داد. از رنگها، از ابرها از آسمان و سایه‌های درختان هولناک که در مرداب می‌خوابند!» یا «چه جوانانی! اسماعیل! می‌بینی؟ چه جوانانی! بسیاری‌شان هنوز صورت عشق را بر سینه نفشرده‌اند»

۴ یکی از قفسه ها به کتاب‌های قطور قدیمی از شاهنامه فردوسی تا کلیله‌ودمنه و تاریخ بیهقی و جوامع الحکایات و لوام الروایات، تذکره‌الاولیا، گلستان و بوستان سعدی که هر کدامشان را از هرجا که بخوانی انگار به قدر تشنگی می‌توان از این دریای عظیم چشید و از ادبیات گران‌سنگ و شاعرانه‌شان بهره جست و انبان پر کرد از این دایره واژگان بی‌انتها از بوسهل سوزنی که عادت داشت فرد فرو افتاده را بکوبد و از حسنک وزیر که برای خود کیا و بیایی داشت آن سرش ناپیدا!

۵ یکی از قفسه‌ها به رمان‌های ناب ایرانی و خارجی اختصاص دارد از بزرگان ساحت ادب و هنر از شاهکارهای گابریل گارسیا مارکز از جمله صد سال تنهایی، پاییز پدر سالار، عشق سال‌های وبا تا رمان‌های بر باد رفته و مرشد و مارگاریتا و دن آرام، بینوایان، بلندی‌های بادگیر، ۱۹۸۴، ناطوردشت، خوشه‌های خشم، خشم و هیاهو، آناکارنینا، جین ایر، جنگ و صلح، سفرهای گالیور، بار هستی، وداع با اسلحه، سفر به انتهای شب، زوربای یونانی و .... و از رمان‌های ایرانی بوف کور (صادق هدایت)، چشم‌هایش (بزرگ علوی)، همسایه‌ها (احمد محمود)، درخت انجیر معابد (احمد محمود)، کلیدر (محمود دولت‌آبادی)، دایی جان ناپلئون (ایرج پزشکزاد)، آتش بدون دود (نادر ابراهیمی)، جای خالی سلوچ (محمود دولت آبادی)، شوهر آهو خانم (علی محمد افغانی)، شازده احتجاب (هوشنگ گلشیری)، سمفونی مردگان (عباس معروفی)، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم (زویا پیرزاد) سووشون (سیمین دانشور)، یک عاشقانه آرام (نادر ابراهیمی)، خانه ادریسی‌ها(غزاله علیزاده)، سال بلوا (عباس معروفی)و...

۶ و همین گونه ادامه دهیم قفسه‌هایی برای کتابهای سیاسی، قفسه‌ای برای مجلات نفیس، کتاب‌های علمی، مرجع، فلسفه، مذهبی، انسان‌شناسی و بهشتی گمشده در اتاقی که انگار سال‌هاست از یادها رفته و در زیر غبار فراموشی مدفون شده است.

مهدی افخمی

همیشه در امانت

ما در محله‌ای فقیرنشین در یک خانه اجاره‌ای ۴۰ متری با دو اتاق تو در تو زندگی می‌کردیم. خانه‌های قبلی ما بسیار بزرگ‌تر بود. درست همان سالی بود که من کنکور داشتم و دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی بودم. خانه‌ای کوچک که هر ماه، صاحبخانه با خالکوبی‌های یک زن عرب یا شاید هم بختیاری مثل برج‌زهرمار می‌آمد و می‌نشست توی خانه وقتی حتی من تنها بودم تا بابا بیاید و اجاره زینب خانم را بدهد. اما کنار خانه کوچک ما آستان قدس یک مجتمع فرهنگی زده و در آن یک کتابخانه بزرگ ساخته بود. نمی‌دانم آن موقع به چه چیز فکر می‌کردم اما ظاهرا هیچ استفاده‌ای از آن کتابخانه نوساز و صندلی‌های چوبی‌اش نکردم. شاید به‌خاطر وضعیت بد اقتصادی‌مان بود که حتی دل و دماغ رفتن به کتابخانه را نداشتم. بابا با حاجی مژده یک اتوبوس خریده بود و به شهرهای اطراف مشهد، مسافر می‌زد و روکش صندلی‌ها را هر چند وقت می‌آورد خانه تا مامان بشوید. زینب مغازه کوچک در خانه‌اش را حمام کرده بود. یک رنگ کالباسی به شیشه‌های مغازه زده بود و ما در بیرونی‌ترین جای خانه دوش می‌گرفتیم. کتابخانه‌ای که در دسترس بود و احتمالا به‌خاطر اینکه من نمی‌توانستم کانون ثبت‌نام کنم یا کتاب تست بخرم وقتی به کتابخانه می‌رفتم تا کتابی را برای کنکور بگیرم همیشه در امانت بود. اصلا یادم هست سال سوم دبیرستان به تهران رفتم تا استخدام ارتش بشوم اما نشد. همه‌اش دنبال راهی بودم تا پولی دربیاورم. هوای هنر هم به سرم زده بود و دلم می‌خواست ادبیات نمایشی دانشکده هنرهای زیبا قبول بشوم. باز هم چشم طمعی به آن کتابخانه با آن محیط فراخ و گسترده و آن بی‌نهایت نوری که از پنجره‌های قدی‌اش به داخل و روی میزهای مطالعه‌اش می‌ریخت نداشتم. نمی‌دانستم هنوز برای پول درآوردن زود است و باید کمی درس بخوانم و راهم را از آن کوره‌راه و محله فقیرنشین که مشهدی‌های کمی متمول که استطاعتشان در به گورکردن میت‌هایشان به گورهای حرم نمی‌رسید آنجا یعنی خواجه ربیع را انتخاب می‌کردند تا همیشه برای سرزدن به مرده‌ها احتیاج نباشد از شهر بیرون بروند و همان‌جا بیایند فاتحه‌ای بخوانند. مرده‌های آنها و زنده‌های ما! خانه‌ای پشت قبرستان! نمی‌دانستم باید از آن خانه کوچک بزنم بیرون و در آن کتابخانه بزرگ بنشینم و بی‌محابا تست بزنم تا شاید به دانشگاه راه پیدا کنم. کنکور را که دادم و قبول نشدم دوباره یک کتابخانه جدید پیدا کردم که هیچ وقت کتاب‌هایش به امانت برده نمی‌شد. کتابخانه مسجد شیخ عباس تربتی بغل پارکینگ بزرگ قبرستان. روز بعد از کنکور به حوزه هنری مشهد رفتم و در کلاس داستان‌نویسی تیمور غلامی ثبت‌نام کردم و پاتوقم شد کتابخانه تربتی! کتابخانه‌ای کوچک با راهروهای تنگ که روزنامه‌ها را هنوز لای آن چوب‌ها می‌گذاشتند برای مطالعه و البته برگه‌دان دیویی کتاب‌ها غیرقابل استفاده شده بود و تو کامپیوتر می‌شد جست‌وجو کرد. پر از کتاب قصه و داستان بود که هیچ خریداری نداشت. آنجا هم همه صندلی را کنار یک ستون به نام خود می‌زدند و می‌خواندند برای کنکور و من از اسماعیل فصیح می‌خواندم، از یوسا، گنچاروف، چخوف و داستایوسکی حتی کتاب‌های محمدرضا صفدری هم آنجا پیدا می‌شد. کتاب‌هایی به‌روز بود. تنها خوبی آن محله فقیرنشین مشهد دو کتابخانه و سه مدرسه دبستان و راهنمایی و دبیرستانش بود که عباس واعظ طبسی سال ۷۶ با سیمرغ آبی که شیشه‌هایش پرده داشت آمد و افتتاح کرد و ما که در صف بودیم برای او صلوات فرستادیم و احتمالا به غیر از من بچه‌های زیادی از آن دو کتابخانه به دانشگاه راه پیدا کردند و فقط من هوای کتاب‌های به امانت نرفته‌شان را داشتم.